

هشدار!

((...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



استاد خسروشاهی در گفت و گو با «جوان»:

نخبگان ما به نهضت های اسلامی بی توجهند

صفحه ۸



خواهر امام موسی صدر:

سید حسن نصرالله، شایسته ترین جانشین

امام موسی صدر

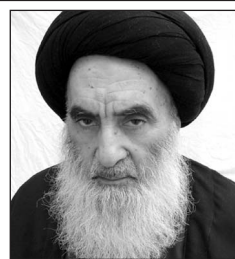
صفحه ۱۶

دفتر آیت الله

سیستانی تایید قمه

زنی از سوی ایشان را

تکذیب کرد



صفحه ۱۶

استاد حوزه علمیه:

فتوای تاریخی میرزای شیرازی نتیجه

تلاش های سید جمال الدین اسدآبادی بود

صفحه ۱۰

رییس پژوهشکده انتظار نور هشدار داد

نفوذ جریان های مغرض به عرصه

مطالعات مهدوی

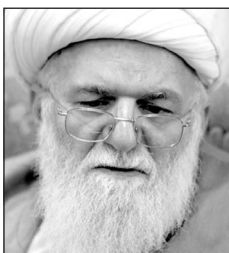
صفحه ۱۱

آیت الله تسخیری:

هدف دشمنان،

عقب ماندگی جهان

اسلام است



صفحه ۷

ابعاد علمی و عملی

شخصیت حضرت

فاطمه (س)

آیت الله جوادی آملی



صفحه ۱۲

گفت و گو با برادر شهید
محمد حسن ابراهیمی:

شهادت

در آمریکای لاتین

انتظار او را می کشید



صفحه ۲

بسیاری موارد دیگر به خوبی روشن و بیان می شود.

سخنان آیت الله صافی گلپایگانی

آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی از مراجع عظام تقلید هم گفت: شوراها باید بکوشند تا در حد خود نقاط ضعف موجود را کاهش دهند و اگر جامعه، اسلامی و در مسیر قرآن باشد، نقایص آن به حداقل می رسد.

به گزارش ایرنا این مرجع تقلید در دیدار با مهدی چمران رئیس و اعضای شورای عالی استان ها افزودند: شوراها امروز در کشور مسأله بسیار مهمی است و آنها که در این جایگاه قرار گرفته اند، مسئولیت بزرگی برعهده دارند.

ایشان افزودند: کسانی که دارای این مسئولیت اند باید آن را یک فرصت طلایی بدانند و از این موقعیت برای رضای خدا، خشنودی امام زمان و خدمت به مردم استفاده کنند.

این مرجع تقلید با تأکید بر این که باید برای احیای امر به معروف و نهی از منکر تلاش کرد، اظهار داشتند: بسیاری از معروف ها در جامعه فراموش شده است و باید هویت اسلامی را زنده نگه داشت و آن را مقدس دانست.

ایشان با تأکید بر این که باید از هویت و حیثیت اسلامی دفاع کرد، ادامه دادند: برخی مسئولان ورزشی می گویند از فیفا اجازه گرفتن تازن های فوتبالیست بتوانند با کلاه در مسابقات شرکت کنند که این یک ذلت است.

این مرجع تقلید اضافه کردند: ما که می گوئیم مسلمانیم در هر کجای دنیا و در هر جامعه و در هر زمانی، باید به اسلامیت و مسلمان بودن خود افتخار کنیم.

تأکید مراجع تقلید بر استقلال حوزه های علمیه

شود، می توان شاهد رشد و بالندگی علمی و فکری حوزه ها بود. ایشان با بیان این که مرجع شیعی تازمانی که مطیع امر الهی فارغ از مسائل دنیوی و مادی باشد، در برابر مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نفوذناپذیر است، افزودند: هنگامی این نفوذناپذیری در مراجع و رهبران فکری جامعه محقق می شود که در حوزه های مستقل و آزاد رشد و تربیت یافته باشند. آیت الله جوادی آملی یکی دیگر از شرایط حوزه های مستقل را داشتن علم محققانه دانستند و گفتند: حوزه های علمیه فاقد مبانی علمی پربار و ناتوان در انتقال علوم به دیگران نمی توانند شعار استقلال بدهند. این استاد برجسته حوزه علمیه قم با اشاره به شبهه افکنی و تلاش دشمنان برای گسترش هجمه های فرهنگی علیه دین مبین اسلام تصریح کردند: حوزه های علمیه ای می توانند در برابر شرق و غرب بایستند و پاسخ شبهه های آنها را بدهند که مستقل و آزاد و در بخش علمی هم دارای پایگاه عمیق فکری باشند.

آیت الله جوادی آملی افزودند: حوزه ها زمانی می توانند داعیه استقلال داشته باشند که مبانی مشخص اسلامی مانند قرآن، کتاب، سنت و عقل را برای رشد و شکوفایی روز افزون مورد استفاده قرار دهند. ایشان در بخش دیگری از سخنان خود لزوم توجه هر چه بیشتر به علم اصول را یادآور شدند و گفتند: اگر علم اصول به درستی مورد توجه قرار گیرد، حجیت در روایات و احادیث حقوق و فقه و

شوراها ی اسلامی شهر و روستا و شهرداری ها برای افزایش رضایت مندی مردم تأکید کردند. این مرجع تقلید اصلاح مقررات دست و پاگیر و بوروکراسی اداری در شهرداری ها را از مهمترین خواست های مردم دانستند.

ایشان وجود بد اخلاقی اداری، امروز و فردا کردن کار مردم و قوانین دست و پاگیر را از مهمترین مشکلات مردم در مراجعه به شهرداری ها برشمردند و گفتند: مقررات هرچه سخت و دست و پاگیر باشد، رضایتمندی مردم از حکومت کاهش و قانون شکنی افزایش خواهد یافت.

سخنان آیت الله جوادی آملی

آیت الله جوادی آملی هم بر اهمیت استقلال علمی و معرفتی حوزه های علمیه به منظور حفظ نظام اسلامی تأکید کردند.

این استاد برجسته حوزه علمیه قم در نشست دوره ای استادان سطوح عالی خارج حوزه علمیه قم که در مدرسه علمیه آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) قم برگزار شد، نخستین رسالت حوزه های علمیه آزاد و مستقل را تربیت پژوهشگران، مراجع و رهبر برای جامعه اسلامی دانستند.

آیت الله جوادی آملی فراگیری همه علوم اسلامی و آراستگی آن را دو عنصر اساسی در حفظ آزادی و استقلال حوزه های علمیه عنوان کردند و افزودند: اگر این دو عنصر ارزشمند به خوبی محقق

آیت الله ناصر مکارم شیرازی از مراجع عظام تقلید گفتند: حوزه های علمیه باید استقلال خود را حفظ کنند و اگر حوزه و مراجع دولتی شوند، مشکل ایجاد خواهد شد.

به گزارش ایرنا، ایشان در دیدار با اعضای هیأت رئیسه مجمع طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم خاطرنشان کردند: حضرت امام راحل و مقام معظم رهبری پیوسته بر استقلال حوزه های علمیه تأکید داشتند و باید استقلال برای بدنه حوزه حفظ شود. ایشان ادامه دادند: ما باید حامی دولت اسلامی باشیم، ولی وابسته نباشیم و این استقلال باید برای همیشه حفظ شود.

آیت الله مکارم شیرازی با اشاره به این که مجمع طلاب باید روی مطالعه و درس خواندن طلاب و مسایل اخلاقی آنها نظارت داشته باشد، گفتند: روحانی باید از نظر علمی قوی باشد. اگر مجمع نمایندگان طلاب نظارت نداشته باشد، مشکل ایجاد خواهد شد.

این مرجع تقلید یادآور شدند: باید کسانی باشند که به افرادی که خوب درس نمی خوانند تذکر دهند؛ چرا که سهم امام در این راه مصرف می شود و متأسفانه عده ای خوب درس نمی خوانند.

ایشان گفتند: باید از نظر اخلاقی هم نظارت وجود داشته باشد. وضع امروز متفاوت از گذشته شده و اگر در سابق هم این نوع وسایل ارتباطی وجود داشت، چنین مشکلاتی ایجاد می شد. آیت الله العظمی مکارم شیرازی همچنین در دیدار با رئیس و اعضای شورای عالی استانها، بر اهتمام جدی



ناگفته نماند چون همسر ایشان باردار بود بلافاصله بعد از خبر ربوده شدن شان، مادر و عموی همسرشان به گویان می روند تا سرپرستی همسر و فرزندش را عهده دار شوند.

چه جوری موضوع شهادت ایشان کشف شد؟
۳۵ روز بعد از حادثه ربایش، پلیس اعلام می کند در ۴۶ کیلومتری پایتخت (شهر جرج تاون) در یک مکان دورافتاده، جنازه ای پیدا شده که عموی خانم شهید ابراهیمی می روند و جنازه را شناسایی می کند. دو گلوله به صورت و جمجمه ایشان زده بودند، آثار شکنجه روی بدن بوده و ناخن هایشان را کشیده بودند. عموی همسر ایشان از روی لباس و دندان، جنازه را شناسایی می کنند.

یعنی اول شکنجه کرده اند و بعد هم با گلوله زده اند؟

بله، گزارش پزشک قانونی گویان این بود که ۱۵ روز پیش شکنجه شده و گزارش پزشکی قانونی خودمان هم تأیید کرد من خودم هم جنازه را دیدم ۲۰ روز تحت شکنجه بوده و بعد به ضرب گلوله به شهادت رسیده است. جمجمه ایشان متلاشی شده بود.

نتیجه تحقیقات آن تیم اعزامی از ایران چه بود؟

گزارشی به وزارت خارجه و مراجع ذی ربط ارایه کردند ولی ما از محتوای آن اطلاع دقیقی نداریم.

اطلاعات خود شما چه می گوید؟

اطلاعات ما بیشتر از همسر شهید و از مجموعه مکاتبات باقی مانده از خود شهید است و این اطلاعات نشان می دهد که عوامل موساد ایشان را ربوده و به شهادت رسانده اند.

چرا؟ علانمی که شما دارید چیست؟

در اصل فعالیت همان طلبه آفریقایی الاصل و آن آقای عبدالقادر به تدریج مجموعه ای از اتهامات علیه ایشان درست می شود از جمله این که ایشان دلال اسلحه است، در حادثه ۱۱ سپتامبر دخالت داشته، عضو گروه القاعده است و در حادثه انفجار مقر یهودیان در بوینس آیرس آرژانتین دست داشته است و امثال این اتهامات علت اصلی ربایش ایشان هم همین نسبت هایی بود که به ایشان دادند. از طرفی آن آقای عبدالقادر که نقش مهمی در پرورده سازی علیه شهید ابراهیمی داشت همان طور که عرض کردم یک موسسه پلیس شخصی دارد و این نشان می دهد که سیستم امنیتی گویان هم دخالت داشته است، چون پیکر ایشان کیلومترها دورتر از شهر و در یک منطقه ای پیدا شد که به طور طبیعی باید ماه ها می گشتند تا پیدا کنند ولی پلیس به سرعت پیدا کرد و معلوم است که اطلاعات داشته اند، مضافاً این که «کالج» چسبیده به دفتر سازمان ملل است که یک منطقه کاملاً حفاظت شده است که هرکسی به راحتی نمی تواند وارد منطقه شود. این علائم نشان می دهد که سیستم امنیتی و اطلاعاتی گویان در این ماجرا دخیل بوده است. به علاوه مأموران امنیتی گویان به آن تیم اعزامی از ایران اجازه ندادند با مستخدم کالج- که به شهید ابراهیمی زنگ زده و ایشان ادامه در صفحه بعد

زاکیه بود و در آن گزارش آخر که راجع به تشرف افراد به مکتب حیات بخش شیعه است، ایشان می نویسند این افراد تحت تأثیر آموزه های عمیق و معارف بلند این ادعیه و مناجات ها به اهل بیت(ع) و شیعه گرایش پیدا کرده اند و اغلب نام «علی» را برای خودشان والقباب حضرت زهرا(س) را برای خودشان و القاب حضرت زهرا(س) را برای دختران شان انتخاب کرده اند. بعد می نویسند بحمدالله گرایش به شیعه خوب شده است و این صدقه ها جاریه ای برای همه ما خواهد بود و مکتب اهل بیت(ع) را از انزاد مظلومیت بیرون خواهد کرد.

خاطراتی هم برای شما نقل کرده بود که جالب باشد و شما بخواهید برای ما بگویید؟

آن چه داریم مکتوبات ایشان است به اضافه خاطراتی که همسرشان نقل کرده اند. یکی از خاطرات شنیدنی مربوط است به یک پزشک مسیحی اهل کلمبیا که از دوستان ایشان بوده که تحت تأثیر معارف اهل بیت(ع) و کراماتی که می بیند مسلمان می شود. گویا مشکلی برای اشتغال داشته که به شهید ابراهیمی می گوید. شهید ابراهیمی به او می گوید ما در مکتب مان چیزی به نام «توسل» داریم. بعد مطلب را توضیح می دهد و حدیث کسا را می خواند و معنا می کند. ظاهراً مشکل این پزشک مسیحی ظرف مدت کوتاهی حل می شود و علاوه بر خودش همسرش نیز استخدام می شود. بعد از این واقعه به همراه همسرش به نزد شهید می آیند و از ایشان می خواهند که طریقه تشریف به اسلام را به آنها بیاموزد. شهادتین را می گویند و مسلمان و شیعه می شوند و این آقا که اسمش «آنتونی وارگاس» بوده نام «علی» را انتخاب می کند، همسر شهید ابراهیمی هم یک پوشش اسلامی برای خانم این پزشک تهیه می کند و این زوج کلمبیایی جزو کسانی بودند که انس و الفت زیادی با شهید ابراهیمی داشتند.

ماجرای شهادت ایشان چگونه رخ داد؟

روز ۱۳ فروردین سال ۸۳ از کالج تماس می گیرند و می گویند سیستم آب رسانی کالج دچار نشستی شده و لازم است که ایشان خودشان رابه کالج برسند ناگفته بماند که همسر ایشان باردار بوده و بعد از ۷ سال که از ازدواج شان می گذشت خداوند بشارت فرزندی را به آنها داده بود. ایشان به خانمش می گوید من می روم کالج و زود برمی گردم. به فاصله کوتاهی از کالج با همسرش تماس می گیرد و می گوید بی جهت تماس گرفته بودند، هیچ مشکلی وجود ندارد و او همین الان به خانه برمی گردد، اما بر نمی گردد و چون تأخیر خیلی زیاد می شود خانمش نگران می شود و شروع می کند به گرفتن تماس با دوستان که معلوم می شود افراد مسلح ایشان را بیرون کالج ربوده اند. با خانواده ما در ایران تماس می گیرند که ما هم بلافاصله رایزنی با مسئولان را شروع کردیم.

یعنی هیچ کسی آنجا نبود که موضوع را بی گیری کند؟

شهید ابراهیمی و همسرش تنها ایرانی های مقیم گویان بودند. ما در گویان نه سفارتخانه و نه رایزنی فرهنگی و نه هیچ مرکز دیگری غیر از همین کالجی که ایشان دایر کرده است نداریم.

فوری ترین اقدامی که از طرف دولت در آن زمان انجام شد چه بود؟

با تأکید رهبر معظم انقلاب یک تیم امنیتی- سیاسی با اختیارات کامل عازم گویان شد. این تیم مرکب از پلیس بین الملل، وزارت اطلاعات، قوه قضائیه و وزارت خارجه بود که ۳۰ روز طول کشید تا توانستند وارد گویان بشوند و پس از مذاکره با مسئولان گویان به این نتیجه می رسند که ایشان به احتمال زیاد به شهادت رسیده است.

برای اداره امور شیعیان منطقه خود ایشان است و لذا خود شهید ابراهیمی مأمور می شود که با عزیمت به گویان سرو سامانی به وضع شیعیان بدهد.

قبل از اعزام شهید ابراهیمی در منطقه کسی از ما حضور نداشت؟

یک طلبه آفریقایی الاصل که مدتی در قم درس خوانده بود سال پیش از طرف سازمان مدارس در آنجا یک مرکزی تأسیس کرده بود که شهید ابراهیمی در آن گزارش می گوید این مرکز اهداف موردنظر سازمان را محقق نکرده است و لذا درصدد برمی آید که یک بازسازی اساسی در همه ابعاد به وجود بیاورد یعنی از ساختمان مرکز- که به یک مخروبه مبدل شده بود- گرفته تا برنامه های مرکز را تغییر دهد.

الآن عکس هایی داریم که خود ایشان به همراه کارگرانی که مشغول تعمیر ساختمان هستند دارد کار می کند. هم زمان با بازسازی ساختمان، مجوزهای لازم را برای تبدیل این مرکز به «کالج» از دولت گویان می گیرد و «کالج مطالعات عالی اسلامی» را در گویان ثبت می کند و درواقع آن مرکزی که آن طلبه آفریقایی تأسیس کرده بود منحل و به جایش کالج مطالعات عالی اسلامی توسط ایشان تأسیس و مدیریت می شود.

جمعیت مسلمین در گویان چقدر است؟

کل جمعیت زیر یک میلیون نفر است ولی تعداد مسلمانان در مجموعه کشورهای گویان، سورینام و ترینیداد و توباگو قابل توجه است و درحالی که مذاهب اهل تسنن حدود یکصد مسجد در گویان دارند، شیعیان حتی یک مسجد هم نداشتند و این هم که از ایران رفته بود عملاً اقدام مؤثری نکرده بود و گویا خودش هم از پیروان یکی از فرقه های ضاله به نام «احمدیه» است که بیشتر به دنبال ترویج آن فرقه بود.

یعنی از جمهوری اسلامی پول می گرفت و یک فرقه ضاله را ترویج می کرد؟

البته این آقا، بیشتر به جنبه های مادی و پولی که مرتب به حسابش حواله می شد نظر داشت و این کار به یک محلی برای کسب درآمد ایشان تبدیل شده بود آن جا هم با افراد متنفذ در دولت گویان ازجمله یکی از نمایندگان مقتدر پارلمان که دارای یک مؤسسه پلیس شخصی هم هست، ارتباطاتی داشت و ظاهراً پول هایی که از ایران می رفت را این دو نفر بین خودشان تقسیم می کردند و عملاً کار مفیدی هم انجام نمی دادند.

شهید ابراهیمی این وضع را تغییر داد؟

بله؛ ایشان روابط عمومی خیلی قوی ای داشت، ضمن این که در ترویج معارف حقه اهل بیت(ع) همه جوانب احتیاط را رعایت می کرد. فوق العاده انسان زیرک و باهوشی بود و مراقب بود مسائل اختلافی بین فرق اسلامی را که می تواند موجب کدورت و دوری مسلمان ها از یکدیگر بشود را مطرح نکند. حتی با غیر مسلمانان ازجمله مسیحیان هم مرتبط بود و به مراکزشان می رفت و آنها را به کالج اسلامی دعوت می کرد و با آنها مباحثات کلامی و اعتقادی داشت و همین مراودات و ایجاد ارتباطات عاطفی موجب گرایش تعدادی از غیرمسلمان ها به اسلام و شیعه شد.

چند نفر در دوره فعالیت ایشان در گویان مسلمان شدند؟

آمار دقیق ندارم. ولی در یکی از گزارش های دوره ای که ایشان برای سازمان فرستاده است، حدود ۱۰ نفر را نام برد، که یا کلاً غیرمسلمان بودند و مسلمان شیعه شده اند یا از دیگر مذاهب اسلامی بودند و به تشیع گرویده اند. از ویژگی ها و امتیازات شهید ابراهیمی انس با ادعیه مأثوره، دعای کمیل زیارت جامعه، ادعیه صحیفه سجادیه، دعای مکارم الاخلاق، دعای کمیل، حدیث کسا، و امثال این ادعیه

سال ۱۳۴۶ در جوار حرم حسین بن علی(ع) کودکی پا بر خاک نهاد و اولین تصویری که در چشمان زیبایش نقش بست، گنبد طلائی سید الشهداء بود. پدر نامش را محمدحسن گذارد و تحت تربیت اسلامی خود او را پرورش داد. پدرش: شیخ حسین: از اهالی دشتی: استان بوشهر: به شمار می رفت که به قصد مجاور شدن به کربلا مهاجرت کرده بود. محمد حسن بعد از طی دوران کودکی به مدرسه رفت و در زمان تحصیل در دبیرستان ذکر مصیبت اهل بیت (ع) را بر روی منبر آغاز کرد. با پایان دوره سطح در محضر آیات عظام تبریزی، علوی گرگانی و وحید خراسانی و اخذ مدرک دیپلم کلاسیک به مدت ۵ سال درس خارج فقه را گذراند و توسط حضرت آیه الله خامنه ای معمم گشت و بعد از مدتی توانست مدرک کارشناسی خود را در حقوق بین الملل دریافت نماید. ابراهیمی به زبانهای انگلیسی و اسپانیولی و عربی تسلط کامل داشت و با زبانهای فرانسوی، آلمانی، و در حد رفع نیاز آشنا بود. به طوریکه در مدرسه حجتیه، مجتمع شهید بهشتی و مدارس حوزه علمیه نحوه مکالمه عربی و انگلیسی را به طلاب آموزش می داد. او در سال ۱۳۶۹ جهت تبلیغ دین اسلام به بوشهر مهاجرت کرد و از سال ۱۳۷۵ به همکاری با سازمان مدارس خارج از کشور پرداخت. آنگاه برای مدتی مسئولیت امور حقوقی مرکز جهانی اهل بیت (ع) را پذیرفت. حضور او در کشورهای حوزه کارائیب (سورینام، ترینیداد و توباگو و گویان) و کشورهای عربی باعث شد، جمع کثیری از مردم به حقیقت ولایت امیرمؤمنان آگاه شوند. در سال ۱۳۸۱ ابراهیمی برای مدت دو سال به کشور گویان در آمریکای جنوبی رفت و با وجود مشکلات و شرایط خاص این کشور فعالانه با سمت مدیریت کالج مطالعات اسلامی به خدمت پرداخت. حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد حسن ابراهیمی امام جمعه جرج تاون: پایتخت گویان: در روز چهاردهم فروردین ماه سال ۱۳۸۳ در سن ۳۷ سالگی از مقابل کالج محل تدریس خود ربوده شد و ۳۴ روز بعد ۱۷: اردیبهشت ماه: پیکر خون آلودش را با دستانی بسته در حالی که مشخص بود شکنجه های بسیاری را متحمل شده در ۴۶ کیلومتری جرج تاون در یک گودال یافتند. پیکر پاک او را در شهر قم به خاک سپردند. از او یک فرزند به نام فاطمه به یادگار مانده است. فکه و شلمچه و طلائی تنها راه رسیدن به شهادت نیست. به قول حضرت آقا دل را باید صاف کرد. اگر دل صاف شد، شهادت هزاران کیلومتر آنسو تر، در آمریکای جنوبی انتظار انسان لایق را می کشد. آنچه می خوانید گفت و گوی کیهان با روح الله ابراهیمی - برادر شهید- پیرامون شخصیت و زندگی این بزرگوار است.

بفرمایید مأموریت شهید محمدحسن ابراهیمی در کشور «گویان» از طرف کدام سازمان و به چه منظوری بود؟

شهید ابراهیمی سال ۱۳۸۱ از طرف سازمان مدارس و حوزه های علمیه خارج از کشور مأمور شد اطلاعاتی از وضعیت مسلمانان کشورهای حوزه کارائیب (گویان فرانسه، گویان انگلیس و سورینام) تهیه کند و به این منظور در یک سفر ۳ ماهه به منطقه گزارشی تهیه و تقدیم سازمان کرد که بسیار مفصل و طولانی است و اجمالاً در این گزارش تأکید می کند که مسلمانان این منطقه به علت نداشتن مسجد از آموزه های اسلام خیلی دور هستند و سازماندهی شیعیان فقط با تأسیس مسجد و تبلیغ معارف اهل بیت(ع) امکان پذیر است. مسئولان سازمان مدارس و حوزه های علمیه خارج از کشور بعد از دیدن این گزارش به این نتیجه می رسند که مناسب ترین فرد

سخنرانی آیت الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد به مناسبت روز معلم



خوش باد روزگار به حال معلمی
کز یاد وی خوشست همه روزگار ما
آموخت درس معرفت و مردمی به ما
از مادرود باد بر آموزگار ما

با سلام و درود به ارواح طیبه معلمان بزرگ الهی و پیروان راه آنان آموزگاران تلاشگر، به‌ویژه اساتید ذوی الحقوق این گوینده، علی الخصوص استاد شهید مرتضی مطهری و طلب مغفرت و رضوان واسعه حق متعال برای عزیزانی که برحمت ایزدی پیوسته و یادشان همواره گرامی است.

شاید کمتر کسی در مجلس ماست که با آثار وی دوران آشنا نباشد. مهمترین اثر او تاریخ تمدن، مجموعه کتابی ۱۱جلدی است که با همکاری آریل دوران، همسرش نوشته است. وی در این کتاب توانسته‌است با استفاده از آثار مورخان دیگر - از هرودوت تا آرنولد توین بی - که از ابتدای تاریخ

مکتوب بشر تاکنون زیسته‌اند، مکتب نوینی از تاریخ‌نگاری را به وجود آورد.

جلد هفتم این اثر عنوانش آغاز عصر خرد است. وی که برای تألیف این اثر به اتفاق همسرش سفرهای بسیار کرده و جوامع مختلفی را مطالعه نموده و کتابهای زیادی خوانده است، پس از مطالعات زیاد در اواخر عمرش سنوهای جالبی از خویش می‌کند؛ می‌گوید: هنگامی که مورخ به پایان مطالعاتش می‌رسد، از خود چنین می‌پرسد: آیا در این کار فقط دلخوش بودی که از رشد و انحطاط ملل سخن بگویی و قصه‌های غم انگیز مرگ پادشاهان را بازگو کنی ؟...آیا از تاریخ چیزی به دست آورده‌ای که بتواند روشنگر وضع فعلی ما، رهنمون داوریه و بازدارنده ما از حیرت و عقب‌نشینی در برابر امور ناگهانی و فراز و نشیب‌های هر تحول باشد؟

در ادامه باز از خود می‌پرسد: آیا در سلسله وقایع گذشته ترتیب و قاعده‌ای یافته‌ای که بتواند مبنای پیشگویی اعمال آینده یا سرنوشت کشورها باشد؟ وی هرچند برای این سئوالات پاسخهایی می‌دهد، ولی در یک سئوال وامانده است. وی که همه جا که رفته و در هر جامعه و ملتی که سری کشیده، دو چیز را همواره همزاد، همراه و قرین یکدیگر دیده است و برای این سئوال پاسخ ندارد که: کدام علت دیگری است؟ آن دو همزاد، یکی جهل است و دیگری فقر. هرچاق فقر بوده، جهل بوده و هرچا جهل بوده، فقر بوده است. سئوال این است که: کدام علت است و کدام معلول؟ این سئوال همچنان باقی است.

البته این سئوال بسیار مهمی است و آنچه مسلم

با پول‌هایی که از ایران برایش رفته بود به نام خودش زمین و ملک خریده بود و البته شهید ابراهیمی با تلاش بسیار بخشی از این اموال را برگردانده بود و با این که مأموریتش تمام شده بود اصرار داشت بقیه اموال را هم برگرداند و تحویل نفر اعزامی بعدی قرار بدهد که این اتفاق افتاد.

معنی‌اش این است که تروریست‌ها با اطلاع از اتمام مأموریت و بازگشت قریب الوقوع شهید، اقدام به ربودن و به شهادت رساندن ایشان کرده‌اند؟ ما اطلاعاتی کسب کردیم که چند روز قبل از ربوده شدن شهید ابراهیمی، تیمی از آمریکا وارد گویان شده‌اند. این تیم اطلاعاتی به این مضمون داشته‌اند که گروهی از مسلمانان گویان به رهبری یک سفیدپوست دارند اسلام را در گویان گسترش می‌دهند که این امر منافع دولت آمریکا را به خطر انداخته است. آن فرد سفیدپوست همین شهید ابراهیمی بود به علاوه آن اتهاماتی که عرض کردم یعنی عضویت در گروه القاعده، دلالتی اسلحه، دخالت در واقعه ۱۱ سپتامبر و انفجار مقر یهودیان در بوینوس آیرس. این‌ها مجموعه عواملی است که می‌تواند موجب تحت فشار قرار گرفتن دولت گویان برای رقم زدن این حادثه باشد.

بالاخره مسئولان وزارت خارجه و سازمان مدارس چه اقدامی برای پی‌گیری مسئله کردند؟ آن اوایل می‌گفتند دنبال این هستیم که وکیل بگیریم تا موضوع را از داخل کشور گویان پی‌گیری قضایی کند. کم کم معلوم شد وزارت خارجه و سازمان مدارس بر سر این که هزینه وکیل را کدام سازمان باید بدهد باهم اختلاف دارند!! این مطلب را به هم منتقل کردند که خیلی توهین‌آمیز بود. اصلاً شما به شأن والا و شخصیت بزرگ شهید ابراهیمی کاری نداشته باشید؛ تصور کنید یک شهروند ایرانی درحال انجام مأموریت در خارج از کشور با آن وضع فجیع ربوده شده و به شهادت رسیده است آن وقت وزارت خارجه با آن سازمان عریض و طویلی که برای دفاع از حقوق

است، ارتباط میان این دو لکه چرکین و دو زخم سیاه بر چهره جامعه بشری است؛ ولی به آسانی نمی‌توان رابطه دقیق فلسفی و تقدم و تاخر رتبی آن دو را مشخص نمود.

در کشور ما هم تقارن سعدینی رخ داده است. تقارب روز کارگر با روز معلم. البته ظاهراً تصادفی است، ولی تقارن میمون و مبارکی است؛ بنابراین، این سئوال را می‌توان این گونه مطرح کنیم که: آیا اگر معلم خوب داشتیم و حق و حرمت آنان را نگه می‌داشتیم، کارگر بیکار و فقیر نداشتیم یا اگر کارگر خوب، متعهد، پرتلاش و فداکار داشتیم معلم خوب خواهیم داشت؟ سئوال مهم است و علی‌القاعده جامعه‌شناسان و متخصصان امور اقتصادی و یا تعلیم و تربیت بایست پاسخ دهند؛ اما من به عنوان یک طلبه آشنا با علوم دینی و اسلامی می‌خواهم در فرصت کوتاه این سئوال را به کتاب و سنت عرضه کنم تا ببینیم قرآن و سنت چه پاسخ می‌دهند.

اما نسبت به قرآن به اجمال می‌گویم که قرآن مجید اصولاً کلیه مفاهیم دینی را بر اساس معرفت و آگاهی ارزیابی می‌کند. از نظر قرآن نه عبادت بدون معرفت ارزش دارد و نه دینداری و تقوا بدون آگاهی معنا و مفهومی. مفاهیمی از قبیل تقوا و ترس از خدا بدون آنکه معرفتی وجود داشته باشد، جهلی است خسارت‌بار. ابن‌سینا در بخش نهم کتاب شرح الاشارات والتنبیها (ج ۳، ص ۳۸۳-۳۸۰) وقتی می‌خواهد منازل عارفان را بشمارد، در منزل دوم که ریاضت و تمرین است، می‌گوید آنچه می‌تواند در منزل دوم به سالک کمک کند، عبارت است از: العبادۀ

ایرانیان خارج از کشور دارد، لنگ هزینه وکیل است!

سازمان مدارس خارج از کشور چه می‌گفت؟

آنها هم به ما رساندند که پی‌گیر مسئله نباشیم و موضوع را تمام شده تلقی کنیم.

اصل این گفت‌وگو به بهانه حضور رئیس جمهور گویان در کشورمان انجام می‌شود. ایشان دو هفته پیش به دعوت رئیس جمهور کشورمان به ایران آمدند ظاهراً شما در رابطه با این سفر صحبتی داشتید؟

شهید ابراهیمی برای افتتاح کالج مطالعات اسلامی در گویان از رئیس جمهور کشور- که در آن زمان هم همین آقای.... بود- دعوت کرد و کالج به دست رئیس جمهور افتتاح شد. توقع از ایشان این بود که جدی تر مسئله ترور شهید ابراهیمی را پی‌گیری می‌کردند وقتی قضیه شهادت شهید ابراهیمی پیش آمد آقای سبحانی که سفیر وقت ما در ونزوئلا بود می‌گفت این مسئله برای دولت گویان گران تمام شد چون ما در روابط مان با دولت گویان تجدید نظر کردیم. خب حالا ما به خاطر منافع ملی امان به این نتیجه رسیدیم که باید روابط را با این کشور توسعه بدیم و از رئیس جمهورشان دعوت می‌کنیم به ایران بیاید، آیا وقتی قرار می‌شود مناسبات دو کشور گسترش پیدا کند، نباید حداقل از این‌ها سؤال کنیم شما با مسببین ترور شهروند ما چه برخوردی کردید؟ فرض کنیم اصلاً دولت گویان هیچ تقصیری در اصل ماجرا نداشت، آیا نباید مسئولیت این اقدام را که در حوزه حکومت شان رخ داده بپذیرند و با عوامل مسئله برخورد قضایی بکنند؟

قاعدتا گسترش مناسبات فرهنگی یکی از وجوه توسعه روابط ما با این کشور می‌خواهد باشد، واقعا چه تضمینی هست که دوباره برای شهروندان و مأموران ما چنین حوادثی تکرار نشود؟

برای ما که موضوع تمام شد و این شهید عزیز به

المشغوعه بالفکر؛ یعنی عبادت همراه با تفکر. خواجه طوسی در شرح این عبارت می‌گوید: اینکه ابن‌سینا عبادت مفید را عبادتی دانست که همراه با فکر باشد، بدان جهت است که عبادت بدن را تابع نفس قرار می‌دهد. حال اگر عبادت مبتنی بر معرفت باشد، انسان بکلیته متوجه و مقبل به حق و حقیقت می‌شود، و گر نه عبادت سبب شقاوت می‌گردد، همان‌طور که خداوند متعال در قرآن فرموده است: فویل للمصلین الذینهم عن صلوتهم ساهون.

به تفسیر خواجه، مراد از سَهِو در این آیه، عبادت بدون تفکر است؛ عبادتی که موجب ترک فحشا و منکر و کردارهای زشت می‌گردد و باعث گسترده شدن اخلاق و سلامت جامعه می‌شود عبادت آگاهانه است. و عبادت بدون تفکر - به قول قرآن مجید همراه با غفلت - محصولی جز ریا و تظاهر و دروغ نخواهد داشت. الذین هم یراثون و یمنعون الماعون. (شرح اشارات، همان)

حضرت مولا علی(ع) در مورد عبادت بدون معرفت فرموده است: اَلْمَتَّبِعُ عَلٰی غَیْرِ فَهْهُ كَحِمَارِ الطَّاحُونَةِ، یدور و لا یرح، و رکعتان من عالم خیر من سبعین رکعه من جاهل، و قلیل العمل مع کثیر العلم، خیر من کثیر العمل مع قلیل العلم؛ عابد بدون درک و معرفت همچون حمار آسیاب است که می‌گردد و به جایی نمی‌رسد. دو رکعت عبادت آگاهانه از هزار رکعت بدون آگاهی با ارزش‌تر است. عمل اندک همراه با آگاهی فراوان از عمل فراوان با آگاهی اندک به مراتب بهتر است. (الاختصاص، ۳۳۸)

ادامه در صفحه بعد

جوار حق تعالی پرکشید و چیزی هم جای خالی او را پر نمی‌کند ولی امثال شهید ابراهیمی در گوشه گوشه این کره خاکی فراوان‌اند که مشغول تبلیغ هستند و کسی هم آنها را نمی‌شناسد و ما باید برای حفظ جان و امنیت آنها حساس باشیم.

به طور مشخص مطالبه شما از رئیس جمهور گویان چه بود که می‌خواستید مقامات ما با ایشان مطرح کنند؟

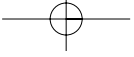
اولاً این که دستگاه قضایی گویان با عوامل این قضیه برخورد جدی بکند چون از نظر ما مطلب برای مقامات قضایی این کشور پنهان نیست و ثانیاً دادن تضمین‌های کافی برای امثال شهید ابراهیمی‌ها که قرار است بعد از این در آنجا حضور داشته باشند. پرورش شخصیت‌هایی مثل شهید ابراهیمی سال‌ها طول می‌کشد و ما نباید اجازه بدهیم به این سادگی از دست بروند.

اگر مطلب دیگری دارید بفرمائید؟

من لازم می‌دانم از رهبر معظم انقلاب به خاطر لطفی که به خانواده ما داشتند تشکر کنم. ایشان بلافاصله بعد از شهادت شهید ابراهیمی پیامی صادر فرمودند و من اینجا متن پیام را می‌خوانم چون این متن به قدر کافی گویاست و جایگاه رفیع شهید ابراهیمی را نشان می‌دهد:

بسم الله الرحمن الرحيم
با تأسف و تأثر از حادثه درگذشت دلخراش مجاهد جبهه تعلیم و تبلیغ حجت الاسلام آقای محمدحسن ابراهیمی اطلاع یافتم. جنایت کارانی که دست خود را به خون این جوان با ایمان و فداکار آلودند وابسته به هر گروه و سازمان جاسوسی که باشند با این جنایت خود ثابت کردند که اهریمنانی سنگدل و ضددانش و روشنگری و ایمان‌اند. این مصیبت را به والدین و همسر و داغدیدگان آن عزیز تسلیت می‌گویم و مقام و پاداش شهیدان را به روح او تهنیت عرض می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمة الله سیدعلی خامنه‌ای



۴– نیمه دوم اردیبهشت ماه – شماره ۳

ادامه از صفحه قبل

قرآن مجید می‌فرماید: **اِنَّمَا یَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ**
اِنَّ اللّٰهَ عَزِیزٌ غَفُوْرٌ: از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می‌ترسند. آری، خدا ارجمند آمرزنده است. (فاطر، ۲۸)

آگاهی، معرفت، تفکر و تعقل موجب خضوع وخشیت در مقابل پروردگار و تقوای الهی است وبه موجب نص قرآن مجید تقوای اجتماعی موجب زوال فقر است: **وَمَنْ یَّتَّقِ اللّٰهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا** ویرزقه من حیث لا یَحْتَسِبُ و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیء قدراً؛ و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد. و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند، و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام‌رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده‌است. (طلاق، ۲ و ۳)

و نیز در آیه دیگر می‌فرماید: **وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الثُّرَى اٰمَنُوْا وَ اٰتَقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ بَرَکٰتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ وَ لٰكِنْ كَذَّبُوْا فَاصْبِرْناهُمْ**
بِمَا کَانُوْا یَکْسِبُوْنَ ؛ اگر مردم شهرهایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً بر کاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردشان [گریان] آنان را گرفتیم. (اعراف، ۹۶)
پس نظر قرآن مجید این است که ام‌الفساد جهل است، جهل مایه فقر و فلاکت است. و اما از نظر سنت. حدیثی منقول از رسول الله صلی الله علیه و آله است که علی الظاهر در روزهای واپسین عمر شریفشان فرموده‌اند:
اَنّٰی ما اخاف علی امتی الفقر، ولكن اخاف علیهم سوء التدبیر: من برای اتمن نسبت به فقر نگران نیستم، آنچه نگرانم ودغدغه من است، سوء تدبیر است.
تفسیر این حدیث چیست؟ بی‌گمان آن حضرت از بی‌اهمیتی وعدم نگرانی فقر برای امت سخن نمی‌گوید؛ چرا که خودشان فرموده‌اند:
اَلْفقر سواد الوجه فی الدارین^(۱) (بحارالانوار، ۷۲، ۳۰)
کاد الفقر ان یكون کفراً^(۲) این سخن بلند امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که خطاب به محمد بن حنفیه فرمود:
یا بُنّٰی، انّی اخاف علیک الفقر فاستعذ بالله منه؛ فان الفقر منقصه للددین، مدهشه للعقل، داعیه للمقت:
ای پسر من، من بر تو از تنگدستی می‌ترسم، پس از شر آن به خدا پناه ببر که تنگدستی موجب شکست و کمبودی در دین است و موجب سرگردانی خرد است و سبب دشمنی است. (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۱۱). بنابراین بی‌تردید حضرت ختمی مرتبت برای امت زندگی بهینه برای امتش می‌خواهد نه زندگی فقیرانه و ذلت بار. پس منظور چیست؟ منظور این است که فقر معلول است نه علت. فقر معلول سوء تدبیر است.

سوء تدبیر

حال ببینیم منظور از سوء تدبیر در کلام رسول‌الله(ص) چیست؟ تدبیر به نظر من معنایش همان است که امروزه آینده‌نگری^(۳) می‌گویند.آینده‌نگری بخشی از مدیریت علمی است.آن بزرگوار می‌خواهد بفرماید چنانچه جهل را برطرف سازید و برای جامعه خویش مدیریت علمی بنا کنید، هیچ‌گاه فقیر نخواهید شد.پس نتیجه می‌گیریم که پاسخ کتاب وسنت به سئوالی که مطرح کردم، علی الظاهر روشن است. پاسخ این است که در جامعه‌ای جهل ریشه‌کن شود، هرگز فقر جائی ندارد. در مدیریت غیر علمی مصداق بارز این آیه شریفه است: **وَ لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ اموالکم الّٰتی جعل الله لکم قیاما: اموال خود را - که خداوند آن را وسیله قوام زندگی شما قرار داده - به سفیهان مدهید.**(نساء،۵) مستنتج از گزاره انشایی فوق این است که اگر اموالتان را به دست سفیهان بسپرید ، قوام و استواری اجتماعی شما فرو می‌ریزد؛یعنی فقر ، یعنی فلاکت ، یعنی بیکاری ، یعنی بیماری ، یعنی ناامنی ؛یعنی اعتیاد ، یعنی فحشاء و...

در مدیریت علمی عالمان محترمند و حرمت آنان بر اساس حرمت و کرامت علم است . ملتی که برای

عالمان و علم‌آموزانش ارزش قائل باشد وحرمت آنان را بدارد و شیوه مدیریت خویش را بر اساس شایسته سالاری قرار بدهد، چنین ملتی هیچ‌گاه محتاج نمی‌شود، خانه‌اش آباد و چهره افرادش شاد و سرفراز است و همای سعادت برسرش سایه می‌افکند؛ اما چنانچه در ریشه‌کن کردن جهل سعی نکند و خدای ناکرده ترویج جهل و تاریکی نماید، خانه‌اش ویرانه می‌شود و جغد سیاه وشوم فقر و نیاز در آن لانه می‌کند. حافظ چه زیبا گفته‌است:

همای گو مفکن سایهٔ شرف هرگز

در آن دیار که طوطی کم از زغن باشد!

این جمله منتسب است به حضرت مولی(ع) که فرموده‌است:
زوال الدوله باثین: ادبار الافاضل و اقبال الاراذل: دو چیز باعث زوال دولت‌ها و قدرتها می‌شود: منزوی ساختن شایستگان ومسلط ساختن سفلگان و اراذل.^(۴)

به این سند توجه فرمایید: سال ۱۲۶۴ قمری، نخستین برنامه دولت ایران برای واکسن زدن به فرمان امیرکبیر آغاز شد. در آن برنامه، کودکان و نوجوانان ایرانی را آبله‌کوبی می‌کردند؛ اما چند روز پس از آغاز آبله‌کوبی به امیرکبیر خبر دادند که مردم از روی ناآگاهی نمی‌خواهند واکسن بزنند. به‌ویژه که چندتن از فالگیرها و دعانویس‌ها در شهر شایعه کرده بودند که واکسن زدن باعث راه یافتن جن به خون انسان می‌شود!

هنگامی که خبر رسید پنج نفر به علت ابتلا به بیماری آبله جان‌باخته‌اند، امیر بی‌درنگ فرمان داد هر کسی که حاضر نشود آبله بکوبد، باید پنج تومان به صندوق دولت جریمه بپردازد. او تصور می‌کرد که با این فرمان همه مردم آبله می‌کوبند؛ اما نفوذ سخن دعانویس‌ها و نادانی مردم بیش از آن بود که فرمان امیر را بپذیرند! شماری که پول کافی داشتند، پنج تومان را پرداختند و از آبله‌کوبی سر باز زدند. شماری دیگر هنگام مراجعه‌اموران در آب انبارها پنهان می‌شدند یا از شهر بیرون می‌رفتند.

روز بیست و هشتم ماه ربیع الاول به امیر اطلاع دادند که در همه شهر تهران و روستاهای پیرامون آن فقط سیصد و سی نفر آبله کوبیده‌اند. در همان روز، پاره‌دوزی را که فرزندش از بیماری آبله مرده بود، به نزد او آوردند. امیر به جسد کودک نگریست و آنگاه گفت:
ما که برای نجات بچه‌هایتان آبله کوب فرستادیم. پیرمرد باانده فراوان گفت:
حضرت امیر، به من گفته بودند که اگر بچه را آبله بکوبیم، جن زده می‌شود.
امیر فریاد کشید:
وای از جهل و نادانی! حال، گذشته از اینکه فرزندت را از دست داده‌ای، باید پنج تومان هم جریمه بدهی.
پیرمرد با التماس گفت:
باور کنید که هیچ ندارم.
امیرکبیر دست در جیب خود کرد و پنج تومان به او داد و سپس گفت:
حکم برنمی‌گردد، این پنج تومان را به صندوق دولت بپرداز.

چند دقیقه دیگر، بقالی را آوردند که فرزند او نیز از آبله مرده بود. این بار امیرکبیر دیگر نتوانست تحمل کند. روی صندلی نشست و با حالی زار شروع به گریستن کرد. در آن هنگام میرزاآقاخان وارد شد. او در کمتر زمانی امیرکبیر را درحال گریستن دیده بود، علت را پرسید و ملازمان امیر گفتند که:
دو کودک شیرخوار پاره‌دوز و بقالی از بیماری آبله مرده‌اند.
میرزاآقاخان با شگفتی گفت:
عجب! من تصور می‌کردم که میرزا احمدخان - پسر امیر- مرده است که او این چنین های‌های می‌گرید.
سپس به امیر نزدیک شد و گفت:
گریستن، آن هم به این گونه، برای دو بچه شیرخوار بقال و چقال در شأن شما نیست!

امیر سر برداشت و با خشم به او نگریست:
آن چنان که میرزا آقاخان از ترس بر خود لرزید. امیر اشک‌هایش را پاک کرد و گفت:
خاموش باش.
تا زمانی که ما سرپرستی این ملت را بر عهده داریم، مسئول مرگشان ما هستیم.
میرزا آقاخان آهسته گفت:
ولی اینان خود بر اثر جهل آبله نکوبیده‌اند.
امیر با صدای رسا گفت:
و مسئول جهلشان نیز ما هستیم.
اگر ما در هر روستا و کوچه و خیابانی مدرسه بسازیم و

نظرها و اندیشه‌ها

کتابخانه ایجاد کنیم، دعانویس‌ها بساطشان را جمع می‌کنند. تمام ایرانی‌ها اولاد حقیقی من هستند و من از این می‌گیرم که چرا این مردم باید اینقدر جاهل باشند که بر اثر نکویدن آبله بمیرند؟! اما به نظر می‌رسد که امیرکبیر از این نکته غافل بود که درخت حنظل و شجرهٔ خبیثهٔ جهل ریشه‌دار است وچنان کهن است که به آسانی نمی‌توان آن را از جای کند؛ لذا هرچند وی متوجه نیاز فوری کشور به مراکز آموزش علمی گردید و تلاش خود را برای ایجاد این گونه مرکز آغاز نمود، ولی متاسفانه خود هیچ‌گاه شاهد افتتاح آن نشد؛ چراکه نخستین دسته از اساتید مدعوش دو روز پس از دستگیری و تبعید امیر به تهران رسیدند و طبیعتاً با استقبال گرمی مواجه نشدند. دارالفنون در روز پنجم ربیع الاول۱۲۶۸هجری قمری، سیزده‌روزپس از کشته شدن امیرکبیر شروع به کار کرد.

جهل و عقل

البته باید توجه داشت که جهل مقابل علم نیست، جهل معنای وسیعتری دارد و مقابل عقل وتفکر است نه فقط بیسودی. ایزوتسو دانشمند ژاپنی در کتابی که در مورد لغات قرآن تألیف کرده است، می‌گوید کلمه جاهلیت که در قرآن به مقطع پیش از اسلام اطلاق شده، به معنای دوران بیسودی نیست، به معنای دورانی است که تعقل بر زندگی مردم حاکم نبود. این نکته بسیار قابل توجه است که در نظام کتب احادیث شیعی از جمله کافی مرحوم کلینی رازی، اولین فصل عنوانش **کتاب العقل والجهل** است. این همان واقعیت است که گفته شد.

ممکن است یک جامعه در علم به معنای علوم تجربی هم پیشرفت کند، ولی خالی از معرفت و تفکر باشد. آنچه موجب رشد انسانی می‌گردد، تفکر وتعقل است ونه صرفاً علم به معنای تکنولوژی و صنعت. شاهد این مدعا اتفاقی است که در شرق روی داد. آنان هفتادسال در علم و تکنولوژی نسبتاًپیشرفت کردند، به صنایع مهمی دست یافتند، ولی در چنان فقری گرفتار بودند که پس از فروپاشی مکتشوف شد که در چه جهنمی زندگی می‌کردند. علت آن بود که آنان هرچند در علم وصنعت پیشرفت کردند، ولی گرفتارچنان ایدئولوژی بودند که جهل مطلق است. آنان نمی‌دانستند که نخست تعقل و سپس تکنولوژی.

جهل در زندگی دنیوی نقش معذرت‌دارد؛ یعنی چنانچه شخصی از روی جهل و نادانی مرتکب جرمی شود، او از مجازات مغفوست؛ ولی در آخرت که آن‌سوی این جهان است، جهل خود عین عذاب است، آتشی سوزنده‌تر از جهل نیست. آنان که می‌پندارند که بهشت جای ابلهان و نادانان است، سخت در اشتباهند؛ زیرا جاهلان در قیامت خود جهنم‌اند! به این آیه شریفه توجه فرمائید:
قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِی أَصْحَابِ السَّعِیرِ (ملک، ۱۰)
جمله فوق از قول اهل جهنم است که در پاسخ بهشتیان می‌گویند. وقتی از آنان سؤال می‌کنند که: چرا شما جهنمی شدید؟ می‌گویند: چون تعقل نکردیم. اگر تعقل می‌کردیم و یا به سخن راهنمایان فکر و هادیان الهی توجه می‌کردیم، جهنمی نمی‌شدیم.

استادان بزرگوار! شما مفتخر به شغل و حرفه‌ای هستید که جلودار آن انبیا هستند. آنچه مایهٔ شور ونشاط شماست، ارزش واقعی دانش وآگاهی است. جایگاه معلم جایگاهی واقعی است، با ابلاغ دادن وگرفتن نیست. آن قدرت است که دادنی وگرفتنی است نه دانش وآگاهی. اهل قدرت باید همواره نگران وآویزان به ابلاغ باشند. به قول شاعر :

کس را به مال نیست بر اهل کمال فخر

علم است آنکه مفخر اولاد آدم است

جاهل اگر چه گشت مقدم، مؤخر است

عالم اگر چه گشت مؤخر، مقدم است

به قول استاد شهید مرتضی مطهری: گفته‌اند معلم شمع است، اما شمع کلمه‌ای ناچیز است؛ زیرا شمع را می‌سازند که بسوزد، ولی معلم می‌سوزد که بسازد و بین ساختن برای سوختن و سوختن برای ساختن

پانویس

تفاوتی است از فرش تا عرش.مایلم که در خاتمه سخن به مناسبت ایام که ماه جمادی است، برای ارزش وتقّدرس معلم وتعلیم حدیثی ازصدیقه طاهره(س) بخوانم. این حدیث را فیض کاشانی در کتاب **مهیضة البیضاء** (جلد اول، صفحه ۳۳) نقل می‌کند که:
زنی نزد فاطمه(ع) شرفیاب شد، عرض کرد:
مادری دارم که ضعیف و ناتوان است، و برای نمازش شما برای مسائللی مواجه است که مرا به خدمت شما برای سؤال فرستاده است.
سؤال اول را مطرح کرد، بلافاصله حضرت پاسخ فرمودند. سؤال دوم را مطرح کرد، حضرت پاسخ فرمودند. سپس سؤال سوم را مطرح کرد، پاسخ دادند تا آنکه به سؤال دهم رسید. وقتی پاسخ فرمودند، آن زن از کثرت سؤال خجالت کشید و گفت:
ای دخت رسول الله، من دیگر شما را زحمت نمی‌دهم.
حضرت فاطمه(س) فرمود:
هاتی سلی عما بدا لک.
ارایت من اکثری یوما یصعدالی سطح بحمل ثقیل و کراه ماۀ الف دیناراً یُنقَلُ علیه ذلک:
ادامه بده، سؤال کن.
آیا چنانچه کسی اجیر شود که بار سنگینی را بالای پشت بام ببرد واجرتش صد هزار درهم باشد، چنین باری برای او سنگینی می‌کند؟
آن زن گفت:
خیر!
فرمود:
آکریت انا لکل مسألهٔ باکتر من ملا ما بین الثری الی العرش لولوا فاحری الا یُنقل علی: [گوئی] من اجیر شده‌ام برای هر مساله‌ای به بیش از ظرفی پر از لؤلؤ. ظرفی به ظرفیت از فرش تا عرش. پس من سزاوارترم که خسته نشوم.
آنگاه دراین زمینه حدیثی از پدر بزرگوارش نقل می‌کند که مفصل است.در احادیث دیگری از پیشوایان دین، معلم مصداق زنده کنندگی و حیات بخشی دانسته شده‌است که زنده کردن هر یک نفر همانند زندگی بخشیدن به همه انسانهاست. قرآن می‌فرماید:
مَنْ اٰجَلَ ذٰلِكَ کَتَبْنَا عَلٰی بَنیِۤ اِسْرَآئِیْلَ اَنِهِۦ قَتَلَ نَفْسًا بِغَیْرِ نَفْسٍ اَوْ فِسادٍ فِی الْاَرْضِ فَکَناَمُ قَتْلِ النَّاسِ جَمِیْعًا و من احیاهَا فَکَناَمُ احِیَالنَّاسِ جَمِیْعًا...
(مائده، ۳۲)
بنا به تفسیری که امام صادق(ع) از این آیه شریفه کرده‌اند، اگر کسی بتواند یک نفر را بسازد و یک باسواد متعهد تحویل جامعه بدهد، مثل این است که جهان را زنده کرده‌است.

گفتش تو کیستی ؟گفتا که من پروردگارم

گفتش یعنی چه؟ گفتا زآنکه من آموزگارم

معلم اگر دانشش را با حسن خلق و تربیت معنوی قرین سازد، به چنین مقامات و درجات رفیعی نائل خواهد شد. جمع میان حسن خلق و دانش است که می‌توان با آن جهان گرفت. به قول حافظ :

حسنت به اتفاق ملاحث جهان گرفت

آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت

سخنم را با بیتی دیگر از همین غزل پایان می‌دهم:

زین آتش نهفته که در سینه من است

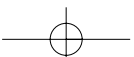
خورشید شعله‌ای ست که در آسمان گرفت

پی‌نوشتها:

۱. ویلیام جیمز دورانت (نوامبر ۷ -۱۸۸۵نوامبر ۱۹۸۱)
فلسفه‌دان، تاریخ نگار و نویسنده آمریکایی است.

۲. دورانت‌ها، پیش از آنکه نگارش این مجموعه آغاز شود، به مسافرت پرداختند: در ۱۹۲۷ عازم سفر به دور دنیا شدند و مصر، خاور نزدیک، هندوستان و ژاپن را از نزدیک دیدند. بار دیگر در ۱۹۳۲ به گشت وگذار در ژاپن، منچوری، سیبری، روسیه ولهستان پرداختند. این سفرها به زمینه نگارش **مشرق زمین**، گاهواره تمدن^(۱) که در ۱۹۳۵ انتشار یافت، غنا بخشید. این اولین مجلد از سلسله تاریخ تمدن بود. پس از آن سفرهای بسیار دیگری به اروپا، خاورمیانه، خاور دور پیش آمد و از جمله از تابستان ۱۹۴۸ به مدت شش ماه در ترکیه، عراق، ایران و اروپای شرقی به مسافرت پرداختند....به طور کلی ویل و اریل دورانت برای هریک از مجلدات تاریخ تمدن به سرزمین‌های اصلی موضوع کتاب مسافرت می‌کردند. (نقل از درآمدی بر تاریخ تمدن، ترجمه بطحائی -دیهیمی، ص۲۵-۲۴)

۳. مولفان خود می‌گویند:
”...معمولا برای هر کتاب، پانصد جلد کتاب می‌خوانیم!
(همانجا)



گفت وگو با محقق تاریخ حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان:

۱۳ قرن تلاش برای وحدت

بروجردی یعنی حضرت امام خمینی (ره) و آیت الله منتظری (ره) بار دیگر مطرح شد و در قالب هفته وحدت احیا شد. به بهانه هفته وحدت و میلاد حضرت رسول (ص) که محور اصلی وحدت میان مسلمانان است درباره سابقه اندیشه های وحدت اسلامی با حجت الاسلام رسول جعفریان پژوهشگر تاریخ و استاد حوزه و دانشگاه و رئیس کتابخانه مجلس به گفت وگو نشستیم. جعفریان معتقد است که پیشینه بحث های تقریب میان مذاهب اسلامی به قرون نخستین اسلام و اندیشه های متفکرانی چون عبدالجلیل قزوینی رازی و علامه حلی باز می گردد. او معتقد است که با همه تلاش هایی که در این سال ها شده مسلمانان برای کنار گذاشتن اختلافات و رسیدن به وحدت واقعی راهی طولانی را دارند. (فرزانه ابراهیم زاده - روزنامه بهار)

با اهل بیت و شیعیان گذاشتند و همین باعث شد اختلافات عمیق تر شود و مسائل خونی را به وجود آورد. بنی امیه در واقع بنیانگذار توهین و هتک حرمت به ائمه و شیعیان بودند.

اما در دوران بعدی یعنی عباسیان با اینکه آنها خود را از خانواده پیامبر و ائمه می دانستند با شعارهای شیعی فشارها را بر شیعیان و به تعبیری علویان بیشتر کردند.

بنی عباس هم با اینکه با شعارهای علوی و اندیشه های موافق شیعه روی کار آمدند اما بعد از مدتی به دلیل مطامع سیاسی بنای مخالفت با شیعیان را گذاشته و راهی را رفتند که بنی امیه پیشتر رفته بودند و مذهب آنان را به عنوان مذهب رسمی به رسمیت شناخته و روند علوی کشی را پی گرفتند. همین باعث شد اختلافات دامنه دار شود و از شهرهای کوفه و بصره به سراسر جهان اسلام برسد. بنی عباس به مذاهب مخالف و دشمنان شیعیان کمک مالی می کردند تا شیعیان را آزار و اذیت کنند. البته این اقدامات بی پاسخ هم نمی ماند و شیعیان نیز تلافی برخی از حرکت ها را با رفتارهای متقابل انجام می دادند. در همین زمان کنونی نیز ما شاهد چنین رفتارهایی از سوی دو گروه و از دو طرف هستیم. سالانه مبلغ بسیار زیادی هزینه نگارش و مقالات

ضد شیعی می شود که واکنش هایی را نیز در پی دارد و برخی از اندیشمندان شیعی را نیز مجبور به پاسخگویی می کند. این واکنش ها به عکس هم صورت می گرفت. این موضوعات در صدر اسلام و زمان خلفای بنی امیه و عباسی باعث عمیق تر شدن شکاف میان شیعه و سنی شد. در این میان خلفا با کمک برخی از علمای اهل تسنن به تحریک علمای مخالف بر می آمدند و سرکوب بیش از پیش شیعیان و ایجاد فضای رعب و وحشت را به همراه داشت. با این همه علمای شیعه که قصدشان یکپارچه کردن جهان اسلام بود توصیه می کردند که پشت سر ائمه جماعت اهل سنت نماز خوانده شود و از مریض های آنها دیدن کنند و تلاش های بسیاری برای کم کردن این اختلافات داشتند. اما به هر حال ریشه این اختلافات گسترده تراز این نکات بود.

تا قرن نهم هجری یعنی پیش از روی کار آمدن دولت صفویه به عنوان مهم ترین حکومت شیعی، بیشتر منازعات به آزار و اذیت شیعیان مختص می شود. در حالی که بعد از روی کار آمدن این دولت شاهد بروز جنگ های مذهبی میان دولت شیعی مذهب ایران با دولت سنی مذهب عثمانی هستیم.

بعد از تأسیس سلسله صفوی همانگونه که اشاره کردید اختلافات به شکل دیگری بروز پیدا کرد. موضوع این بود که عثمانی ها از بدو قدرت گرفتن، چشم طمع به خاک ایران داشتند و به همین دلیل برای سلطه پیدا کردن به این سرزمین بر اختلافات مذهبی دامن زدند تا بتوانند به ایران حمله کنند. منتهی ایرانیان به خصوص مردمی که در غرب و شمال غرب ایران ساکن بودند و به خصوص تبریزی ها در مقابل عثمانی ها ایستادند و عثمانی ها موضوع حمله به ایران را

مذهب را کم کند. او در کتاب ارزشمند خود یعنی کتاب النقض برخی از عقاید افراطی خلفا را درباره شیعه نقد می کند و برخی از نظرات تشیع را به لحاظ سیاسی معتدل می کند. به لحاظ سیاسی وی تلاش می کند جریان شیعه را به حاکمیت وقت یعنی سلجوقیان نزدیک کند. حرف او درست است چون ما در این دوره شاهد هستیم که برخی از شیعیان در مناصب دولتی به خصوص مشاغل اداری مشغول هستند. عبدالجلیل قزوینی حتی اشاره به این نکته هم دارد که خواجه نظام الملک طوسی، دختر خود را به عقد یکی از سادات شیعه ری در آورده است.

پس به نوعی می توان عبدالجلیل قزوینی را از نخستین تنورسین های تشیع دانست که برای دستیابی به حکومتی معتدل بحث وحدت میان مسلمانان را مطرح کرده است؟

به لحاظ فکری و اندیشه ای عبدالجلیل رازی یکی از مهم ترین تنورسین های شیعه به خصوص در قرون میانه تاریخ ایران است. اما او تنها کسی نیست که این اندیشه ها را مطرح می کند. باید یک نکته را اشاره کنم که شکل گیری تصوف در قرون ششم، هفتم و هشتم نیز کمک زیادی به وحدت میان این مذهب کرد. همانطور که می دانید متصوفه حساسیت مذهبی زیادی ندارند و برخی از فرق آن به اهل تسنن نزدیک هستند و برخی هم به اعتقادات شیعی. به همین دلیل زمینه لازم برای نزدیکی این دو را با هم فراهم می آورد و باعث می شود علمای شیعه در این قرون فعالیت بیشتری داشته باشند. در قرن هفتم و درست در زمان مغول شاهد هستیم که خواجه نصیر طوسی که یک عالم شیعه مذهب است به بالاترین مقام برسد و همزمان با ساخت رصدخانه خود در مراغه گروهی از اندیشمندان و دانشمندان شیعه و اهل تسنن را گرد آورد و بدون هیچ اجحافی به هیچ کدام اجازه انتشار اندیشه هایشان را فراهم می کند. علامه حلی عالم بزرگ شیعه را می توان به نوعی شاگرد خواجه نصیر دانست که اندیشه هایش در تکمیل فقه شیعه بسیار بار ارزش بود و یکی از کسانی که در کم کردن دامنه اختلافات مذهبی میان این دو مذهب تلاش زیادی کرد. به جز اینها ما در این قرون شاهد انتشار نظرات دانشمندان و متفکران شیعی و سنی زیادی هستیم که قصد کم کردن فاصله هایی که طی تاریخ به وجود آمده را دارند. هر چند که اختلاف نخستین میان این دو فرقه وجود داشته است و سپس در طول تاریخ باعث اختلاف شد.

یعنی اختلافی که بعد از ماجرای غدیر خم و سقیفه بنی ساعده بر سر جانشینی پیامبر اکرم (ص) به وجود آمد؟

بله ریشه اختلاف میان اهل تسنن و شیعیان در همان صدر اسلام و بحث هایی که بر سر جانشینی پیامبر به وجود آمد، آغاز شد. اما قدرت گرفتن بنی امیه بر ریشه های این اختلاف دامن زد. همانطوری که می دانید تقریباً تا پیش از روی کار آمدن حکومت بنی امیه این اختلافات سبب به وجود آمدن نزاع عمده ای نشده بود. اما بنی امیه و به خصوص خود معاویه و جانشینانش، بنا را بر دشمنی آشکار و خشن

اندیشه وحدت میان مذاهب اسلامی یکی از موضوعاتی بود که در طی چهارده قرن که از بعثت رسول اکرم (ص) گذشته است در کنار همه منازعات و اختلافاتی که میان گروه های مذهبی به ویژه دو مذهب اصلی شیعه و سنی وجود داشت؛ مطرح بود. در آغاز قرن اخیر با تأسیس دارالتقرب بین المذاهب اسلامی در دانشگاه الازهر مصر به همت جمعی از اندیشمندان این اندیشه به شکل گسترده مطرح شد و شکل آکادمیک به خود گرفت. در این میان کسانی چون آیت الله العظمی بروجردی بنیانگذار حوزه علمیه قم و حاج شیخ عبدالمجید سلیم رئیس الازهر تلاش های زیادی برای کاهش اختلافات فکری و برخی افراطی گری ها درباره هر دو مذهب انجام دادند. این اندیشه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران توسط دو تن از بزرگ ترین شاگردان آیت الله

ظاهراً بحث وحدت میان شیعه و سنی اگرچه از سوی امام خمینی (ره) در سی ساله اخیر مطرح شد اما ریشه های تاریخی داشته است و در طول یکصد و پنجاه ساله اخیر این موضوع در اندیشه های کسانی چون سید جمال الدین اسدآبادی آغاز شده است!

بحث های وحدت سابقه اش پیش از این دوره اخیر یعنی یکی دو قرن گذشته بوده است. اما این بحث در طول زمان با انگیزه های متفاوتی مطرح شده است. آنچه در طول ۱۵۰ سال در ارتباط با وحدت مطرح شده است واکنشی به فشارهای استعمار و نبردهایی بوده که میان جهان اسلام و غرب صورت گرفته است. مسلمانان احساس کردند که اگر وحدتشان را حفظ کنند بهتر می توانند در برابر دشمن مقاومت کنند. در واقع احساسشان این بود که اگر این شکاف مذهبی میان آنها باشد دشمنان راحت تر از آن علیه ایشان استفاده می کنند و به مطامع خودشان می رسند. این مهم ترین انگیزه ای است که به لحاظ سیاسی مسلمانان را وادار کرد روی مساله وحدت فکر و این بحث را دنبال کنند. البته انگیزه های دیگری هم ممکن است وجود داشته باشد که بیشتر ناشی از دلسوزی مذهبی و سیاسی برای مسلمانان است. من پیش از آنکه به آن انگیزه ها اشاره کنم می خواهم به این نکته اشاره کنم که در قرون گذشته و حتی در قرون اولیه اسلام نیز بحث وحدت میان شیعه و سنی مطرح بوده است. برای مثال در قرن ششم هجری در برخی از شهرهای ایران بحث وحدت مطرح شد. ممکن است فرم مباحث وحدت در آن زمان، مثل بحث هایی که الان مطرح است نباشد اما به هر حال تلاش می شد تا این فاصله کمتر شود.

براساس آنچه شما می گوید این موضوع در دوران میانه درست در زمانی که منازعات زیادی میان علویان و اهل تسنن وجود داشت، مطرح بوده است؟

در واقع متفکران شیعی در همه دوران ها تلاش کردند همراه با متفکران اهل تسنن برخی از مسائل تفرقه افکن را از میان ببرند و وحدت را میان شیعه و سنی بیشتر کنند. در قرون چهارم و پنجم برخی از علمای شافعی و حنفی تلاش می کنند تا با نوشتن کتاب هایی در باره امام حسین (ع) مظالم گذشته را جبران کنند. کتاب مقتل الحسین خوارزمی حنفی از این جمله است. در مقابل، در قرن ششم در شهر ری، متفکرانی را داریم که سعی می کردند تندوی های تشیع در برابر اهل سنت را کمتر کنند به هوای اینکه سنی های شهرهای اطراف با خیال راحت تری زندگی کنند.

آیا به طور خاص متفکری در این دوران بوده است که تقریب میان شیعه و سنی را در اندیشه هایش آورده باشد؟

بله عبدالجلیل قزوینی رازی یکی از متفکران شیعی بود که در حوالی ۵۶۰ هجری در ری که یکی از مراکز شیعی نشین جهان آن روزگار بود زندگی می کرد و یکی از نخستین کسانی است که به شکل جدی و تئوریک بحث وحدت میان شیعه و سنی را مطرح می کند و تلاش زیادی کرد تا فاصله های میان این دو



مذهبی کردند. البته صفویان نیز که به دنبال تثبیت خود بودند، جلوی عثمانی ها ایستادند. سلطان سلیم عثمانی در سال ۹۲۰ هجری به اسم مبارزه با حکومت شیعی صفوی به ایران حمله کرد و برای توجیه اقدام خودش که چطور نیروهایش را از ۱۵۰۰ کیلومتر به سوی ایران گسیل داشت چه بهانه ای بهتر از این بود که به تعبیر خودش به مقابله با کافران شیعه که در همسایگی او قدرت گرفتند آمده است. او حتی برای رسیدن به هدف خود، از یک ها را نیز از سمت شرق ایران تحریک کرد و با صدور فتوای مقابله با رافضیان شیعه، آنان را به جنگ با صفویان کشاند. جنگی که صفویان با قدرت تمام مقابل آن می ایستند و آنها را بر سر جای خود نشانندند. با این حال ماجرا ادامه یافت و آتش این اختلاف تند بعد از یک قرن بار دیگر به چشم صفویه رفت زیرا افغانان با بهانه فتوای علمای اهل سنت مکه به ایران حمله کردند و در سال ۱۱۳۴-۱۱۳۵ صفویه را از میان بردند. این اختلافات ماند تازمانی که نادرشاه افسار قدرت را در دست گرفت و یک بار دیگر بحث وحدت میان شیعه و سنی را مطرح کرد.

اتفاقاً می خواستم به بحث تلاش نادر شاه افشار برای رسیدن به وحدت میان مذاهب اسلامی اشاره کنم. اتفاقی که در اجتماع بزرگ دشت مغان روی داد و نادر همه سران و مذاهب را گرد آورد. با توجه به صحبت های خود او در مورد پایان دادن اختلافات و آزادی مذهبی، این را می توان تلاش برای رسیدن به وحدت دانست؟

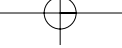
بله جریان دشت مغان یکی از تلاش هایی است که نادر برای پایان دادن به اختلافات در جهان اسلام دارد. البته نادر برای به وجود آوردن وحدت میان مذاهب اسلامی به دنبال تأسیس یک امپراتوری بزرگ در شرق جهان اسلام به مرکزیت ایران بود. او خود را یک شاه اسماعیل اصلاح شده می دانست که برای راه اندازی این امپراتوری باید ابتدا اختلافات و جنگ طولانی را پایان دهد. او به اسم اینکه حکومتش و خودش نه شیعی هست و نه سنی سعی کرد همه طوایف را زیر سلطه خود درآورد. جریان دشت مغان یکی از تلاش های او برای پایان دادن به اختلافات بود.

با توجه به اقتدار نادر برای رسیدن به اهدافش چرا این تلاش بی پایان ماند؟

خصلت های شخصی نادر شاه مهم ترین مانع او برای رسیدن به این وحدت بود. اما عامل مهم دیگر کم تحملی عثمانی ها و عدم پذیرش خواست های او بود. نادرشاه همه تلاش خود را کرد تا با وجود همه کارهایی که در محدود کردن مذهب شیعه انجام می دهد، اجازه بگیرد که امام جماعت مذهب جعفری هم در کنار مذاهب دیگر در مسجدالحرام نماز بخواند و تشیع در حد یک مذهب فقهی کنار مذاهب دیگر باشد اما عثمانی تحمل این حرف را نداشت و حتی نزدیک بود نمایندگانش در مکه کشته شوند. او تلاش زیادی کرد که با زور نظامی و گرفتن بغداد این مطالب را به عثمانی ها تحمیل کند که نشد. در جامعه شیعه هم این حرف ها پذیرفته شدنی نبود. بعد از آن هم مشکلات روحی و روانی برای نادر پیش آمد.

در دوره قاجاریه وضعیت چگونه بود؟

در دوره قاجار برخلاف تصور جنگ ها و



اختلافات میان شیعه و سنی به حداقل می رسد و ما شاهد هیچ جنگ مذهبی در داخل نیستیم. در سطح بین المللی عثمانی ها در داخل سرزمین هایشان و نیز مرزهای اروپایی آن قدر مشکل دارند که به فکر جنگ تازه مذهبی نیستند. قاجاریه خودشان با اهل تسنن رابطه خوبی دارند و هیچ نزاع مذهبی در مناطق سنی نشین ایران گزارش نشده است. کردستان و مناطق شرقی ایران در خلال حکومت قاجاریه تقریباً امن است و هیچ مشکلی میان دولت و اقلیت اهل تسنن این مناطق وجود ندارد. حتی شاهد هستیم که بسیاری از علما و گروه های اهل تسنن روابط خوبی با حکومت مرکزی دارند و به دیدار ولیعهدهای قاجاریه در تبریز رفته و روابط خوبی دارند. در شرق ایران نیز به جز امیرنشین بخارا شاهد حکومت مقتدری نیستیم. امیرنشینان آن بخش ها هم روابط خوب و نزدیکی با شیعیان دارند. یک دوره جنگ های محلی درگرفت که آنها بیشتر محلی بود و مشکل مهمی پیش نیاورد.

در دوره اخیر شاهد ظهور کسانی چون سیدجمال الدین اسدآبادی هستیم که بحث وحدت میان مسلمین را به صورت تئوریک مطرح می کنند. بحث وحدتی که در دوره قاجاریه مطرح می شود با آن چیزی که در دوران عبدالجلیل و نادر به آن پرداختیم تفاوت ماهوی دارد. همان طور که عرض کردم، اینها مربوط به دنیای جدید و مشکلات خاص آن است. بیشتر هدف متحد کردن مسلمانان برابر کفار و بیگانگان است.

چه تفاوتی؟ مگر مورد اختلاف همان اختلاف قدیمی نیست؟

موضوع وحدت میان مذاهب اسلامی که در این دوره توسط برخی از علمای روشنفکر در نجف و تهران مطرح شد. در این دوره برخی از نخبگان مذهبی به تحلیل علل عقب ماندگی مسلمانان پرداخته و متوجه شدند که یکی از علل اساسی عقب ماندگی و عدم رشد ملت های اسلامی همین موضوع وحدت میان مذاهب اسلامی که در این دوره توسط برخی از علمای روشنفکر در نجف و تهران مطرح شد. در این دوره برخی از نخبگان مذهبی به تحلیل علل عقب ماندگی مسلمانان پرداخته و متوجه شدند که یکی از علل اساسی عقب ماندگی و عدم رشد ملت های اسلامی همین

حجت الاسلام و المسلمین احمد مبلغی گفت: بر اساس دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب، بالاترین وضعیت مطلوب برای تقریب مذاهب اسلامی، تقریب عملی و بهترین ابزار برای تحقق بخشیدن به آن استفاده از ابزارهای علمی است و شعارهای کم اثر، قادر به ایجاد تقریب عملی نیستند.

رییس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در گفت وگو با مرکز خبر حوزه با اشاره به سالروز سفر مقام معظم رهبری به کردستان و فتوای تقریبی و وحدت آفرین ایشان، اظهارداشت: سفر معظم له به کردستان، تقریب مذاهب اسلامی را وارد فضا و فاز جدید و جدی کرد و دستوراتی که ایشان ارائه دادند در واقع فعال کردن ابزارهای عملی در راستای دستیابی به تقریب مذاهب بود.

اختلافات و نزاع های مذهبی بی پایان است. از سوی دیگر مصلحان ما با مساله استعمارگران روبه رو بودند کسانی که بر این اختلافات دامن می زدند. از این رو شاهد هستیم که افرادی مانند سیدجمال الدین اسدآبادی ایده های وحدت میان مسلمین را مطرح کردند. وحدت بحثی بود که در دوران مشروطه و سقوط دولت عثمانی نیز امتداد پیدا کرد. در طول این صد و پنجاه سال اخیر هر از چند گاهی بحث وحدت مطرح می شد تا بعد از انقلاب اسلامی که بار دیگر توسط حضرت امام (ره) مطرح شد.

چه عواملی باعث می شود که حضرت امام این نظریه را مطرح می کنند؟

انقلاب ایران انقلاب بزرگی بود که بر محور تشیع رخ داد. در قانون اساسی نیز بر آیین تشیع تاکید شده بود. امام (ره) که در جهان اسلام این انقلاب را به عنوان یک الگوی اسلامی نه لزوماً شیعی مطرح کردند اما یک عده در همان زمان احساس ناامنی کرده و بر آتش اختلاف دامن زدند. اما حضرت امام(ره) با مطرح کردن بحث وحدت میان شیعه و سنی تلاش کردند تا زمینه ای برای اتحاد جهان اسلام در مقابل قدرت های استعماری را به وجود بیاورند. اما برخی از کشورهای اسلامی و غربی این موضوع را نپذیرفتند و در مقابل این ایده امام، بن لادن را آوردند که چهره ای خشن از اسلام ارائه کرد. بن لادن از دل عربستان سعودی برخاست و قدرت گرفت و باعث به وجود آمدن القاعده شد که یکی از افراطی ترین چهره ها را از اسلام ارائه کرده است. البته درست است که ریشه این اختلافات قرن ها طول کشیده است اما در میان مسلمان و اهل تسنن مانند شیعیان کسانی همواره به دنبال پایان دادن به اختلافات هستند. در طول تاریخ نیز شاهد بودیم که مانند دوره کنونی، شیعیان عراق در کنار اهل تسنن زندگی کردند و حتی در دوران عثمانی ها گزارش شده که هزینه های تعمیرات حرم ائمه را در عتبات خود می دادند و اجازه نمی دادند شیعیان و به خصوص ایرانی ها این

تقریب

هزینه ها را پرداخت کنند. اما در حال حاضر می بینید که سالانه میلیون ها دلار در عربستان صرف نوشتن کتاب ها و مقالاتی بر ضدشیعه می شود و در میان کشورهای اسلامی پخش می شود. البته انتشار این کتاب ها واکنش شیعیان را دارد و در ایران و در قم کسانی هستند که با کوبیدن بر طبل اختلافات این حرکات را پاسخ می دهند. البته توهین به اهل تسنن و کتاب های اختلاف برانگیز برای شیعه و سنی، یکی از خطوط قرمز و موارد سانسور کتاب در ایران حتی در دوران پهلوی بود. یعنی انتشار هرگونه کتاب علیه اهل تسنن ممنوع بود. بعد از انقلاب نیز این ممنوعیت وجود داشت. منتهی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید کنترل بیشتری داشته باشد. وقتی ما این همه هزینه برای وحدت اسلامی می کنیم در این زمینه باید جدی باشیم و از آثار افراطی جلوگیری کنیم. البته بحث ها و نقدهای علمی معقول و مودب سودمند است.

با همه این تلاش های صورت گرفته به خصوص در زمان کنونی و در ۳۰ ساله اخیر اما به نظر می رسد که هنوز مسلمانان اختلافات جدی دارند که برای رسیدن به وحدت مانع می شوند؟

در این سال ها همانطور که اشاره کردم تلاش های زیادی شده است که اختلافات میان اهل تسنن و تشیع کمتر شود اما دامنه اختلافات وجود دارد و نمی شود آنها را انکار کرد.

چه عواملی باعث عدم رسیدن به این وحدت می شود؟

دو عامل مهم مانع مهم رسیدن به این اتحاد می شود. یکی ریشه عمیق این اختلافات و دشمنی است که باعث شده رسیدن به وجوه مشترک مشکل شود؛ اختلافی که در طول تاریخ باعث شده افراد زیادی جانشان را بر سر آن از دست بدهند. اما عامل دوم که بسیار مهم است وجود وهابیت در جهان اسلام است که باعث می شود تا رسیدن به وحدت در میان مسلمانان عملاً غیرممکن باشد. تا پیش از ظهور فرقه وهابیت علمای شیعی در مقابل علمای اهل تسنن به

تقریب عملی با شعار حاصل نمی شود

وی افزود: البته این سفر صرفاً بعد تقریبی نداشت، بلکه در جهت توجه به قومیت های مختلف، وحدت ملی و ایجاد زمینه ها و بسترهای لازم برای توجه بیشتر به استان های مرزی و... بود؛ ولی به هر حال برای دغدغه مندان عرصه و اندیشه تقریب بین مذاهب این سفر بسیار ارزشمند و قابل استفاده بود.

معاون پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی با اشاره به حرام دانستن توهین به مقدسات اهل سنت توسط رهبر معظم انقلاب، عنوان کرد: دستورات ایشان برای همه کسانی که به دنبال تقریب هستند، الگو و درس است و اگر می خواهیم در عمل تقریب داشته باشیم، باید به مقدسات مذاهب دیگر

احترام لازم و کافی را داشته و وارد خط قرمزهای یکدیگر نشویم.

وی تصریح کرد: یکی از آرمان های شکل گرفته در فضاهای چند دهه اخیر به ویژه بعد از انقلاب اسلامی، آرمان تقریب بین مذاهب اسلامی است، البته پیشینه ادبیات تقریب، سابقه اش به تلاش های مرحوم آیت الله بروجردی در مصر بر می گردد.

حجت الاسلام و المسلمین مبلغی اضافه کرد: انقلاب اسلامی دقیقاً به سمت این ادبیات حرکت می کند و عرصه های جدیدی را برای تقریب مذاهب اسلامی گشود و این ایده بزرگ، آرمان اساسی و کلان برای جامعه و امت اسلامی است.

خصوص اندیشمندان جامع الازهر قرار داشتند و به خصوص در دوران جدید سعی می کردند به لحاظ فکری راهی برای حل اختلافات داشته باشند. اما وهابیت مانع شدند. وهابی های نسل اول بعد از به قدرت رسیدن در سال ۱۲۱۶ق به نجف و کربلا حمله کردند و بعد از آن وهابی ها عصر دوم در سال ۱۳۴۲ به مدینه منوره حمله و بعد از تصرف آن قبور ائمه در بقیع را تخریب کردند. این وهابی ها به خصوص نسل اول، صوفیه و شیعه را کافر می دانستند و غیر از خودشان دیگران را مسلمان نمی دانستند. در این سی سال اخیر وهابیون که خود را سردمدار جهان اسلام می داندند و با علمای الازهر نیز درگیر هستند اقدامات زیادی در آزار شیعیان و صوفیان انجام دادند و آتش بیار این معرکه نیز القاعده بود که به لحاظ فکری وابسته به وهابیت است و به لحاظ سیاسی نیز اصل و اساس آن را غربی ها درست کردند هرچند حالا در گل مانده اند.

آیا راهی نیز برای پایان دادن به این اختلافات وجود دارد؟

جنگ میان کاتولیک ها و پروتستان ها ۳۰۰ تا ۴۰۰ سال طول کشید. البته سنیان معتدلی که در مصر و شمال آفریقا هستند به ویژه سنیانی که متأثر از عقاید عارفانه هستند به هیچ روی نباید مورد غفلت قرار گیرند. سنیان معتدل فراوانی هم در هند و پاکستان و نقاط دیگر هستند. علمای اهل تسنن الازهر نیز اختلافات اساسی با وهابیون دارند. در ایران و عراق، سوریه و لبنان نیز اهل تسنن و تشیع در کنار یکدیگر زندگی می کنند و مشکلی با یکدیگر ندارند و به نظر می رسد این اختلافات در بخش عمده ای از جامعه مسلمانان جهان به صورت قابل حلی وجود داشته باشد. ما باید امید داشته باشیم و این اختلاف را کم کنیم تا روزی که دیگر هیچ نزاعی نباشد، حتی اگر دو گروه به اسم شیعه و سنی وجود دارند و مباحثات فکری می کنند. برخی از انواع اختلاف، نعمت است اما بسیاری از آن، نعمت.

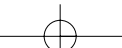
وی تاکید کرد: اگر این آرمان محقق شود، بسیاری از مشکلات امت اسلامی رفع می گردد ضمن اینکه هر فردی در چارچوب مذهب خود پایبند خواهد بود و در ورای آن می تواند تعاملی را با مذاهب دیگر داشته باشد.

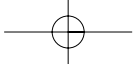
رییس مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی خاطرنشان کرد: توهین به مقدسات نه تنها نسبت به مذاهب، بلکه به ادیان و حتی نسبت به بت پرستی نهی شده، چون فرد بت پرست معتقد به بت پرستی است و با توهین به بت به هویت او، ولو هویت جعلی، توهین شده و باعث دور شدن او از حق و قرارگرفتنش در جایگاهی انتقادی و انتقامی می شود، بنابراین توهین به مقدسات ادیان و مذاهب غیر قابل قبول است.

توجه به فتوای رهبر انقلاب سلاح تاریخی معاندان می گیرد

مرحوم شیخ شلتوت در ۵۵ سال پیش، چنانچه این دو فتوی در جهان اسلام مورد توجه قرارگیرند بسیاری از مشکلات جهان اسلام حل و سلاح تاریخی اختلاف از دست معاندان گرفته خواهد شد.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ضمن گرامیداشت سالروز صدور این فتوا از علما و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی می خواهد تا ضمن بررسی مبانی فقهی، حقوقی و کلامی این فتوای بزرگ به تبیین این فتوای تاریخی همت گمارند تا بتوانیم مسلمانان جهان را با چنین تدابیر وحدت آفرین پیشاپیش آشنا نموده و آنها را فراوی چالشهای تفرقه انگیز بسیج کنیم.





آیت الله تسخیری:

هدف دشمنان، عقب ماندگی جهان اسلام است

ایرانی و پس از آن توسعه جامعه اسلامی و در نهایت الگو بودن برای کل جهان است.

وی همچنین با بیان این که ما تمامی فرصت ها برای حرکت به سمت توسعه براساس الگوی اسلامی و ایرانی را داریم، افزود: تأییدات و نصرت های الهی، آمادگی ملی و رهبری فرزانه، آگاه، مصمم، شجاع و خستگی ناپذیر که خط انبیاء را دنبال می کند این امیدواری را به ما می دهد که بتوانیم این الگو را پیدا کرده و در مسیر آن حرکت کنیم.

آیت الله تسخیری در پایان خاطر نشان کرد: هر جامعه ای که در راه خدا حرکت کند مورد تأیید و نصرت الهی قرار خواهد گرفت و از سوی دیگر ملت ما آماده این جهش بزرگ است، بنابراین سه عامل ایمان به هدف، شناخت راه و ایمان به امکانات مناسب، زمینه و آمادگی کافی برای شروع این حرکت انقلاب اسلامی بزرگ را فراهم کرده است.

کرده و نیازهای هر دو جنبه را به طور متعادل اشباع کند، وگرنه یک حرکت غیر متوازن خواهد بود.

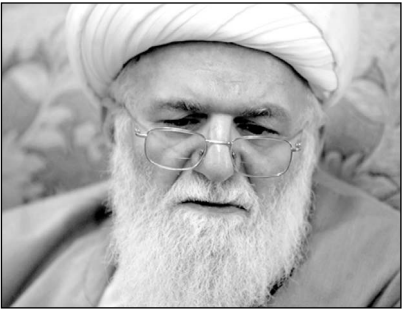
آیت الله تسخیری با اشاره به اهمیت رسیدن به الگوی توسعه اسلامی اظهار کرد: هدف شیاطین و دشمنان این است که ما و کل جهان اسلام عقب مانده باشیم و خود برتر و پیروز باشند، بنابراین برای این که اهمیت این حرکت را بدانیم باید اهمیت نجات یافتن از عقب ماندگی و حرکت در راه تحقق اهداف قرآنی - که می خواهد امت اسلامی الگوی همه تمدن ها و پیشاپیش حرکت تمدن اسلامی باشد - را در نظر بگیریم تا به اهمیت این حرکت پی ببریم.

وی تأکید کرد: باید برای حرکت به سمت جایگاهی که خداوند برای ما در نظر گرفته است، سعی کنیم از این حالت عقب ماندگی نجات یابیم. دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: راه نجات از عقب ماندگی، حرکت به سوی توسعه و هدف بلند یعنی همان توسعه جامعه

ایسنا، با ارائه تعریفی از توسعه با توجه به ارزش های اسلامی - ایرانی خاطر نشان کرد: براساس این تعریف، حرکت عمومی نهادهای اجتماعی، منبع ارزش ها، یعنی شریعت اسلامی و ویژگی های ایرانی، صفات حرکت، زمینه های مادی و معنوی، تحقق آینده انسانی برتر و چشم انداز آن مشخص و تبیین می شود.

وی با بیان این که حرکت به سمت توسعه باید آگاهانه، برنامه ریزی شده، هماهنگ و عادلانه و منطبق با واقعیت باشد تصریح کرد: تحقق آینده انسانی برتر، باید به عنوان هدف توسعه و چشم انداز آن در مرحله اول ایران و پس از آن جهان اسلام و در نهایت کل جهان باشد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی یادآور شد: جنبه مادی و معنوی همواره دوشادوش هم حرکت می کنند، بنابراین حرکت توسعه باید هر دو جنبه را داشته باشد و تعادل بین آنها را برقرار



دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: حرکت عمومی کل نهادهای اجتماعی جامعه با آگاهی، برنامه، هماهنگی و عدالت و با استمداد از ارزش های اسلامی و ویژگی های ایرانی در دو زمینه مادی و معنوی به سوی آینده انسانی برتر، تعریف توسعه براساس ارزش های اسلامی - ایرانی است.

به گزارش خبرگزاری تقریب، آیت الله محمدعلی تسخیری "در گفت و گو با خبرنگار

عضو شورای نگهبان

اظهارات تفرقه افکنانه میان شیعه و سنی گناهی نابخشودنی

مراجع عظام تقلید یک راهبرد اساسی و یک وظیفه شرعی است ضمن آن که در سنت سلف صالح حوزه، نظیر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی نیز این مساله را به وضوح می بینیم.

وی در ادامه اظهار داشت: راهبرد تقریب علاوه بر این که به عنوان یک وظیفه شرعی مطرح است بر اساس اصول قانون اساسی کشورمان یک وظیفه قانونی نیز به شمار می رود به نحوی دولت بر اساس این اصول، موظف به تقویت اتحاد و برادری اسلامی است.

ایجاد درس فقهی تطبیقی یک راهبرد تقریبی است

عضو مجلس خبرگان رهبری همچنین گفت: یکی از راهبردهای مهم تقریب میان مذاهب اسلامی این است که ما در جهت ایجاد و تقویت درس فقهی تطبیقی و نیز گفتگو و مباحثات علمی میان مذاهب اسلامی سرمایه گذاری جدی داشته باشیم. وی در عین حال بیان داشت: البته باید به این نکته هم توجه داشت که تقریب به معنای تنازل از اصول عقیدتی و یا احکام فقهی نیست، بلکه منظور از آن تلاش در جهت تقویت برادری و شکل گیری فضای مفاهمه و نیز به رسمیت شناخته شدن مذاهب اسلامی از سوی یکدیگر می باشد.

حضور پررنگ مجمع تقریب در نمایشگاه کتاب

معاون فرهنگی مجمع تقریب، همچنین از حضور مجمع در دو بخش نمایشگاه خبر داد و اظهار داشت: علاوه بر ارائه کتب در بخش ناشران عمومی در شبستان (راهروی ۲۵)، در طبقه دوم و در بخش بازارچه جهانی کتاب و ناشران بین المللی نیز غرفه ای اختصاص داده شده بود.

وی افزود: علاوه بر عرضه کتاب، مجلات و ویژه نامه های منتشر شده از سوی مجمع تقریب یعنی رساله تقریب به زبان عربی، منبع شناسی اقلیتهای مسلمان به زبان انگلیسی، اسلام شناسی در غرب به زبان فارسی، ثقافة تقریب به زبان عربی، شعور اتحاد به زبان اردو، اندیشه تقریب به زبان فارسی و... ارائه و معرفی شده اند.

وی در بخش دیگری از این گفتگو، کتاب را یکی از محوره های تقریب مذاهب اسلامی برشمرد و تصریح کرد: کتاب جایگاه خود را در این چارچوب همیشه حفظ خواهد کرد اما کتاب و تأثیر آن به کسانی اختصاص دارد که اهل کتاب و کتابخوان باشند؛ اما در عین حال نمی توان از وجود فناوریهای روز از جمله شبکه های تلویزیونی، اینترنت و لوح های فشرده برای نهادینه کردن مفهوم تقریب مذاهب و وحدت اسلامی غافل بود.

عضو حقوقدان شورای نگهبان با تاکید بر لزوم اتحاد در بین مذاهب اسلامی، اظهارات تفرقه افکنانه میان شیعه و سنی را گناهی نابخشودنی عنوان کرد.

حجت الاسلام و المسلمین کعبی، به مناسبت سالروز فتوای تاریخی مقام معظم رهبری مبنی بر حرمت اهانت به مقدسات اهل سنت در گفتگو با خبرنگار مرکز حوزه، گفت: هر گونه اظهار نظری که باعث تشدید اختلاف میان شیعه و سنی و به تبع آن افزایش شکاف میان آن ها بر اثر تحریک دشمنان اسلام شود، قطعاً گناهی نابخشودنی است.

وی ضمن محکومیت هرگونه افراطی گری در جهان اسلام ، خاطر نشان کرد: باید حساب اهل تسنن و پیروان مذاهب چهارگانه آن را که در حقیقت برادران دینی ما هستند از حساب وهابیت افراطی که دست پرورده سرویس های جاسوسی صهیونیسم بین الملل و دیگر دشمنان اسلام می باشد جدا کنیم. عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم همچنین با اشاره به این که در شرایط کنونی هدف دشمنان اسلام تلاش در جهت تفرقه افکنی میان مذاهب اسلامی است، گفت: مقوله تقریب بین مذاهب اسلامی در اندیشه حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و

مقابله با تکفیر؛ نیاز ضروری امت اسلام

شیخ الازهر بر ضرورت گسترش تفکر میانه روی بین مردم برای جلوگیری از تکفیر و ایجاد درگیری میان امت اسلامی تأکید کرد.

به گزارش خبرگزاری تقریب، أحمد الطیب در سخنانی تحت عنوان "میانه روی در اسلام و مواجهه با غلو و افراط گرایی" گفت: انتساب برخی از فتنه انگیزان و خشونت گرایان به دین اسلام، حقیقت اندیشه های این دین مبین را منعکس نمی کند، زیرا که دین اسلام همواره به میانه روی و اعتدال و ایجاد رابطه با غیرمسلمانان دعوت می کند.

وی تکفیر را آفتی بزرگ برای اسلام دانست و اعلام کرد که منتسبان به اسلام با این کار وجهه و چهره این دین راستین را مخدوش می کنند.

الطیب همچنین بر نیاز امت اسلامی به اتحاد و پرهیز از جناح گرایی های سیاسی و اختلافات مذهبی تأکید کرد.

به گزارش محیط، الطیب در پایان کشورهای اروپایی و آمریکایی را بر ضرورت رعایت عدالت در سیاست های خود و پرهیز از سیاست دوگانه در مورد مسائل امت اسلامی توصیه کرد و خواستار جدیت، مسئولیت پذیری و انصاف در برخورد با یکی از مهمترین مسائل تاریخ معاصر یعنی مسئله ملت آواره و مظلوم فلسطین شد.

معرفی کتاب؛ در ساحل تقریب

دشمنان قسم خورده اسلام همواره چنین وانمود کرده اند که قرآن شیعه، غیر از قرآن سنی است و حدیث هریک غیر از حدیث دیگری است! اگر این برچسب های باطل برطرف شود، آرزوی بزرگ مصلحان، که همان تقریب است، محقق می شود.

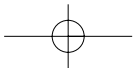
کتاب "در ساحل تقریب" سلسله سخنرانی های آیت الله "جعفر سبحانی" است که در جلسات آموزشی - توجیهی روحانیون و معین های کاروان های حج ایراد گردیده است. این کتاب غبار ابهام را از برخی از اصول عقیدتی برطرف نموده، به مشترکات میان مذاهب ارج نهاده و ویژگیهای عقیدتی تشیع را با برهان و دلیل روشن ساخته است.

در این کتاب به "دیدگاه های شیعه در مسائل مربوط به تقریب"، "عناصر مؤثر در تقریب مسلمانان"، "عناصر وحدت" و "موانع تقریب" پرداخته شده است.

این کتاب عناصر و مایه هایی که می تواند امت اسلامی را در نقطه واحدی گرد آورد را دو گونه عنوان کرده است: الف) عقیدتی و آرمانی و ب) کرداری و رفتاری. و موضوعاتی چون: "یکتاپرستی و یکتا گرایی"، "یگانگی شریعت و آیین"، "وحدت رهبری" و "وحدت هدف" در ذیل بخش "عناصر وحدت" یا "عناصر تقریب آفرین" بررسی شده است.

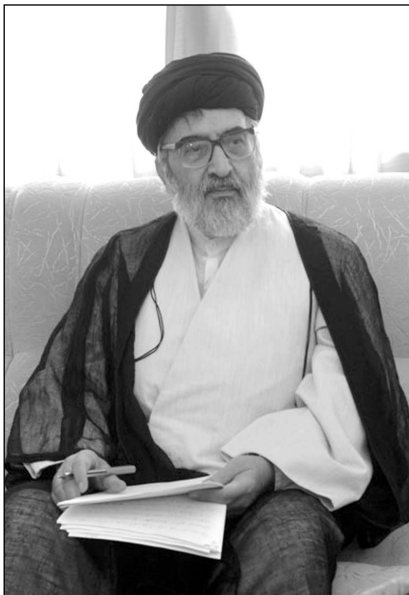
آیت الله جعفر سبحانی همچنین "موانع تقریب" را از منظر اختلافات کلامی و فقهی، "اختلافات قومی" و "نا آگاهی از عقاید همدیگر" مورد تحلیل قرار داده است.

در انتهای این کتاب، آیت الله سبحانی گفته است: در پایان باید به برادران اهل سنت و تشیع بگویم که "ما یَجْمَعُنَا، أَكثَرُ مِمَّا یُفَرِّقُنَا؛" مشترکات ما فزونتر از متمیزات ما است."



نخبگان ما به نهضت های اسلامی بی توجهند.

خاورمیانه در معرض انقلاب قرار دارند. در بازکاوی این پدیده شگرف سوالاتی را به محضر محقق دیرپای نهضت های اسلامی معاصر، استاد سیدهادی خسروشاهی ارسال داشتیم و آنچه در پی می آید، پاسخ مکتوب ایشان به پرسش های "جوان" است. با سپاس از ایشان که پذیرای درخواست ما شدند. (شاهد توحیدی)



مشهود نیست. در ترکیه اگرچه حزب اسلام گرای کنونی به پیروزی رسیده، اما در اجرای همه اهداف اصلی خود - برای نمونه مسئله استفاده دختران از حجاب برای شرکت در مراکز فرهنگی و کلاس های دانشگاهی - موفق نبوده است. اخوان المسلمین در مصر، سودان، لیبی، جماعت اسلامی در پاکستان، جبهه انقاذ در الجزائر و حرکه النهضة در تونس و.. علیرغم همه نوع تسامح و تساهل با حکومت ها، هر کدام به نحوی سرکوب و از صحنه خارج شده اند و یا توفیق ایجاد یک نظام اجتماعی اسلامی را نیافته اند. دلایل عدم موفقیت هر یک از این حرکت ها - که نام آن ها به طور نمونه مطرح شد - در هر کشوری متفاوت است، ولی عامل اصلی در همه موارد، فقدان رهبری قاطع شجاع و تسلیم ناپذیر و لایق و اشتباه در استفاده از نیروهای بالفعل و بالقوه توده مردم بوده است.

مثلا پس از کودتای ژنرال های وابسته به فرانسه، بر ضد جبهه نجات اسلامی در الجزائر، روی آوردن به مبارزه مسلحانه، جز ائتلاف نیروها ثمره دیگری نداشت.. در مصر، اخوان المسلمین - که نقش اساسی در پیروزی کودتای افسران آزاد، که بعدها نام آن کودتا را انقلاب! گذاشتند - به عهده داشت، اما تمامت خواهی عبدالناصر، و باز خوش باوری و ساده اندیشی رهبری اخوان، پس از شهید حسن البنا، موجب ترکتازی ناصر و یاران وی گردید، همان روشی که در ایران، پس از پیروزی در نهضت ملی شدن نفت به وجود آمد و جبهه ملی پس از به روی کار آمدن با فداکاری و تلاش و کوشش آیت الله کاشانی و فدائیان اسلام صاحبان اصلی نهضت را از صحنه بیرون کرد... آیت الله کاشانی منزوی گردید، نواب صفوی در حکومت آقایان ملی گرا - که به قول مرحوم آیت الله طالقانی با از میان برداشته شدن مانع توسط فدائیان به قدرت رسیده بودند - دستگیر و ۲۲ ماه تمام در زندان دکتر مصدق! باقی ماند!

در الجزائر جبهه نجات پس از پیروزی مطلق در انتخابات، توسط ژنرال های فرانکفونی! همدست با استثمارگران و سرمایه داران فرانسوی، با کمک به امپریالیسم فرانسه کودتای نظامیان از صحنه به دور شدند... که البته این خود نشان دهنده نوع اعتقاد! غرب و مزدوران آن ها به "دمکراسی" ادعائی بود. روابط فکری - عملی

اقتصادی - فرهنگی و اجتماعی، متمرکز گردد. بدون توجه به این نکات، به تدریج نسل جدید این بخش از مسلمانان در آن کشورها، در جامعه فاسد غربی استحاله پیدا می کنند و از بین می روند. و بتدریج در مفاسد جامعه فاسد، غرق می شوند. البته حفظ هویت، آداب و رسوم مذهبی و ملی، گسترش روابط صمیمانه با همه پیروان مذاهب اسلامی گونه گون، و نشر کتب، مجلات و روزنامه ها و سپس ایجاد رسانه های جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون و ایجاد سایت های متعدد به آن ها امکان خواهد داد که اصالت و هویت خود را حفظ کنند و به نسل جوان و بعدی منتقل سازند.

در کشورهایی مانند امریکا و اروپا با توجه به امکانات دمکراتیک ظاهری، با عضویت در احزاب رسمی، نه تنها می توان در حل مشکلات مختلف جامعه اسلامی و گرفتاری روزمره مسلمانان آن مناطق فعال بود، بلکه به تدریج می توان با نفوذ در احزاب رسمی و فعال موجود در صحنه، وارد معرکه برتر و بالاتری شد و حتی در مراکز حساس و سرنوشت ساز نفوذ کرد و منشأ آثار مثبتی در راه هدف، گردید.

به اعتقاد شما راهکارهای مسلحانه (چه به عنوان راهبرد یا تاکتیک) برای رسیدن نهضت های اسلامی به حکومت اسلامی، مشروعیت و کارآمدی دارد؟ چرا؟

راهکارهای مسلحانه، چه به عنوان استراتژی یا تاکتیک، برای وصول به هدف نهایی - تشکیل جامعه اسلامی و ایجاد حکومت الهی - گرچه مشروعیت دارد، ولی مراعات شرایط زمان و مکان، کاملاً ضروری است. هر نوع عمل مسلحانه مشروع و منطقی - نه اقدامات کور و بی ثمر - الزاماً به مفهوم تضمین رسیدن به قدرت نیست.. ای بسا همین امر، باعث سرکوبی حرکت اسلامی و انحلال یا عقب ماندگی در پیشبرد اهداف اصلی گردد. اشاره کردیم که بی تردید در سرزمین های اسلامی اشغال شده مانند: عراق، فلسطین، افغانستان و.. مبارزه و مقاومت مسلحانه تنها راه رهایی است وگرنه با استمرار سلطه امپریالیسم و ایادی و مزدوران داخلی آن، امکان هر نوع فعالیت مسالمت آمیز و عمل به قوانین و احکام اسلامی - حتی عبادی - هم از مسلمانان سلب خواهد شد.

اگر در شمال افریقا - الجزائر، تونس، مغرب - مسلمانان به مبارزه مسلحانه با امپریالیسم اشغالگر فرانسوی دست نمی زدند، بی تردید تا امروز هم سلطه سیاسی - نظامی امپریالیسم ادامه می یافت... در حالی که می بینیم در اثر مقاومت و مبارزه ۱۳۰ - ساله در الجزائر - سرانجام این کشورها آزاد شدند... ولو اینکه غفلت و ساده اندیشی و حسن نیت رهبری بعضی از حرکت های اسلامی، موجب گردید که عناصر سکولار و چپ نمای غرب زده قدرت را به دست بگیرند و به حکومت برسند... و نه تنها اجازه ندهند که رهبری مسلمانان - مثل حزب ماشومی و نهضت العلماء و جبهه انقاذ و حرکه النهضة، در اندونزی و الجزائر و تونس - از صحنه بیرون رانده شوند، بلکه در مراحل بعدی، سرکوب و ریشه زدائی کامل انجام پذیرد.

نمونه یا نمونه هایی از نهضت های اسلامی موفق و ناموفق را بیان فرمایید. به اعتقاد شما دلایل موفقیت یا ناکامی این دو دسته چه بوده است؟

نهضت اسلامی موفق به تمام معنی، جز در ایران اسلامی، در هیچ یک از کشورهای اسلامی

اشاره: نهضت های اسلامی در جهان معاصر که محصول جریان گسترده "بیداری اسلامی" است، از پدیده های جالب توجه در دنیای معاصر است. این پدیده تا بدان پایه دارای تأثیر بوده که جامعه شناسان غربی را به اذعان به این واقعیت واداشته است که بسیاری از کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای مسلمان

ب: حرکت های اسلامی سرزمین های تحت سلطه حکومت های استبدادی سکولار، با توجه به شرایط ویژه حاکم بر کشور، مانند: مصر، اندونزی، پاکستان، اردن و نظائر این ها، نمی توانند برای پیروزی از اقدامات جریان های مورد الف، استفاده کنند، چراکه حاکمیت های استبدادی، برای بقای خود از سرکوب بیرحمانه و کامل حرکت ابائی نخواهد داشت و در این راستا هیچ تردیدی به خود راه نخواهد داد... نمونه های مصر، سوریه، لیبی و حتی سودان دوران ژنرال جعفر نمیری و سرکوب بیرحمانه قدرتمندترین نیروی اسلامی معاصر - اخوان المسلمین - و قتل عام رهبری و کادرهای عادی آن، توسط عبدالناصر و جعفر نمیری و حافظ اسد - در جریان قتل عام حماه - می تواند نشان دهد که در این قبیل بلاد، باید برای پیشرفت هدف، از وسائل مسالمت آمیز مانند شرکت در انتخابات، به عنوان گروه معارض اپوزیسیون - و البته نه همکار رژیم - و کادرسازی و تربیت نسلی برای آینده و توسعه کارهای علمی - فرهنگی در سطح عموم و توده مردم استفاده شود. نمونه: ترکیه و حزب ملی سلامت پارتی سی اربکان و سپس حزب فضیلت و بعد اک پارتی سی اردوغان و عبدالله گل ...

امام خمینی(ره) در این رابطه، در کتاب حکومت اسلامی رهنمودی با این مضمون دارند: باید موجی از بیداری فکری و معنوی به وجود آوریم تا مانند یک جریان در سرتاسر جامعه ظاهر شود و به تدریج به شکل یک نهضت اسلامی به هم پیوسته، ترکیب یافته از بیدار شدگان و عناصر متعهد و مردم باایمان درآید که قیام می کنند و یک حکومت اسلامی تشکیل می دهند.

به طور کلی، حرکت ها و نهضت های اسلامی در دنیای عرب و جهان اسلام فاقد رهبری، مانند امام خمینی هستند.. و در هر کجا هم که رهبری تالی تلو امام و - در مرحله ای کوچکتر - وجود داشته یا بوجود آمده، بلافاصله یا به قتل رسیده و یا به نحوی از صحنه حذف شده اند.

پ - در کشورها و مناطق مورد اشاره، مانند جنوب تایلند، غرب چین، منطقه قفقاز و چین و... وضع با هر دو مورد بالا، فرق می کند، و فقدان اکثریت و با وجود حکومتی سکولار غیر هماهنگ با حرکت اسلامی، ایجاد می کند که برای جلوگیری از سرکوب قطعی، - نمونه چین و غرب چین - به جنبه فکری، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بیشتر اهمیت داده شود - تا جنبه های صرفاً سیاسی... و البته اجرا و مراعات اصل عدم هماهنگی کامل با نظام حاکم، در این بلاد می تواند در جذب نیروهای جوان مسلمان مؤثر باشد.

ت: در کشورهایی که مسلمانان در اقلیت هستند و غیر متمرکز از لحاظ جغرافیایی، بی تردید وضع کاملاً با جاهای دیگر فرق می کند. در این کشورها، هدف اصلی حرکت های اسلامی باید در حفظ هویت اصلی و اصیل مسلمانان و تربیت فرزندان آن ها، همراه با یاحفظ ایجاد استقلال

تعریف حضرتعالی از "نهضت اسلامی" چیست؟

هر نوع حرکت فعال جهت دار و سازمان یافته در راستای احیای ارزش های الهی و حاکم ساختن اصل قسط و عدل در یک جامعه مسلمان نشین را می توان "نهضت اسلامی" نامید که البته در بلاد مختلف، با تعبیرات و اصطلاحات ویژه آن ها، مانند: حرکت، جنبش، تحریک، نهضت و... نامیده می شود. پس هر حرکت یا نهضت اسلامی در شکل عام خود، باید در راستای احیای ارزش ها باشد که در طلیعه آن ها قیام لله، مثنی و فرادا قرار دارد، یعنی هدف از این امر نباید رسیدن به قدرت ظاهری یا پست و مقام باشد، بلکه هدف اصلی، ادای تکلیف و انجام وظیفه است در راه خدا است، خواه به نتیجه ظاهری مطلوب برسد یا نرسد.

تحلیل جنابعالی از جریان شناسی نهضت های اسلامی کنونی چیست؟

تحلیل جریان شناسی نهضت های اسلامی کنونی را نمی توان در یک گفتگوی کوتاه بررسی کرد امیدواریم که در یک بحث مستقل در این باره گفتگو کنیم. البته بطور کلی باید اشاره کرد که نهضت های اسلامی در کلیت خود، انگیزه واحد و گرایش و هدف مشترکی را پی گیری می کنند، ولی نمی توان برای همه حرکت ها و نهضت ها، مسیر واحدی را تعیین کرد، بویژه که در هر کشور و سرزمینی، برداشت ها و صفت های خاصی مورد توجه و نظر رهبری نهضت ها قرار می گیرد که باعث پیدایش جریان های مختلف می گردد، ولی در کل باید پذیرفت که اغلب این جریان ها، هدف واحدی را پی گیری می کنند.

چه تفاوت یا شباهت هایی بین کارکردها، اولیت ها و روش های نهضت های اسلامی در محیط های جغرافیای سیاسی زیر می بینید:

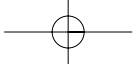
الف) نهضت های اسلامی کشورهای تحت اشغال نظیر فلسطین، عراق، افغانستان، لبنان و... (ب) نهضت های اسلامی کشورهای تحت سلطه حکومت های استبدادی سکولار

پ) نهضت ها و حرکت های اسلامی مسلمانان در کشورها و مناطقی که اساساً مسلمانان به لحاظ جمعیتی در اقلیت هستند اما به لحاظ جغرافیایی تقریباً متمرکزند؛ نظیر مسلمانان جنوب تایلند، غرب چین و...

ت) حرکت های اسلامی در کشورهایی که مسلمانان در اقلیت و به لحاظ جغرافیایی غیر متمرکزند؛ نظیر مسلمانان کشورهای اروپای غربی، آمریکا و...

در محیط ها و سرزمین های مختلف، علیرغم شباهت کلی در اصل هدف، نمی توان گفت که الزاماً کارکردها و اولویت ها یکسان و هم آهنگ باشد و یا اینکه با توجه به شرایط زمان و مکان، تفاوت هایی با بلاد دیگر نداشته باشد:

الف: در سرزمین های اشغال شده مانند: فلسطین، عراق، افغانستان و... یا تحت فشار و تجاوز دشمن مانند: لبنان و کشمیر و فیلیپین و امثال این ها، بی تردید باید به مقاومت و مبارزه و نبرد مسلحانه برای بیرون راندن دشمن متجاوز، اعم از امپریالیسم، صهیونیسم و یا ارتجاع وابسته، در اولویت کامل قرار گیرد و پی گیری و عملی کردن مسائل بعدی و اهداف نهضت، بستگی تام به پیروزی نهایی بر ضد دشمن دارد...



نهضت اسلامی موجود در جهان اسلام، متأسفانه از لحاظ سازمانی و تشکیلاتی انسجام و ارتباط و تحرک لازم را ندارد. البته در کل، همفکری و هم آوایی در بین آن ها وجود دارد، ولی متأسفانه، شرایط موجود جهانی و داخلی، به آن ها اجازه و امکان ارتباط و تعامل بیشتر و واقعی را نداده است.. و عملاً دیده می شود که جز در سمینارها و همایش های محدود محلی یا عام - مانند مراسم سالانه بزرگداشت تاریخ پیدایش جماعت اسلامی در پاکستان و یا جبهه قومی اسلامی سودان، در زمان حسن الترابی - عملاً نتوانسته است آن انسجام و ارتباط ارگانیک را به وجود آورد و در نتیجه این ارتباط و تعامل، نتیجه مطلوب و مورد نظر را بوجود نیاورده است.

میزان و نوع ارتباط نهضت های اسلامی موجود با یکدیگر (ارتباط سازمانی) را چگونه ارزیابی می کنید؟ موانع نزدیکی و ارتباط و تعامل بیشتر آن ها چیست؟

اجازه دهید نخست بخش اخیر سؤال را پاسخ دهم و آن اینکه آیا نهضت های اسلامی می توانند از طریق انتخابات و به شکل دموکراتیک به قدرت برسند و جامعه اسلامی تشکیل دهند؟ به نظر من امکان تشکیل یک نظام و جامعه اسلامی، از طریق انتخابات در بعضی از کشورها وجود دارد و ترکیه می تواند نمونه روشنی از تحقق این امر باشد.

البته من نمی گویم که در ترکیه امروز، یک حکومت و نظام اسلامی به وجود آمده است، ولی می توان ادعا کرد که اکثریت مسئولین فعلی اداره کشور ترکیه، اسلامگرا و عامل به احکام اسلامی، در زندگی شخصی خود هستند.. اما تغییر یک جامعه لائیک که در آن اهانت! به آتانورک پنج سال زندان دارد و یا دختران مسلمان نمی توانند با حجاب اسلامی در دانشگاه شرکت کنند و امثال این قبیل امور، به این آسانی نیست که ما تصور می کنیم و لابد توجه داریم که یک بار عدنان مندرس نخست وزیر را به خاطر گرایش های مذهبی، ژنرال های وابسته در ترکیه، به بهانه های واهی اعدام کردند و یک بار دیگر تورگوت اوزال را به خاطر ساختن مساجد و مدارس دینی، تحت فشار قرار دادند و بعد به طور ناگهانی؟ درگذشت که برادرش در جرائد ترکیه، مدعی شد که او را به قتل رسانده اند و یک بار هم آقای نجم الدین اربکان رهبر حزب سلامت ملی را مجبور به کناره گیری کردند و تا امروز هم از حق فعالیت سیاسی محروم است و حکم پنج سال زندان او را به علت بیماری و کبرسن، به اقامت اجباری در منزل تبدیل نموده اند.. و آخرین بار هم با پرونده سازی علیه حزب می خواستند اردوغان نخست وزیر و ۷۵ نفر از اعضای دولت و حزب آک پارتی سی را از فعالیت سیاسی محروم سازند و حزب را بطور کلی منحله اعلام کنند که در دادگاه قانون اساسی، با فقط یک رأی اضافی، موفق نشدند...

من خاطره خاصی از اربکان دارم که نقل آن در اینجا بی مناسب نیست: در بحران جنگ عراق علیه ایران، ضیاء الحق کنفرانسی به نام وحدت المسلمین در پاکستان برگزار کرد که از همه بلاد اسلامی، رهبری تقریباً همه حرکت ها و نهضت های اسلامی در آن شرکت داشتند و از ایران هم آیت الله جنتی، آیت الله تسخیری و اینجانب شرکت داشتیم... مجموعه عجیبی بود! روزی پس از پایان کنفرانس، با آقای البرزی از اعضای وزارت خارجه ایران که در آن جا حضور داشت و در کنار من نشسته بود، آقای اربکان با منشی خود، برای تهیه بلیط برگشت به اسلامبول یا آنکارا گفتگو می کرد، - اربکان البته از دوستان قدیمی من بود، ولی در آن موقع چون ما پشت ستونی نشسته بودیم، مرا ندید. - او در پاسخ منشی خود که برنامه پروازهای مختلف را نقل می کرد گفت: من نمی دانم! یک

پروازی انتخاب کن که ما به نماز جمعه برسیم؟ خوب ببینید: یک شخصیت برجسته سیاسی ترکیه، رهبر یک حزب بزرگ که بعد هم به نخست وزیری رسید و آقای اردوغان، شهردار سابق استانبول و رهبر حزب حاکم نیرومند عدالت فعلی و شخصیت های دیگر اسلام گرای معاصر، همگی در واقع از شاگردان او محسوب می شوند و او را - خوجا - (مرشد یا رهبر) می نامند، در حالیکه در سفر است، از راه دور - پاکستان - به فکر رسیدن به نماز جمعه است.. این نشان دهنده ایمان قلبی و روح اسلامی این برادران ترکیه ای است...

بهرحال این ها با روش مسالمت آمیز در انتخابات شرکت کردند و پیروز شدند، ولی بعد حزب آن ها منحل گردید، حزب فضیلت را به رهبری کتن تشکیل دادند که فعالیت آن هم از طرف ژنرال ها! - و البته با رأی ظاهری دادگاه - ممنوع شد.. ولی علیرغم فشار از داخل و خارج، نتوانستند از پیشرفت و حرکت آن ها جلوگیری به عمل آورند. اما اتخاذ همین روش، در الجزایر نتیجه مثبت نداشت. جبهه انقاذ اسلامی، به رهبری برادر عزیز آقای عباسی مدنی پیروز شد - سابقهٔ آشنائی من با

ایشان به چهل سال قبل بر می گردد و او به دعوت اینجانب، در مراسم حج، در حسینیه ارشاد برای حضار سخنرانی کرد... - و من پس از پیروزی در انتخابات هم برای تجدید عهد، از مصر با آقای اصغر محمدی از وزارت امور خارجه به الجزائر رفتم و این پیروزی را به ایشان تبریک گفتم. - اما ژنرال های جبهه، وابسته به امپریالیسم فرانسه، انتخابات را بدون هیچ دلیلی، باطل اعلام کردند، کادر رهبری جبهه را به زندان انداختند و

بعد آنها را به یک درگیری ناخواسته وارد کردند که با قتل عام نیروهای زیده و ارزنده مسلمانان، همراه بود و از سوی دیگر، همین فشار ژنرال ها، موجب پیدایش گروه های سلفی تندرو گردید که از جبهه نجات، انشعاب کردند که به موازات مبارزه مسلحانه! با رژیم حاکم، اعضاء جبهه انقاذ را هم که با آن ها بیعت نمی کردند، ترور کردند.. و حتی یکی از آنان را همراه عده ای که برای وساطت و صلح با جبهه، به کوهها و منطقه نفوذ سلفی های افراطی رفته بودند، به اتهام خیانت و ارتداد!، سر بریدند در حالی که در هیچ برهه از تاریخ بشری "سفیر" و "پیام آور" را به قتل نمی رسانند.

... پس بطور کلی، در همه جا و همیشه نمی توان گفت که روش مسالمت آمیز و دموکراتیک!، نتیجه مثبت و موافقت آمیزی می تواند داشته باشد. بهر حال در هر کشوری باید شرایط و امکانات را بررسی کرد و اقدام نمود. اما توضیح بخش اول سؤال که چرا پس از گذشت سه دهه از وقوع انقلاب اسلامی ایران و الگوگیری بعضی از نهضت ها، هنوز چنین اتفاق مشابهی در نقاط دیگر جهان اسلام رخ نداده است؟ به نظر من دلیل آن اینست که اصولاً پیروزی انقلاب اسلامی ایران با صرف نظر از علل مادی ظاهری، در واقع، یک معجزه غیبی و امداد الهی بود که جرقه آن در ۱۵ خرداد زده شد اما پس از رحلت فرزند امام در نجف، که به قول امام ره آن هم از الطاف خفیه بود به اوج رسید. و برای همین است که در واقع هیچ یک از بزرگان و دوستان مسئول، حتی خود حضرت امام قدس سره، همانطور که در بیانات خود اظهار کرده اند، باور نداشتند که به این زودی پیروزی رخ خواهد داد و جمهوری اسلامی تشکیل خواهد شد. البته

بدون علل ظاهری، پیدایش این انقلاب امکان پذیر نبود و در طلیعه این علل، مسئله رهبری و مرجعیت قرار دارد که اگر آن را نداشتیم، پیروزی در کوتاه مدت عملی نبود.

یعنی بدون تردید مرجعیت مذهبی و مقام معنوی امام خمینی، و هزاران شاگرد تربیت شده ایشان در حوزه های قم و نجف و پراکندگی آنان در سراسر ایران، در اوج گیری فریاد انقلاب و گسترش شعله آن، نقش تأثیرکننده و اساسی داشت... و از سوی دیگر پیروی مردم از رهنمودهای چنین رهبری، به عنوان انجام تکلیف و وظیفه شرعی، پایه و اساس رشد و پیروزی بود.. اگر مردم ایران مسلمان نبودند و به دستور رهبری - به عنوان یک وظیفه شرعی - به مقاومت خود ادامه نمی دادند، رژیم شاهنشاهی شکست نمی خورد.. از همین جا می توان فهمید که چرا در بلاد اسلامی دیگر اتفاق مشابه دیگری رخ نداده است؟...

به طور کلی، حرکت ها و نهضت های اسلامی در دنیای عرب و جهان اسلام فاقد رهبری، مانند امام خمینی هستند.. و در هر کجا هم که رهبری تالی تلو امام و - در مرحله ای کوچکتر - وجود داشته یا بوجود آمده، بلافاصله یا به قتل رسیده و یا به نحوی از صحنه حذف شده اند. نمونه روشن آن در مصر، ترور شیخ حسن البنا، مؤسس حرکت اسلامی اخوان المسلمین در زمان شاه فاروق بود که به درخواست سفارت انگلیس و امریکا انجام گرفت (طبق اسنادی که هم اکنون در مصر منتشر شده است) و سپس در مرحله بعدی، محاکمه قلابی رهبران برجسته اخوان المسلمین در دادگاه های سفارشی نظامی

که دادستان یکی از آن ها انور سادات بود، عناصر ورزیده و فرهیخته و دانشمند اخوان به دستور رسمی عبدالناصر (که متأسفانه هنوز عده ای از او به نیکی یاد می کنند در حالی که بزرگترین و فاجعه بارترین ضربه را بر حرکت های اسلامی جهان عرب زد) اعدام شدند.

سپس در عراق شهید آیت الله سید محمد باقر صدر که نمونه ای دیگر از رهبری امام گونه بود، توسط صدام جنایتکار بعثی به شهادت رسید.. و یا دهها نفر از شاگردان و علمای معروف حوزه های عراق به طور علنی اعدام و یا به نحوی، مفقودالثر شدند.

در لبنان، امام موسی صدر که رهبری شیعیان را به عهده داشت و آموزگار مقاومت و مبارزه مسلحانه علیه اشغالگران صهیونیست بود، در لیبی سرهنگ قذافی، انقلابی قلابی و چپ گرای وابسته به امپریالیسم، مفقود گردید که پس از سی سال، هنوز از سر نوشت ایشان خبری در دست نیست.. و در فلسطین، شیخ یاسین، رهبر حماس توسط موشک اسرائیلی به خاک و خون کشیده شد و دهها نفر از رهبران آن نیز بطور علنی توسط اسرائیل ترور شدند.. و همینطور در بلاد دیگر که نقل همه نمونه ها مقدور نیست...

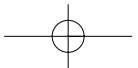
بدین ترتیب باید گفت که دشمن - امپریالیسم در کلیت خود و مزدوران آنان در اغلب بلاد عربی و اسلامی، از پیروزی انقلاب اسلامی عبرت گرفت! و به سرکوب رسمی و همه جانبه پرداخت و امکان پیروزی را از ملت های یاد شده سلب کرد... غیر از مسئله قاطعیت و تسلیم ناپذیری رهبری که در درجه نخست از اهمیت قرار دارد، مسئله اختلافات داخلی حرکت ها و غیر خالص بودن اندیشه ها هم در عدم تحقق پیروزی، نقش عمده ای دارد.

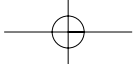
برای نمونه می توان از افغانستان نام برد.. حرکت ها و نهضت های اسلامی افغانستان برای جهاد علیه اشغالگران روسیه شوروی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی آن کشور را اشغال نمودند قیام کردند و متحد شدند و در دفاعی خونین، سرانجام امپریالیسم شوروی را شکست داده و نیروهای اشغالگر را وادار به فرار نمودند، اما پس از آن، در رسیدن به کرسی قدرت، با هم اختلاف پیدا کردند تا آنجا که گلبدین حکمتیار که همراه برادر عزیزمان برهان الدین ربانی، رهبری جناح اخوانی را در افغانستان به عهده داشتند، فقط به انشعاب و تشکیل سازمانی جدید بسنده کرد، بلکه علیه حکومت جدید به قیام مسلحانه پرداخت و حتی موشک های آقای حکمتیار مدت چندین ماه کابل را هدف قرار داد.. و زنده یاد شهید احمدشاه مسعود در سفری به ایران در حدیثی گفت که اگر امکانات دفاعی لازم نداشته باشیم باید کابل را ترک کنیم... و چنین نیز شد.

و بعدها نیز این ناخالصی ها و رفتارهای غیر مشروع اغلب حرکت ها و عدم توجه به خواست واقعی مردم، باعث شد که طالبان از فرصت استفاده کنند و به قدرت برسند و به ظاهر به کمک مردم بیایند و امنیتی برقرار کنند، ولی آن ها با پیروی از سلفی گری افراطی، و حشیاانه به قتل عام شخصیت های مخالف، بویژه شیعیان پرداختند که اعدام شیخ مزاری و قتل عام مسلمانان شیعه در مزارشریف، نمونه ای از آن بود. البته پیروزی حرکت سلفی طالبان، پای نیروهای سلفی عربی را به افغانستان باز کرد و القاعده بوجود آمد و نتیجه اقدامات آنان هم اشغال مجدد افغانستان و این بار توسط امپریالیسم امریکا و هم پیمانان غربی و شرقی آن بود که متأسفانه هنوز هم فجایع و جنایات آن ها، همه روزه، ادامه دارد. به هر حال فقدان رهبری متعهد، عدم وحدت نظر در میان آنها، دوری مردم از آنان و حب جاه و مقام و کرسی ریاست!، به اضافه شرایط سیاسی خارجی، از عوامل اصلی عدم پیدایش پیروزی های مشابه گردید.

چرا پس از گذشت سه دهه از وقوع انقلاب اسلامی ایران و الگوگیری برخی نهضت های اسلامی منطقه علی رغم تلاش برخی برای ایجاد انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان، چنین اتفاقی در هیچ نقطه دیگری از جهان اسلام نیفتاده است؟ به اعتقاد شما آیا اساساً ممکن است نهضت های اسلامی از طریق انتخابات و به شکل دموکراتیک به قدرت برسند و حکومت و جامعه اسلامی تشکیل بدهند؟

حوزه مطالعات و بررسی تاریخ، اندیشه، عملکرد حرکت ها و نهضت اسلامی یک قرن اخیر و معاصر و یا تحلیل علمی اندیشه رهبری آنان از سید جمال الدین حسینی تا حسن البنا، ابوالاعلی مودودی، سید قطب، حسن ترابی، ملاسعید نورسی، راشد الغنوشی و... متأسفانه در شکل مطلوب علمی - آکادمیک انجام نگرفته است... اغلب مردم مسلمان ایران - و کشورهای اسلامی دیگر - شناخت دقیق و عمیقی از تاریخ و اندیشه و عملکرد حرکت های اسلامی موجود ندارند، تا چه رسد به اینکه این شناخت با واقعیات خارجی منطبق باشد. از آن اسف انگیزتر اینکه در دنیای نخبگان ما! هم که نمی خواهم بگویم که چه کسانی هستند؟ اصولاً اهتمامی به این امر داده نمی شود. و گویا این امر خارج از حوزه فعالیت آنها به حساب می آید... مثلاً نخبگان حوزوی - حتی روشنفکران آن ها- همچنان به ادامه راه پیشینیان به بحث های فقه و اصول مشغولند و نخبگان دانشگاه و غیر حوزوی هم در برج عاج - و شیشه ای - خود نشسته اند و فقط از همه چیز "انتقاد" می کنند و اصولاً این مسئله را بمثابة یک مسئله حیاتی عصر ما تلقی نمی کنند!





آیت الله مکارم شیرازی:

برخی قصد رواج بد حجابی را دارند؛ باید بیدار باشیم

عنوان عهده دار مسائل اخلاقی جامعه باشیم. وی خاطرنشان کرد: طبق اخبار واصله برخی به صورت تشکیلاتی و برنامه ریزی شده قصد دارند تعدادی از زنان را در مناطق مختلف کشور به صورت بدحجاب نشان دهند تا بدحجابی در کشور رواج یابد، البته این مسئله مبارزه با حجاب نیست، مبارزه با اصل نظام است که باید بیدار و هوشیار باشیم. وی در پایان گفت: وظیفه من گفتن و دنبال کردن است، دیگران نیز که احساس مسئولیت می کنند باید دست به دست هم دهند تا این مسائل به جایی برسد.

این مرجع تقلید تصریح کرد: باید متولی برای امور اخلاقی جامعه تعیین شود و در قانون اساسی به تشکیلات امر به معروف و نهی از منکر اشاره شده؛ و اگر با برنامه ریزی وزارت امر به معروف و نهی از منکر تشکیل شود عهده دار مسائل اخلاقی جامعه خواهد بود؟ این مرجع تقلید اظهار کرد: باید با برنامه ریزی وزارت یا نهادی برای رسیدگی به مسائل اخلاقی جامعه تشکیل شود و امیدوارم نمایندگان مجلس، حوزه های علمیه، مراجع، ائمه جمعه، رسانه ها و سایر مسئولین دنبال این جریان را بگیرند که روزی شاهد تشکیل نهاد امر به معروف و نهی از منکر به

و فرهنگی عدم توجه به مسایل اخلاقی است چون وقتی اخلاق نباشد، رشوه خواری، مواد مخدر، قاچاق، بی حجابی، طلاق و ... افزایش می یابد. آیت الله مکارم شیرازی گفت: علت اساسی بروز مسائل و مشکلات اخلاقی، عدم وجود متولی برای امر اخلاق در جامعه است به طوری که دستگاه قضایی وظیفه رسیدگی به جرم مجرمان را بر عهده دارد، وظیفه اصلی نیروی انتظامی هم که نیست، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز کارش انتشار کتاب، سینما، فیلم و رسیدگی به امور رسانه ها است؛ پس چه کسی متولی امر اخلاق در جامعه است؟

آیت الله مکارم شیرازی با بیان این که اخلاق در کشور متولی خاصی ندارد و رها است، گفت: مسائل و مشکلات اخلاقی در جامعه به صورت نگران کننده ای رو به افزایش است و فساد اخلاقی در برخی جاها سرایت کرده است.

این مرجع تقلید در ابتدای درس خارج فقه بیان کرد: مسائل اخلاقی در این ایام مورد تهاجم شدید دشمنان واقع شده و با تمام توان از طریق سایت و ماهواره و پیام های مختلف، مرتب سم پاشی ضد اخلاقی می کند و متأسفانه به آن توجهی نداریم.

وی ادامه داد: منشأ مشکلات اقتصادی، سیاسی

حجت الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی نجفی

برخی از منابع شیعی به ثبت جهانی یونسکو می رسد



ساختمان جدید این مرکز علمی بودجه کافی را در اختیار مان قرار دهد.

این استاد حوزه افزود: در دوران رهبری حضرت آیت الله خامنه ای هم این کمک ها استمرار داشت و علاوه بر آن مسئولان نیز عنایت ویژه ای به این مجموعه داشتند.

وی گفت: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) هم اکنون با ۴۰۰ مرکز علمی و کتابخانه مهم دنیا ارتباط دارد و علاوه بر آن از نقاط مختلف دنیا برای بازدید از این کتابخانه مراجعه می کنند، چرا که بسیاری از منابعی که اکنون در این کتابخانه موجود است، در جای دیگری یافت نمی شود.

کار می شدم، از بیوت مراجع و علما نماز و روزه استیجاری می گرفتم و توانستم با این کارها در آمدی را برای خود فراهم نمایم، تا بتوانم نسبت به خرید کتاب ها اقدام و دست نفوذی انگلیس را کوتاه کنم.

این استاد حوزه ادامه داد: آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) تا آخر عمر نسبت به جمع آوری منابع اصیل شیعه و کتب دیگر اهتمام خاصی داشتند.

حجت الاسلام و المسلمین مرعشی نجفی اظهار داشت: با و جود این که این مرجع بزرگ ۷۰ سال در حرم حضرت معصومه (س)، اقامه نماز کردند و برای ایشان قبری در کنار ضریح حرم معین شده بود، اما ایشان خواستند که قبرشان در راه روی کتابخانه و در زیر پای جویندگان علم آل محمد (ص) باشد.

وی بیان داشت: حضرت امام خمینی (ره) روزی به بنده گفتند می خواهند در جهت رشد و توسعه این کتابخانه ارزشمند کمک کنند و برای این مهم، دولت را موظف کردند تا برای احداث

به منابعی که توسط بعضی از ظالمان از بین رفته است، وجود داشت، نیازی به کتب دیگر احساس نمی شد.

وی ابراز داشت: بسیاری از کتاب ها در دوران صفویه و حتی قبل از آن از بین رفت؛ چرا که صفویان می خواستند با از بین بردن نسخ اصلی کتاب ها، آنها را به نام خود ثبت کنند.

وی تصریح کرد: متأسفانه به همین دلیل امروزه ما در بسیاری از جاها متهم هستیم که کتب اربعه شیعه موجود، نسخه تقلبی دوران صفویه است.

وی در تشریح روند جمع آوری کتاب توسط حضرت آیت الله مرعشی نجفی (رحمة الله علیه) گفت: پدرم نقل می کرد در ایام جوانی که در نجف حضور داشتم، شخصی وابسته به استعمار انگلیس، کتاب هایی از علمای فوت شده که به حراج گذاشته می شد را خریداری می کرد؛ من به خاطر این که بتوانم در حد خود که در آن زمان یک طلبه با در آمدی بسیار پایین بودم با او مقابله کنم، یک و عده از غذای خود را حذف کردم، شب ها مشغول

تولیت کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) گفت: در این کتابخانه منابع اصلی و نسخ خطی دو جلد استفسار، دو جلد کافی و بعضی از کتاب های قرن ۶ هجری قمری وجود دارد که به زودی به ثبت یونسکو خواهند رسید.

حجت الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی نجفی در دیدار کارکنان و مسئولان مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه های علمیه، اظهار داشت: باید کتبی که از علمای گذشته با شرایط سخت روزگار قدیم نگاشته شده اند را قدر بدانیم.

وی با بیان این که متأسفانه مراکزی چون کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در کشور ما مهجور هستند، گفت: حتی می توان گفت که در بعضی از نقاط خارج از کشور، این کتابخانه شناخته شده تر از ایران است.

فرزند ارشد آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) با ابراز تأسف از عدم دسترسی به منابع اصیل شیعه که در اثر دخالت های استعمار از بین رفته اند، خاطر نشان ساخت: اگر امروزه دسترسی

آیت الله نورمفیدی:

منکرین حجاب «مرتد» محسوب می شوند

کرد: سخت گیری ها در زمینه حجاب مخرب است، وقتی ما یک چیزی را که از نظر اسلام حلال است، ممنوع اعلام کنیم و دایره را بر آنها تنگ کنیم، نباید انتظار داشته باشیم که مخاطب ما حرف اسلام را از ما بپذیرد.

امام جمعه گرگان گفت: باید معیارهایی را که اسلام بر آن تکیه کرده و از صراط مستقیم ما به شمار می آید را اصل قرار داده و بر روی آن محکم بایستیم و آن چیزی را که اسلام منع نکرده است نباید با افراط و تفریط منع کنیم.

اگر کسی منکر آن باشد و این انکار، سر از انکار رسالت در آورد، وی مرتد محسوب می شود.

آیت الله نورمفیدی اضافه کرد: در این زمینه نباید به برگزاری جلسات اکتفا کنیم، بلکه باید با ارائه راهکارهای متعدد این برنامه ها را در عرصه عمل عملیاتی کنیم.

وی گفت: البته در راستای این امر مهم شیوه های سخن و رفتار با مردم مهم است و باید با زبان خودشان با آنها صحبت کنیم.

نماینده ولی فقیه در استان گلستان تصریح

می خواری از معضلات اجتماعی به شمار می آید، افزود: اما هیچ یک از معضلات اجتماعی به اندازه بدحجابی جاذبه ندارد.

امام جمعه گرگان خاطرنشان کرد: بدحجابی از طرفی حربه استعمار است که باندهای صهیونیست و استعماری به دنبال عمومی کردن آن در جامعه ما هستند و این بهترین راه برای رسیدن به اهدافشان است که در نظر گرفته اند.

نماینده مردم استان گلستان در مجلس خبرگان رهبری افزود: حجاب از ضروریات دین ماست و

نماینده ولی فقیه در استان گلستان گفت: حجاب از ضروریات دین ماست و اگر کسی منکر آن باشد و این انکار، سر از انکار رسالت در آورد، وی مرتد محسوب می شود.

به گزارش روابط عمومی دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان گلستان، آیت الله سیدکاظم نورمفیدی در نشست ائمه جمعه شیعه و سنی استان پیرامون حجاب اظهار داشت: هیچ یک از معضلات اجتماعی، به اندازه بدحجابی جاذبه و کشش ندارد. وی با اشاره به این که اعتیاد، قماربازی و

استاد حوزه علمیه:

فتوای تاریخی میرزای شیرازی نتیجه تلاش های سید جمال الدین اسدآبادی بود

آثارش، از وی آثار کمی باقی مانده است و وی در فقه و اصول تالیفی ندارد.

نویسنده کتاب قواعد استنباط با اشاره به نقش آفرینی سید جمال الدین اسدآبادی در توجه دادن میرزای شیرازی به مساله تنباکو، گفت: سید جمال الدین با تبیین معاهده ننگین تنباکو، اثرات مخرب آن را بر مسلمانان بیان کرد و میرزای شیرازی فتوای تاریخی خود مبنی بر حرمت تنباکو را صادر کرد.

طرح اولیه بحث، به اشکالات شاگردان می پرداخته و بعد از جمع آوری آراء و نظرات، آن را منقح می کرده است بنابراین در مکتب میرزا به نظرات شاگردان بسیار توجه می شده است.

حجت الاسلام اسلامی با بیان اینکه میرزای شیرازی از دقت خاصی در بحث های علمی برخوردار بوده است، ادامه داد: به علت دقت بالا و بیان عدم رضایت میرزا برای جمع آوری بعضی

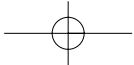
بود. وی با سفر به سامراء، حوزه علمیه شیعه را در آنجا راه اندازی کرد.

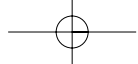
وی ادامه داد: شیخ انصاری با وجو انبوه شاگردانی که داشت، گفته بود من برای سه نفر درس می گویم، میرزای شیرازی، میرزا حبیب الله رشتی و میرزا نجم آباد تهرانی.

این پژوهشگر حوزه اظهار داشت: معروف است که میرزای شیرازی صاحب مکتب در فقه بوده است. شیوه میرزا بر این بوده که بعد از

نویسنده کتاب قواعد استنباط گفت: میرزای شیرازی از شاگردان خاص شیخ انصاری و از پایه گذاران مکتب فقهی سامراء بود.

حجت الاسلام رضا اسلامی، نویسنده و پژوهشگر حوزه علمیه قم در گفت و گو با رسا، با اشاره به سالروز لغو امتیاز تنباکو به دلیل فتوای میرزای شیرازی، گفت: میرزای شیرازی از شاگردان محمد تقی اصفهانی، کاشف الغطاء و شیخ انصاری و بعد از شیخ، مرجعیت به او رسیده





رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

برخی از ولایتمداران ظاهری به تشیع ضربه می زنند



رئیس دفتر تبلیغات اسلامی گفت: اقدامات ناآگاهانه برخی از مداحان و ولایت‌مداران ظاهری در داخل کشور باعث تشدید ضربه به شیعه شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین ربانی در نشست مجمع عمومی طلاب استان کهگیلویه و بویر احمد در مدرسه عالی دارالشفاء قم، اظهارداشت: با توجه به اینکه ارزش هر انسان به فکر اوست

وطلبگی نیز باجان و روح انسانها سرو کار دارد، بنابراین طلبگی ارزشمندترین شغل دنیا محسوب می‌شود و طلاب باید این فرصت را غنیمت شمرده و نهایت بهره را از آن ببرند.

رئیس دفتر تبلیغات اسلامی با اشاره به رسالت خطیر طلاب و روحانیون در هدایت جامعه وگسترش معارف اسلامی و علوم اهل‌بیت(ع) افزود: امروز مکتب اهل‌بیت(ع) بیش از هر زمانی مورد تهاجم قرار گرفته و وظیفه طلاب را در این برهه از زمان سنگین‌تر نموده است.

وی ادامه داد: گسترش معارف اهل‌بیت(علیهم السلام) در بین مردم جهان باعث نگرانی استکبار و در راس آنها وهابیون شده، به طوری که از هر طریق ممکن به دنبال ضربه زدن به تشیع هستند و در این راستا نظام و مردم ایران در راس این حملات قرار

رییس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه:

روحانیت هادی جامعه از انحرافات

دچار سر در گمی کرده، محتوای فرهنگی است.

وی ادامه داد: اغلب موسساتی که در عرصه فرهنگ در حال فعالیت هستند هیچ کار نو و جدیدی که دارای محتوا و مطالب تازه‌ای باشد، تولید نمی‌کنند و تنها مطالب کتاب‌ها را تجدید چاپ یا به شکل‌های مختلفی تحویل جامعه می‌دهند.

حجت‌الاسلام والمسلمین نواب با انتقاد از اقامت و حضور طولانی روحانیون در قم ادامه داد: ماندن طلاب در قم هیچ‌گونه توجیهی ندارد، آنان باید به مناطق محروم هجرت کنند تا نیاز مساجد به روحانی برطرف شود. رییس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه، از طرح تامین مسکن روحانی در آینده‌ای

حجت‌الاسلام والمسلمین نواب گفت: روحانیت باید با انجام کارهای پژوهشی و عملی، جامعه را از معضلات فرهنگی، دینی و انحرافات عقیدتی و فکری نجات دهد.

رییس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه درگردهمایی طلاب و روحانیون ایلام که در نمازخانه دفتر تبلیغات اسلامی در قم برگزار شد، گفت: در گذشته برای انجام کارهای فرهنگی و فعالیت‌های دینی، به لحاظ مالی با مشکلات بسیاری روبرو بودیم ولی از نظر محتوا قوی عمل می‌کردیم. حجت‌الاسلام والمسلمین نواب یادآور شد: هر چه جلوتر می‌رویم بودجه‌های فرهنگی بیشتر شده و از نظر مالی دچار مشکل نیستیم؛ اما آنچه بیشتر جامعه را

رییس پژوهشکده انتظار نور هشدار داد

نفوذ جریان‌های مغرض به عرصه مطالعات مهدوی

لک با بیان این که مهدویت پژوهی یک حوزه مطالعاتی بین رشته ای نیست، گفت: لازمه حضور در این عرصه مطالعه مهدویت پژوهی، اشراف به رشته‌های دیگر همانند علم کلام، تفسیر، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و... است. این استاد حوزه علمیه قم، با

بیان این که در سالهای اخیر به بحث مهدویت بیشتر اهمیت داده می‌شود، خاطرنشان کرد: متأسفانه کسانی با در پیش گرفتن راه افراط، در این بحث انحراف ایجاد کرده‌اند.

وی ادامه داد: در بسیاری از بحران‌های امروزی که افراد خود را می‌بازند، انتظار فرج می‌تواند بزرگترین و بهترین امید یک انسان در زندگی باشد؛ از این رو می‌طلبد که به مطالعات مهدویت پژوهی اهتمام خاصی شود.

این استاد حوزه و دانشگاه با بیان این

دارند.

وی ابراز داشت: گسترش رادیوها و شبکه‌های تلویزیونی بیگانه، سایت‌های اینترنتی، انتشار کتب و ساخت فیلم‌های فراوان به زبان فارسی علیه تشیع گواه این مطلب بوده و این امر یک خطر بزرگ به شمار می‌رود.

رییس دفتر تبلیغات اسلامی با انتقاد از کم کاری صدا و سیما؛ مطبوعات و برخی ارگان‌های دولتی در زمینه فعالیت‌های تبلیغی دینی گفت: امروز وظیفه سنگین هدایت و آگاهی بخشی به مردم، به خصوص جوانان در برابر توطئه‌های دشمنان، در مرحله اول به عهده طلاب و روحانیون است.

وی در پایان از طلاب خواست تا در فراگیری علوم دینی خود، همت مضاعف داشته باشند و با به روز کردن اطلاعات خود در امر تبلیغ، براحتی هر شبهه‌ای را پاسخ دهند.



نزدیک خبر داد و خاطرنشان ساخت با اجرای این طرح، طلاب متهالی که وارد قم می‌شوند برای مدت معینی در منازل استیجاری اسکان داده می‌شوند ولی شرط آن هم این است که بعد از مدت معین می‌بایست برای تبلیغ به مناطق مختلف و روستاها هجرت کنند.

آیت الله مقتدایی:

وجود شبهات معرفتی، ویران گر است



مدیر حوزه‌های علمیه گفت: شبهاتی که در مسائل اعتقادی مطرح می‌شود، منحرف کننده و ویران گر است و اعتقادات مردم را مورد هدف قرار می‌دهد.

آیت‌الله مقتدایی، در دیدار اعضای انجمن معرفت‌شناسی حوزه تأکید کرد: باید رسالت حوزه مبنی بر حفظ اعتقادات مردم را با نهادهای ساختن مسائل معرفتی اجرایی کنیم.

وی با ممتاز خواندن انجمن معرفت‌شناسی حوزه، گفت: با توجه به اهمیت این انجمن و

علی‌رغم تلاش‌هایی که انجام شده، اما هنوز، معرفت‌شناسی در حوزه جایگاه خود را پیدا نکرده است.

مدیر حوزه‌های علمیه، تدوین چشم انداز انجمن معرفت‌شناسی را یکی از نیازهای این انجمن دانسته و ادامه داد: اعضای این انجمن باید در نشست‌هایی، با هم‌فکری و همکاری، طرحی کارشناسانه برای معرفی و تشریح فعالیت‌های این انجمن و برنامه‌های آن ارائه نمایند.

عضو خبرگان رهبری با اشاره به اهمیت حمایت اساتید و بزرگان حوزوی از انجمن معرفت‌شناسی، گفت: زمانی که علما و فضایی مطرح حوزه اهمیت فعالیت‌های این انجمن را تبیین نمایند و به عضویت آن در آیند، افراد بیشتری از برنامه‌های آن استقبال می‌کنند.

وی اضافه کرد: با توجه به آسیب‌هایی که از شبهات معرفتی و اعتقادی مطرح می‌شود، باید تلاش شود تا این شبهات را جمع‌آوری و به آنها پاسخ داد.

مدیر حوزه‌های علمیه راه‌اندازی نشریه انجمن معرفت‌شناسی را ضروری برشمرد و عنوان داشت: با انتشار نشریه، هم می‌توان به شبهات این عرصه پاسخ گفت و هم طلاب را برای پاسخ‌گویی آماده ساخت.

رییس جامعه‌المصطفی

به دنبال تحمیل تشیع به سایر مذاهب اسلامی نیستیم

جامعه‌المصطفی به عنوان نهادی حوزوی و بین‌المللی، جهانیان را با آموزه‌ها و تعالیم اهل‌بیت(ع) آشنا می‌کند و به دنبال تحمیل آیین تشیع به دیگر مذاهب اسلامی نیست.

حجت‌الاسلام والمسلمین اعرافی، صیانت از آرمان‌های انقلاب، اندیشه‌های امام(ره) و مقام معظم رهبری و حفظ ارزش‌های حوزه را رویکرد جامعه‌المصطفی در برنامه‌های خود اعلام کرد. وی تأکید کرد: باید با دقت، از ارزش‌ها، ارکان و اصول بنیادین اسلام دفاع کرد و طلاب را نیز با این نگرش تربیت نمود.

وی خاطرنشان کرد: جهت‌گیری جامعه‌المصطفی در مسیری است که امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری مشخص کردند، از این رو، باید از هر سخنی که این روند را نفی کند، اجتناب نمود.

رییس جامعه‌المصطفی با اشاره به این که این مرکز آموزشی نیز مانند حوزه، منتشر کننده معارف اهل‌بیت(علیه‌السلام) است، تصریح کرد: وظیفه این نهاد برطرف ساختن نیازهای شیعیان، ارائه تعالیم و آموزه‌های آن به جهانیان و حفظ وحدت اسلامی است.

وی افزود: علمایی که برای هدایت بشر تلاش می‌کنند، در مسیری گام برمی‌دارند که پیامبران الهی و ائمه اطهار(علیهم‌السلام) آن را طی کرده‌اند.

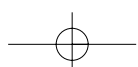
حجت‌الاسلام والمسلمین اعرافی یادآور شد: خداوند به برکت انقلاب و جانفشانی مجاهدان، دروازه‌های علمی را برای ما گشوده است تا پرچم اهل‌بیت(علیهم‌السلام) را برداریم و جهانیان را با تعالیم اسلامی آشنا کنیم.

وی در تبیین سیره تدریس و تعلیم شهید مطهری، گفت: داشتن طرح برای سخنرانی، نگاه جامع به موضوع، مهارت در ارتباط دادن مسائل مختلف علمی با نیازهای روز جامعه، اهتمام به ارائه پاسخ کامل به پرسش‌ها، شور و نشاط در تدریس، از جمله ویژگی‌های شهید مطهری بود.

رئیس جامعه‌المصطفی اضافه کرد: سیره تدریس شهید مطهری برای تمامی نهاد‌های علمی، الگوی برجسته‌ای است که با توجه به آنها، می‌توان کارهای ارزشمندی را در مسائل آموزشی انجام داد.

وی با اشاره به لزوم حفظ سنت‌های درست آموزشی حوزه در جامعه‌المصطفی، گفت: برخی از سنت‌های حوزه مانند مباحثه، رابطه استاد و شاگرد، روابط صمیمانه با طلاب، توجه به تقویت متن خوانی در دروسی که مبتنی بر متن است، توجه به پرسش‌های طلبه و رفع ابهامات از جمله سنت‌هایی است که باید در جامعه‌المصطفی احیا شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین اعرافی افزود: در این مرکز علمی پژوهان بیش از صد ملیت، با زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف حضور دارند و ممکن است به دلیل اختلاف فرهنگ ایران، با پرسش‌هایی مواجه شوند در این شرایط اساتید نقش ویژه‌ای در رفع ابهامات دارند.



ابعاد علمی و عملی شخصیت حضرت فاطمه(س)

حضرت آیت الله جوادی آملی

تماسی نداشتند، مگر اینکه آن غذا به صورت نطفه در بیاید، آن میوه آسمانی و غیبی و بهشتی. آن میوه غیبی و بهشتی وقتی در صلب مطهر رسول اکرم [صلی الله علیه و آله وسلم] به صورت نطفه فاطمه (سلام الله علیها) درآمد در قرار مکین خدیجه (سلام الله علیها) مستقر شد؛ پس وجود مبارک این بانو نظیر افراد دیگر (نظیر مردها یا زنهای عادی نیست) که نطفه آنها محصول آب و غذا و میوه زمین باشد [و] از زمین برخاسته باشد. همان طوری که قرآن نظیر کتابهای بشری نیست که محصول فکر بشر باشد، نطفه وجود مبارک فاطمه (سلام الله علیها) هم محصول آن میوه غیب است (میوه بهشت است) از زمین برخاست، منتها این چند سالی که طول کشید تا این نطفه مستقر بشود، این مقدمه انعقاد نطفه است. باید وحی نازل بشود، باید پیامبر به آن مقام وحی یابی برسد، باید آن انقطاع وحی به عنوان آزمون فرا برسد، باید نوبت معراج فرا برسد، باید پیغمبر به معراج برود، باید در معراج آن میوه بهشتی را میل کند بعد آن نطفه بشود تا بشود فاطمه، وقتی هم که از معراج آمدند یک سال یا کم تر طول کشید تا وجود مبارک فاطمه (سلام الله علیها) متکونه بشود، این طلیعه پیدایش و تجلی آن بانو در عالم طبیعت است.

همراهی حضرت زهرا (سلام الله علیها) با قرآن در نشئه دنیا

ضلع دوم این مثلث آن است که حالا چون ۲۳ سال این قرآن به تدریج نازل شد؛ این پنج سال اول تقریباً مقدمه بود برای پیدایش چنین معراجی و چنان میوه‌ای و چنین نطفه‌ای، همراه با نزول آیات و سور و معارف قرآن کریم این بانو ترقی می کرد. اگر دو ساله بود در شعب ابی طالب، با آن آیات و مشکلاتی که نازل می‌شد ترقی می‌کرد و اگر چند سال در مکه تشریف داشتند، با آیات مکی مترقی می‌شدند و اگر چند سال در مدینه تشریف داشتند، با آیات مدنی مترقی می‌شدند.

راههای ارتباط حضرت زهرا (سلام الله علیها) با قرآن

وجود مبارک فاطمه (سلام الله علیها) از چندین راه با قرآن رابطه داشت (گاهی مستقیم، گاهی غیر مستقیم) مستقیمش هم دو نحو بود یک نحو مستقیمش این بود که از وجود مبارک پیغمبر (علیه و علی آله آلاف التحية و الثناء)، آیات را، تلاوت آیات را، تعلیم کتاب و حکمت را، تزکیه را (این چهار کار را) که وظیفه رسمی پیغمبر بود فرا می‌گرفت یَتْلُوا عَلَيْهِمْ آیاتَهُ یُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَیُزَكِّیْهِمْ ؛ این چهار برنامه را مستقیماً از مشهد و مکتب و محضر پدر بزرگوارش استفاده می‌کرد و هر روز این دو شاگرد را به پیشگاه رسول گرامی می‌فرستاد یعنی حسن و حسین [علیهما السلام] سفیران فاطمه بوده‌اند. اینکه در آن قصه هست وجود مبارک امام حسن [علیه السلام] گزارش می‌داد بعد عرض کرد مادر امروز گویا یک بزرگواری مرا می‌بیند «قُلْ بَیَّانٍ وَ كُلْ لَسَانِی لَعَلْ سَیِّدًا یرْعَانِی» این قضیه فی واقعه نبود که یک روز گزارش داده باشد، هر روز گزارش می‌دادند، منتها آن روز وجود مبارک علی بن ابی طالب (سلام الله علیه) از پشت در یا پرده، ناظر صحنه بود. هر روز وجود مبارک فاطمه (سلام الله علیها) حسنین [علیهما السلام] را به مشهد و به محضر و به مکتب پیغمبر می‌فرستاد، بعد از آنها استطاق می‌کرد که امروز چه آیه‌ای نازل شد؟ پیغمبر چه فرمود؟ آیه را چنین معنا کرد، چنان معنا کرد این آیه را با آن آیه چگونه هماهنگ کرد؟ اینها هم را گزارش می‌دادند. در تکمیل گزارش با پدر بزرگوارش هم مذاکره می‌کرد. سفیر سومی که وجود مبارک فاطمه (سلام الله علیها) داشت علی بن ابی طالب بود که باب مدینه علم بود . آن هم

درباره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از دو محور باید سخن گفت: یک محور، مربوط به تحقیقات علمی است که برای ما ثمره علمی دارد و نتیجه اعتقادی دارد و پشتوانه مسائل اخلاقی، فقهی، حقوقی ما، هم هست. محور دوم، آن بخشی است که مستقیماً به ما مربوط است، ما باید تأسی کنیم، او را اسوه قرار بدهیم، الگو بدانیم، پیروی کنیم و مانند آن. آن بخشی که مربوط به مسائل اعتقادی است و ثمره علمی دارد بررسی مقام منبع آن بانو (سلام الله علیها) است که او همتای قرآن کریم است، همتای نبوت است، همتای رسالت است، همتای ولایت است؛ چیزی از ولی الله مطلق کم ندارد، اینها یک نورند و مانند آن. این گونه از مباحث به هر نتیجه‌ای که منتهی بشود برای ما ثمره اعتقادی دارد، ثمره علمی دارد، اما نتیجه عملی ندارد؛ زیرا ما نه آن توان را داریم که آن حضرت را در ولایت مطلقه [و] همتایی قرآن، الگو قرار بدهیم؛ نه چنین مأموریتی داریم. بخش دوم مربوط به سیره و سنت آن حضرت است که ما هم موظفیم بررسی کنیم و هم مأموریم پیروی کنیم.

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) همتای قرآن در مقام حدوث و بقاء

آن بخش اول به طور اجمال اینجا مطرح می‌شود؛ نه به طور تفصیل برای اینکه پشتوانه علمی بخش دوم خواهد بود، سر اینکه این بانو (سلام الله علیها) حجت بر ائمه (علیهم السلام) است و اگر علی بن ابی طالب (سلام الله علیه) نبود، احدی همتای آن حضرت نبود «آدم و من دونه» این است که او [فاطمه] مثل خود قرآن کریم در مقام حدوث و بقاء شکل گرفت؛ قرآن از زمین برخاست (از فکر کسی تدوین نشد، هیچ عالم بشری این قرآن را تدوین و تنظیم نکرد. سورش، آیتاش، معارفش [و] مفاهیمش را بررسی و انشا نکرد) مستقیماً از جهان غیب نازل شد و در طی ۲۳ سال ماند و برای ابد جای خود را تثبیت کرد، این سه کار را قرآن کرد یعنی از زمین برخاست [بلکه] از آسمان نازل شد اولاً و نزولش هم ۲۳ سال طول کشید، ثانیاً و ماند که برای ابد بماند، ثالثاً، این طور نیست که معاذالله قابل زوال باشد، از بین رفتنی باشد: لَا یَأْتِیْهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَیْنِ یدَیْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ . انسان کامل مخصوصاً فاطمه زهراً (سلام الله علیها) هم، وقتی هویت آن حضرت را ارزیابی می‌کنیم می‌بینیم در همین مثلث خلاصه می‌شود: او از زمین برخاست [بلکه] از آسمان نازل شد و تقریباً همسفر قرآن کریم بود تا قرآن آیاتش سورش نازل می‌شد، او هم روزانه متکامل می‌شد ترقی می‌کرد و تا قرآن به پایان رسید، عمر این بی‌بی هم به پایان رسید و برای ابد ماند؛ گرچه آنک میت وَاَنْهُمْ مِیْتُوْنَ شامل همه انسانها هست. آن مثلث درباره قرآن روشن است؛ همه ما می‌دانیم که این کتابی است از ذات اقدس الهی نشئت گرفته [و] هیچ فکری او را تدوین نکرده [است] از آسمان غیب نازل شده، ۲۳ سال به تدریج این کتاب نازل شده؛ بعد از اینکه الْیَوْمَ اكْمَلْتُ و سایر آیات نازل شد این کتاب؛ نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد «الی یوم القیامة» ماندنی است. پس از آسمان نازل شد، از غیب نازل شد، اولاً در طی ۲۳سال به تدریج متکامل شد، ثانیاً، تا به الْیَوْمَ اكْمَلْتُ و مانند آن رسید و ماند برای ابد، ثالثاً، جریان فاطمه زهرا (صلوات الله و سلامه علیها) هم همین طور است.

طلیعه آسمانی پیدایش حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

وقتی وجود مبارک پیغمبر (علیه و علی آله آلاف التحية و الثناء) به مقام شامخ نبوت بار یافتند [و] به معراج رسیدند، در معراج غذایی میل کردند وقتی از معراج نازل شدند به زمین آمدند دیگر

مرتب گزارش می‌داد؛ امروز این آیه نازل شد [و] پیغمبر این چنین معنا کرد، این چنین تفسیر کرد و مانند آن. این سه راه را که یکی مستقیم و دوتا غیر مستقیم وجود مبارک بی‌بی (سلام الله علیها) داشت. راه دیگری که غیر مستقیم است و هر کسی می‌تواند آن را داشته باشد، منتها گرچه در نظام تکوین هر فیضی که به انسان عادی می‌رسد به وسیله آن انسان کامل است که «بیمنه رزق لوری و یوجوه ثبّت الارض و السماء» ، ولی به حسب ظاهر انسان یک راه مستقیمی هم با ذات اقدس الهی دارد. آن راه را هم خدا وعده داد که اتَّقُوا اللهَ وَیَعْلَمْكُمْ اللهُ. در سوره «انفال» بالاتر از این را وعده داد اَنْ تَتَّقُوا اللهَ یَجْعَلَ لَكُمْ فُرْقَانًا، شما را به فرقان نائل و متبرک می‌کند که بالاتر از علم است. خب اینکه فرمود: تقوا پیشه کنید از یک سو، خداوند معلم شما می‌شود از سوی دیگر اتَّقُوا اللهَ وَیَعْلَمْكُمْ اللهُ. این بی‌بی (سلام الله علیها) در اثر آن تقوای کامل شاگرد مستقیم ذات اقدس الهی بود معارفی را از آنجا فرا می‌گرفت و از اینکه در سوره «انفال» خدا وعده داد: اَنْ تَتَّقُوا اللهَ یَجْعَلَ لَكُمْ فُرْقَانًا این بی‌بی (سلام الله علیها) مثل اعلای تقوا بود، ذات اقدس الهی فرقان بین حق و باطل را به او عطا کرده است. این مجموعه این قدر ادامه داشت تا قرآن به پایان برسد. همین که در اواخر عمر مبارک پیغمبر (علیه و علی آله آلاف التحية و الثناء) قرآن به پایان رسید و دیگر آیه‌ای نازل نشد طولی هم نکشید که این پدر و آن دختر هر دو رحلت کردند. بی‌بی (سلام الله علیها) بیش از ۷۵ روز یا ۹۵ روز بعد از رحلت رسول گرامی (سلام الله علیهما) نماند. تقریباً وقتی نازل شدن قرآن تمام شد، عمر این بی‌بی هم تمام شد. او با قرآن نفس می‌کشید، با قرآن کامل می‌شد، با قرآن مترقی بود، با قرآن مأنوس بود، منتها قرآن آمد که بماند این بی‌بی هم آمد که بماند، بدنش البته رحلت کرده است و اما جان او همچنان زنده است. این بخش اول که پشتوانه مسائل بخش دوم است.

همتایی حضرت زهرا (سلام الله علیها) با قرآن در زوال ناپذیری
اما آنچه که ما موظفیم به این بانو اقتدا کنیم و وظیفه داریم، مأمور هستیم و راهش هم ممکن است آن است که این بانو (سلام الله علیها) هم در اعتقادات، هم در اخلاق، هم در حقوق، هم در فقه مطالب فراوانی را فرمودند و عمل کردند و تعلیم دادند و دستور عمل کردن را هم به ما دادند.

سر اینکه در پایان بخش اول به این نتیجه رسیدیم که وجود مبارک فاطمه آمد که بماند؛ نه آمد که برود؛ نظیر افراد دیگر نیست که می‌آیند و می‌روند بلکه او آمد که بماند و اگر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) درباره عالمان دین فرمود: «العلماء باقون ما بقی الدهر» مصداق کامل و بالذات این علما خود معصومین‌اند و چون فرمود: «نحن العلماء وشیعتنا المتعلمون وسائر الناس غناء» و اگر علما شامل غیر معصوم بشود بالعرض و بالتبع است. آن عالمی که ارتباطش به اهل بیت کامل است آن می‌ماند؛ آن عالمی که بهره ولایی‌اش کم است کم می‌ماند؛ آن که بی ولایت است «ذلک میت الاحیاء» مانند دیگران از بین می‌رود و از یاد می‌رود.

سوره «کوثر» گواه بر زوال ناپذیری حضرت زهرا (سلام الله علیها)

اما اینکه زهرا (سلام الله علیها) آمد که بماند تحلیل بخش پایانی سوره «کوثر» می‌تواند سند این بحث باشد. در جریان سوره «کوثر» یعنی اَنَا اَعْطِیْنَاکَ الْکَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرِ اِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْاَبْتَرُ، مستحضرید که غالب مفسران شیعه و سنی گفتند که عده‌ای از صناید قریش، مشرکان، بدخواهان [و] معاندان براساس همان سنتهای باطلی



جاهلیت گفتند: پیغمبر بعد از مردن نام او و مکتب او و یاد او از بین می‌رود؛ برای اینکه او که پسر ندارد، درباره دختر باورشان این بود که.

بنونا بنو اَبْنائنا و بناتنا بنوهن اَبْناء الرجال الّا باعد؛

این شعر شعار رسمی جاهلیت بود می‌گفتند که پسران ما و نوه‌های پسری ما اینها فرزندان ما هستند، اما نوه‌های دختری ما فرزند ما نیستند؛ اینها فرزند مردان دیگرند « و بناتنا بنوهن اَبْناء الرجال الّا باعد» اینها برای زن حرمی قائل نبودند؛ برای فرزندهای دختر حرمی قائل نبودند می‌گفتند به ما مربوط نیست و می‌گفتند: چون پیغمبر پسرش قبلاً مرد و اکنون پسری ندارد و در اواخر عمر به سر می‌برد و جز دختر چیزی از او نمانده است، با مردن او مکتب او و نام او و دین او سپری می‌شود و از بین می‌رود، آنها چنین شنائی و چنین سرزندی داشتند.

ذات اقدس الهی فرمود به اینکه تو برای همیشه می‌مانی برای اینکه من به تو چیزی دادم که هیچ کسی نمی‌تواند آن را از بین ببرد و به تو فرزندی دادم که حافظ و مجری آن چیز است. آن چیزی که به تو دادم قرآن است و آن کسی هم که حافظ قرآن، مفسر قرآن، مبیین قرآن، معلم قرآن، مجری احکام و حدود قرآن است فرزندان همین دخترند، فرمود: اَنَا اَعْطِیْنَاکَ الْکَوْثَرَ؛ این کوثر مصادیق فراوانی دارد دین است قرآن است و ولایت است اَنَا اَعْطِیْنَاکَ الْکَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرِ اِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْاَبْتَرُ؛ یعنی آنهایی که تو را شماتت می‌کردند بدی تو را می‌خواستند، انقطاع نسل تو را می‌خواستند، ابتر بودن تو را در نظر داشتند، آنها ابترند؛ نه تو ابتری. این ابتر این وصف چون در مقام تحدید است مفهوم دارد. اگر بگویند فلان شخص ابتر است، معنایش این نیست که دیگری ابتر نیست؛ چون مفهوم ندارد، ولی اگر در لسان تحدید باشد (در ارزیابی حد گزاری باشد) در مرزبندی باشد در تفکیک باشد، این مفهوم دارد. اِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْاَبْتَرُ؛ یعنی تو ابتر نیستی، آنها ابترند. آنها منقطع النسل‌اند تو منقطع النسل نیستی نام او و نام آنها و یاد آنها از بین می‌رود و نام تو و یاد تو همیشه می‌ماند.

پیامهای سوره «کوثر»

خب، تحلیل ذیل این سوره مبارکه «کوثر» نشانه آن است چون در مقام تحدید است دوتا پیام دارد: یکی اینکه دشمنان تو منقطع می‌شوند و از بین می‌روند؛ یکی اینکه تو از بین نمی‌روی تو ابتر نیستی تو متصل و پیوسته‌ای. اگر وجود مبارک پیغمبر دختر می‌داشت و لا غیر، بر اساس گمان باطلی و ظن جاهلی جاهلیت آن را ابتر می‌پنداشتند، یک. و اگر پسر می‌داشت پسرش نظیر پسر نوح بود باز او ابتر بود، دو. چون این پسر نه تنها سبب دوام دین پدر نمی‌شد، بلکه مایه انقراض دین پدر بود، سه. اگر فرزند می‌داشت فرزند بی تفاوت، کاری به دین نداشت، نه معاند بود، نه مخالف بود، نه مؤلف، باز هم این شخص ابتر بود. قرآن کریم فرمود: این چنین نیست که تو فرزند طالح داشته باشی یا بی تفاوت داشته باشی، فرزند صالح داری و مصلح داری و اهل قرآن داری و همتای قرآن داری و از بین نمی‌رود و از همین دختر هم هست. هم به دختر بها می‌دهد هم او را حافظ قرآن می‌داند و از نسل او مجریان و مفسران قرآن به بار می‌آورد که باعث دوام نبوت و بقای وحی و مکتب و رسالت باشد که تو ابتر نیستی تو مستدام و مستمری [و] آنها ابترند: اِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْاَبْتَرُ. بنابراین این بانو توانست حافظ قرآن باشد چون خودش هم همتای با قرآن از غیب به زمین آمد اولاً، تا قرآن ادامه داشت او هم تدریجاً متکامل بود ثانیاً، وقتی قرآن منقطع شد او هم رحلت کرد ثالثاً، قرآن آمد که برای ابد بماند این بانو هم نازل شد که برای ابد بماند رابعاً ماندنش هم به همین است.

پی‌ان‌اس

عصمت، **محور حجّیت حضرت زهرا** (**سلام‌الله علیها**)

اینکه گاهی گفته می‌شود این بانو حجت بر ائمه (علیهم السلام) است؛ برای این جهت است که در حجّیت، نبوّت یا رسالت یا امامت لازم نیست؛ آنچه که محور حجّیت است. عصمت است اگر یک انسانی معصوم بود. ما یقین داریم حرف او فعل او تقریر او سکوت او و قیام او و قعود او حجت خداست. اینکه در زیارت «آل یس» به پیشگاه ولی عصر (ارواحنا فداه) سلام عرض می‌کنیم، به تک تک حالات او سلام عرض می‌کنیم؛ برای اینکه تک تک حالات او معصومانه است «السلام علیک حین تقوم، السلام علیکم حین تقعد، السلام علیک حین تقرأ وتبین، حین ترکع وتسجد»؛ آن وقتی که برمی‌خیزی، آن وقتی که می‌نشینی، آن وقتی که سخن می‌گویی، آن وقتی که تقریر می‌کنی، آن وقتی که رکوع داری، آن وقتی که سجود داری. جامع همه اینها همان است که در سوره مبارکه «انعام» آمده است که **قُلْ اِنَّ صَلاَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي خِب اِگر کَسی معصوم بود، حیات و مماتش این است**، شئون حیات و ممات این است [و] ما به تک تک این شئون معصومانه معصوم عرض ادب می‌کنیم.

معیار حجّیت عصمت است؛ نه نبوت و نه رسالت و نه امامت و چون این بانو (سلام الله علیها) معصومه است، حجت خداست.

سرّ حجّیت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) بر ائمه
اینکه گاهی علی بن ابی‌طالب (سلام الله علیه) به سخنان بی‌بی استشهد می‌کند که فاطمه چنین گفته است این استدلال به قول حجت‌الله است؛ اما سر اینکه او حجت بر معصوم هم هست، این است که ائمه (علیهم السلام) عالم غیب‌اند «بما کان ویمّا یكون ویمّا هو کائن الی یوم القیامهٔ» اما منابع علمی اینها گاهی از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیده‌اند،

یک متفکر و نویسنده مسیحی گفت:امام حسین (ع) خود و خانواده‌اش را فدای رسالت اسلام کرد و با شهادت خود، نه تنها اسلام، بلکه تمام ادیان الهی را احیا کرد.

نشست اهل بیت از منظر اندیشمندان غیرمسلمان
با حضور آنتوان بارا، متفکر مسیحی و نویسنده کتاب ‘حسین (ع) در اندیشه مسیحیت‘، غلامحسین انصاری، مترجم این کتاب و اسماعیل منصوری لاریجانی، نویسنده و محقق در سرای اهل قلم نمایشگاه بین المللی کتاب تهران برگزار شد.

آنتوان بارا در ابتدای این نشست علمی، ادبی به تشریح کتاب خود پرداخت و گفت: انگیزه تألیف این کتاب توسط من، آشنایی با حماسه کربلا بود.

وی افزود: در طول تحقیق و پژوهشی که درباره واقعه تاریخی عاشورا داشتیم، شیفته شخصیت امام حسین (ع) شدم، زیرا دیدم که این شخصیت، اقیانوسی از اخلاق، رسالت و قداست است.

این نویسنده و متفکر مسیحی با اشاره به این موضوع که امام حسین (ع) با قیامی که انجام داد، توانست رسالت جدش را احیا کند، گفت: هنگامی که تألیف کتاب حسین (ع) در اندیشه مسیحیت را شروع کردم، در آغاز کار نوسبندگی بودم؛ اما چون شخصیت امام حسین (ع) دارای ابعاد مختلف قدسی و اعتقادی بود، تلاش کردم تا حماسه را از دیدگاه یک مسیحی منعکس کنم.

این نویسنده سوری الاصل ادامه داد: امام حسین (ع) خود و خانواده‌اش را فدای رسالت اسلام کرد و با قربانی کردن خود، نه تنها اسلام، بلکه تمام ادیان الهی را احیا کرد. بارا با تأکید بر اینکه به عنوان یک مسیحی و نه یک خاورشناس به مسئله قیام عاشورا پرداخته است، اظهار کرد: مستشرقین تنها با حس تاریخی، وقایع مختلف را نگارش می‌کنند، اما من برای نوشتن این کتاب از حس عاطفی و معنوی استفاده کردم.

وی ادامه داد: خاورشناسان و مستشرقین، جنبه‌های تاریخی و مادی وقایع گذشته را مورد بررسی قرار می‌دهند، اما من سعی کردم که جنبه‌های معنوی و قدسی قیام عاشورا را مورد بررسی قرار دهم.

مذهبی

خود آنها بلا واسطه و قبل از سؤال و مستقیم می‌فرمودند: در مصحف جده ما (در مصحف فاطمه) چنین آمده است. این می‌شود حجت خدا بر خلق اجمعین، مخصوصاً در معارف غیبی نسبت به ائمه اطهار (سلام الله علیهم اجمعین).

ضرورت تأسی به حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)

حالا این بانو که برای همه ما اسوه است در این بخش ما موظفیم مثل آن حضرت حرکت کنیم منتها او در حد آفتاب [و] ما در حد شمع او فضای کل جهان را روشن می‌کند منتها ما در زندگی خاص خودمان مثل شمع نور می‌دهیم و فضای زندگی خود را روشن کنیم.

والا ترین مصلحت، محصول خالصانه‌ترین عبادت

این است که فرمود: «من أصعد الی الله خالص عبادته أهبط الله عزّوجلّ الیه أفضل مصلحته»؛ «فرمود: اگر کسی عمل خالص بکند و این قدرت را داشته باشد که عمل خالص را به پیشگاه ذات اقدس الهی ببرد، ذات اقدس الهی بهترین و والا ترین مصلحت او را به او عطا می‌کند و نازل می‌کند. یک وقت انسان کار خوب انجام می‌دهد و دیگر به این فکر نیست که من این کار خوب را حفظ بکنم. این مثل یک باغبانی است که یک نهالی را غرس کرده است و دیگر به فکر آبیاری او نیست. ممکن است او دیم یعنی آنچه که به وسیله باران در بیابانها رشد می‌کند، مستدام هم هست. اینها را می‌گویند دیم و واژه عربی هم هست. اگر کسی دیمی کار کرد گاهی محصول می‌گیرد، گاهی نمی‌گیرد و مانند آن. ما مأموریم که مثل یک باغبانی که در کنار منزلش یک گلی یا نهالی را غرس کرده؛ مثل فرزند از او نگهداری کنیم. دائماً مواظب او باشیم حدوثاً و بقائاً. پس یک وقتی کسی کار خیر انجام می‌دهد به این فکر نیست که آن را حفظ بکند؛ گاهی آن [کارخیر] را

آنتوان بارا در نشست اهل بیت از منظر اندیشمندان غیر مسلمان:

امام حسین (ع) شهید تمام ادیان الهی است

(ع) خواستار تحقق اهداف معنوی روحی و فکری بود و با خروجش یک درس بزرگ برای تمامی بشریت داد.

این نویسنده سوری و مسیحی ادامه داد: اگر امام حسین (ع) قیام نمی‌کرد، اسلام منحرف می‌شد و پس از آن زاویه انحراف بزرگتر و شامل همه ادیان الهی می‌شد و دیگر بر روی زمین دینی باقی نمی‌ماند. در حقیقت حرکت امام حسین (ع) یک حرکت معنوی و برای جلوگیری از انحراف دین جدش پیامبر (ص) بود.

وی با بیان اینکه باید حماسه عاشورا را از بعد معنوی، فکری و جهادی مورد ارزیابی قرار داد، گفت: در قیام امام حسین (ع) یک تکلیف الهی وجود داشت. متأسفانه برخی از افراد با تهمت و بهتان گفتند که خروج حسین (ع) بین مسلمانان فتنه برانگیخت؛ اما این گفته پوچ و بی ارزش خود فتنه ایجاد کرد.

بارا در ادامه سخنان خود اظهار کرد: قیام امام حسین (ع) یک معیشت و خواست الهی بود همانگونه که موسی در برابر فرعون، یحیی در مقابل قدرتمندان زمان، عیسی در مقابل یهود و محمد (ص) در مقابل قریش قیام کردند و با نابود کردن بت‌های پوشالی، اندیشه الهی را به جامعه هدیه دادند.

آنتوان بارا همچنین در بخش دیگری از سخنان خود پیرامون دیدگاهش در خصوص اسراییل و یهودیت و نقش آنها در ممالک اسلامی گفت: دیدگاه من مانند تمامی اعراب، مسلمانان و مسیحیان است. یک حق از ملت فلسطین ضایع و سرزمینی غصب شده است. عقیده اعراب مسلمان و مسیحی ضد یهود، به عنوان یک پدیده دینی نیست؛ بلکه مخالفت با اندیشه‌های صهیونیستی است.

آنتوان بارا در پایان سخنان خود گفت: صهیونیست‌ها سرزمینی را غصب و مردم آن را آواره کردند و با جمع‌آوری یهودیان از سراسر دنیا کشور خود را تأسیس کردند. به همین دلیل نظر من نسبت به یهودیان یک دیدگاه منتقدانه به غاصبان صهیونیست است.

نیمه دوم اردیبهشت ماه – شماره ۳ – ۱۳

می‌گوید، گاهی آن را با منت ذکر می‌کند گاهی مثلاً خوشش می‌آید که دیگران بازگو کنند یا از آن بهره‌برداری کنند (بهره‌برداری تبلیغی و سیاسی) این شخص کار خوب کرده است و اما آن کار خوب زمینی است همین جا ماند. برخیاها کار خوب انجام می‌دهند برای ضبط و نگهداری او هم تلاش و کوشش می‌کنند اما تا یک مدت محدودی. برخیاها تلاش و کوشششان زیاد هست اما آن قدرت را ندارند که بالا ببرند. وجود مبارک بی‌بی (سلام الله علیها) فرمود اگر کسی کار خوب بکند، خدا بهترین مصلحت را به او می‌دهد فرمود: کار خوب بکن، این را نگه‌بدار، این را هدیه بکن، برو و ببر. تا انسان بالا نرود که نمی‌تواند یک هدیه‌ای را به پیشگاه ذات اقدس الهی اهدا بکند، فرمود: «من أصعد الی الله خالص عبادته أهبط الله عزّوجلّ الیه أفضل مصلحته» اگر یک کسی کار خوب کرد و این کار را حدوثاً و بقائاً طاهر نگه داشت (آلوده نکرد) و همراه کار خوب رفت؛ چون الیه یَصْعَدُ الکَلِمُ الطَّیِّبُ، بالا رفتن کار هر کسی نیست؛ بالا برود و این بار را هم به همراه داشته باشد تا به «لدى الله» برسد و به خدا تقدیم بکند. اگر کسی به جایی رسید که خودش کار خیر خود را به خدا تقدیم کرد خودش بالا برد؛ نه ملائکه بالا ببرند؛ کار خیر را ملائکه می‌برند گزارش می‌دهند بالاخره جواب را هم آنها می‌آورند؛ آن بردن و آوردن هر دو مع واسطه است، بهره‌اش هم کم است، ولی اگر کسی خودش آن هنر را داشته باشد که همراه ملائکه بالا برود و این کار خیر خود را به پیشگاه ذات اقدس الهی تقدیم بکند؛ خودش اصعاد کند، خودش به همراه عمل برود، آن‌گاه فاضل ترین مصلحت او را ذات اقدس الهی نازل می‌کند؛ خود خدا؛ نه به فرشته‌ها بگوید: «أهبط الله عزّوجلّ الیه أفضل مصلحته» خب، این دستوری است که وجود مبارک بی‌بی به ما داده است فرمود این کار شدنی است [و] این کار را انجام بدهید و مانند آن.

همچنین در ادامه این نشست اسماعیل منصوری لاریجانی، محقق، نویسنده و استاد دانشگاه به تشریح کتاب حسین (ع) در اندیشه مسیحیت، نوشته آنتوان بارا پرداخت و گفت: این کتاب دارای نکات مثبت و ارزنده بسیاری است. از جمله اینکه نویسنده برای نگارش کتاب از یک خاستگاه تاریخی و با یک نگاه تحلیلی استفاده کرده است.

وی افزود: بیان مشترکات مسیحیت و اسلام به ویژه تشیع و به خصوص بیان وجوه مشترک حضرت مسیح (ع) و امام حسین (ع) یکی دیگر از نکات ارزنده این کتاب است. به ویژه اینکه نوع نگاه مسیحیت و شیعیان درباره اینکه جهان و جهانی شدن بسیار نزدیک به هم است.

وی در خصوص وجه سوم مثبت کتاب حسین (ع) در اندیشه مسیحیت گفت: برجسته کردن بعد حماسی عاشورا که اتفاقاً در اعتقاد شیعی ما نیز وجود دارد و بیان اینکه امام حسین (ع) بر اساس یک تکلیف الهی به دنبال دادن پیام آزادی و عاشقی است که در قالب عقل رفتار می‌کند، از دیگر ویژگی‌های این کتاب است.

وی در خصوص نکته چهارم قابل بحث کتاب آنتوان بارا اظهار کرد: انسانی که به مرز کمال می‌رسد، یعنی از شریعت و طریقت عبور می‌کند و به حوزه حقیقت پای می‌گذارد، دیگر مرز مذهب از او برداشته می‌شود و یک نگاه جهان‌شمول و متحد ایجاد می‌شود که به انبساط آفرینش می‌انجامد. در این کتاب به خوبی این انبساط آفرینش در فرهنگ عاشورا معرفی شده است.

منصوری لاریجانی در ادامه سخنان خود گفت: چند پیشنهاد دارم؛ اول اینکه غلامحسین انصاری، مترجم کتاب ‘حسین (ع) در اندیشه مسیحیت‘ منابع مشترک عرفان شیعی و عرفان مسیحی را در اختیار آنتوان بارا قرار دهد تا کتاب بعدی وی، بیان مشترکات اندیشه عیسی (ع) و حسین (ع) باشد.

اسماعیل منصوری لاریجانی در پایان سخنان خود گفت: پیشنهاد دیگرم این است که ویژگی‌هایی از امام حسین (ع) که جهان مسیحیت را تحت تأثیر قرار داده است، استخراج شوند و تحت عنوان یک کتاب دیگر چاپ و منتشر شوند.

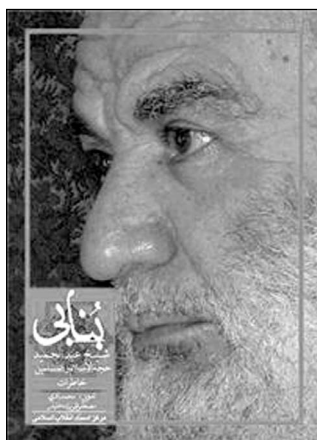
معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۱- مجلس خبرگان رهبری:



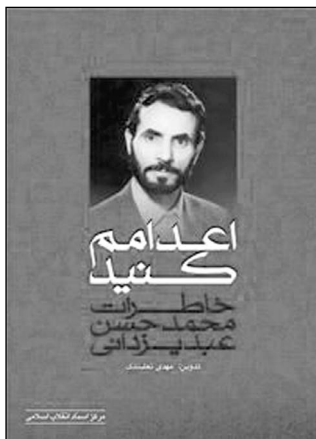
اسلامیت و "جمهوری" از ارزش های بنیادین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. وجه اسلامیت نظام سیاسی از طریق ولی فقیه تضمین و نظارت می شود و شیوه انتخاب رهبر نیز از طریق مجلس خبرگان رهبری به نظم و سامان حقوقی درآمده است. این کتاب تلاشی است برای ارائه تصویری روشن و اجمالی از پیشینه تاریخی، مبانی دینی و سیاسی، جایگاه قانونی و کارکردهای مجلس خبرگان رهبری.

۲- **خاطرات حجت الاسلام والمسلمین شیخ عبدالحمید بنابی:**



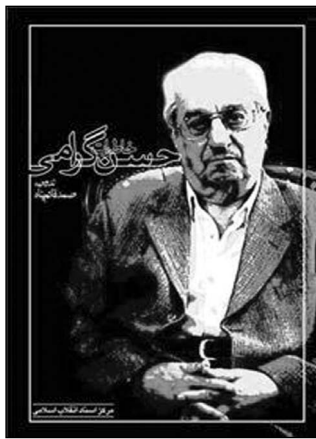
حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالحمید بنابی در سال ۱۳۱۶ در خانواده ای روحانی متولد شد. وی تحصیلات مقدماتی را در محضر پدر خویش فراگرفت و برای فراگیری علوم اسلامی عازم نجف شد. در حوزه علمیه نجف از محضر بزرگانی چون آیت الله حکیم، آیت الله مدنی و شهید صدر استفاده کرد و سپس به تبریز بازگشت. با شروع نهضت امام خمینی (ره) در کنار شخصیت های علمی و سیاسی آن خطه همانند آیت الله قاضی طباطبایی به حمایت از نهضت اسلامی و امام پرداخت و مبارزه پیگیری را برای براندازی رژیم شروع کرد و در این راه متحمل آزار و اذیت ها و حبس و تعقیب های زیادی شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در عرصه هایی چون کمیته های انقلاب اسلامی، سنگر تبلیغ، اداره حوزه های علمیه ولی عصر (عج) تبریز، جبهه و جنگ و مجلس شورای اسلامی خدمت کرده است.

۳- **اعدام کشید** محمدحسن عبدیزدانی؛ محمدحسن



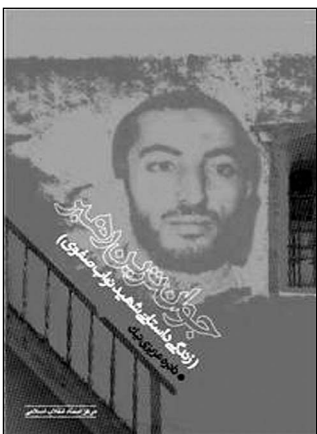
عبد یزدانی بیان خاطراتش را مجالی برای بیان گوشه ای از تاریخی می داند که خود نیز به سان موجی از دریا در آفرینش آن سهمی داشته است و همه وسواس و دقت او نیز بر بیان ناگفته ها و گاه انحراف هایی است که خود دیده است و او در جاهایی از خاطراتش پرده از پشت صحنه وقایعی برداشته است که برای نخستین بار بدین شکل شفاف و صریح بیان می شود. او حتی در جاهایی که تندروری ها و گاه خودسری های کسانی را در بستر خاطراتش باز می گوید، از مسیر احترام و اعتدال خارج نمی شود و این حس احترام درباره نهاد روحانیت به اوج می رسد.

۴- **خاطرات حسن گرمی:** حسن



گرمی در سال ۱۳۰۴ ش در تربت حیدریه به دنیا آمد. از طریق پدرش با آیت الله کاشانی آشنا شد و در سال ۱۳۲۶ این آشنایی با ازدواج ایشان با نوه دختری آیت الله کاشانی و روابط فامیلی انجامید. از همین مقطع ایشان جزء نزدیک ترین افراد به آیت الله کاشانی بود و از حوادث سال های دوران ملی شدن صنعت نفت تا بعد از کودتای ۲۸ مرداد، از جمله نوع رابطه فدائیان اسلام با آیت الله کاشانی، ترور هژیر و رزم آرا، قیام سی تیر، اختلاف دکتر مصدق با آیت الله کاشانی و دکتر بقایی... خاطرات ارزشمندی دارد.

۵- **جوان ترین رهبر (زندگی داستانی شهید نواب صفوی):** خبرهای دستگیری گروه فدائیان روزنامه ها را پرفروش کرده است. در تمام شهر تهران مأمور می گذارند تا رهبر فدائیان را

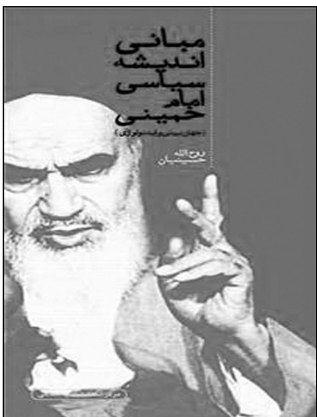


دستگیر کنند تا او نتواند از اسلام حرف بزند تا کسی نباشد به مصدق بگوید کو آن قول و قرارها؟ چرا قمارخانه و مشروب فروشی ها تعطیل نمی شوند. چرا یک آموزگار زن در مدارس نیست؟ چرا فواحش در خیابان با بدن های عریان در شهر آزاد هستند ولی خانواده نواب با جادر و پوشیه تحت تعقیب است؟

۶- **انقلاب اسلامی در دزفول:** لازم است برای بیداری نسل های آینده و جلوگیری از غلط نویسی مغرضان، نویسندگان متعهد با دقت تمام به بررسی دقیق تاریخ این نهضت اسلامی بپردازند و قیام ها و تظاهرات مسلمین ایران را در شهرستان های مختلف با تاریخ و انگیزه آن ثبت نمایند تا مطالب اسلامی و نهضت روحانیت سرمشق جوامع و نسل های آینده شود.

... روشن شدن مبارزات اصیل اسلامی در ایران از ابتدای انعقاد نطفه اش تاکنون و رویدادهایی که در آینده اتفاق می افتد از مسائل مهمی است که باید نویسندگان و علمای متفکر و متعهد بدان بپردازند.

۷- **مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی (جهان بینی و ایدئولوژی):** چرا



و چگونه امام خمینی (ره) توانست رژیم کهن شاهنشاهی را از ایران براندازد و جمهوری اسلامی را جایگزین آن نماید؟ چرا امام خمینی (ره) بی اعتنا به قدرت های بزرگ آمریکا، شوروی و کشورهای اروپایی با تکیه بر مردم دست خالی تا تجلی آرمان هایش نهضت اسلامی را رهبری نمود و آن را به یک انقلاب تمام عیار تبدیل کرد؟ چه چیزی از امام خمینی (ره) بی مانند، شجاع، مدیر، پیگیر، امیدوار و تکلیف گرا ساخت؟ امام خمینی (ره) در فضای حاکمیت جهانی سکولاریسم طرحی نو در انداخت: ایدئولوژی مذهبی! در این

فضای مأیوس کننده و ناباورانه چه چیزی موجب شد که امام خمینی (ره) دنیا را شگفت زده و مات نماید؟ پاسخ این سئوالات را فقط در جهان بینی و ایدئولوژی امام خمینی (ره) باید جستجو کرد. بی شک امام خمینی (ره) مهندسی عالم آفرینش را به خوبی درک کرده بود. او مبدأ و معاد و هدف آفرینش از هستی، انسان و حرکت تاریخ را کشف کرده بود. او بر اساس همین کشف و درکش، منطق با هستی طرحی را مهندسی کرد که توده های مسلمان را در مسیر حرکت تاریخی و صراط مستقیم الله قرار داد. او با هماهنگ کردن مومنان با نظام هستی حرکت توده ها را تصحیح و تسریع کرد و بزرگترین پیروزی را نصیب آنان ساخت؛ پیروزی ای که ناگزیر تقدیر الهی آن را رقم زده بود. در این کتاب - نه به عنوان تحقیقی جامع، بلکه طرحی برای تحقیق - شناخت امام خمینی (ره) از هستی را تبیین می کنیم؛ شناخت امام از هست ها و آنگاه نشان خواهیم داد که چگونه امام خمینی (ره) "چه باید کردی" را هماهنگ با این هست ها عرضه نمود و یک ایدئولوژی توحیدی را پایه گذاری کرد. درود خداوند بر آن رادمردی که خود مظهر اراده الهی شد.

۸- **انقلاب اسلامی در رفسنجان:**



حضور در رفسنجان برای این بنده خدمتگزار بسیار خاطره انگیز است. شهر رفسنجان و مردم عزیز آن را از سال های سیاه دور، مرکز و كانون توجه به حقایق اسلام و نقطه ثقلی از نقاط مهم کشور در مبارزه با طاغوت شناختیم. مردم رفسنجان در شهر شجاع و آزاده خودشان مسجدی به نام امام بزرگوار نامگذاری کردند؛ به نام آن بزرگوار سخن گفتند و راه او را ترویج کردند. مردم رفسنجان در دوران اختناق به معنای حقیقی کلمه در صراط مستقیم الهی پایداری و پافشاری کردند. (مقام معظم رهبری، ۱۲ اردیبهشت ۸۴)

۹- **فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه**

امام خمینی (ره): امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار یک نظام سیاسی جدید در ایران و نیز یک فقیه برجسته شیعی، نگاه جدیدی به غرب و سایر فرهنگ و تمدن های دنیا ارائه کردند. ایشان بر اساس شناخت کامل از وجوه مثبت و منفی فرهنگ و تمدن غرب، ضمن مجاز شمردن استفاده مسلمانان از فنون و علوم جدید غربی، به جامعه اسلامی

شیطان و انسان در قرآن؛ بهشت و جهنم کجاست؟

استاد جلال الدین فارسی در سال ۱۳۱۲ در مشهد مقدس به دنیا آمد و از آغاز زندگی، همواره در مبارزه و تألیف بود و سالیانی دراز، دور از وطن، به کوشش فرهنگی و سیاسی پرداخت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همچنان به تلاش علمی - فرهنگی خود ادامه می دهد و دارای آثار متعددی است که بعضی از آن ها، بارها تجدید چاپ شده است:

از جمله آثار ایشان ترجمه قرآن مجید است که با دقت و وسواس خاصی آن را به پایان برده است. استاد فارسی در گفتگویی که با ماهنامه کیهان فرهنگی شماره ۲۸۰ و ۲۸۱ مورخ بهمن و اسفند ۱۳۸۸ انجام داده و نکاتی را مطرح ساخته است که به نظر می رسد باید فضایی حوزه علمیه قم آن را مورد بحث و بررسی قرار دهند و هر گونه توضیح یا نقد علمی را در این زمینه، باعث آمادگی دارد که در صفحات محدود خود منتشر سازد -بعث

اینک بخشی از گفتگوی ایشان درباره انسان و شیطان و بهشت و جهنم:

"کیهان فرهنگی: در مورد کتاب دشمن شناسی هم توضیحی بفرمایید.

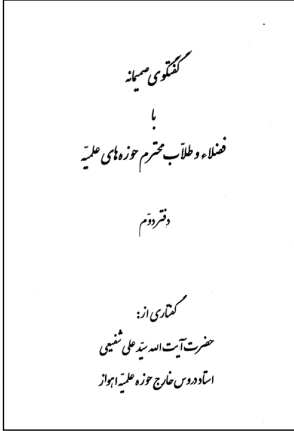
استاد فارسی: من در تحقیقام به این نتیجه رسیده ام که ابلیس و شیطان یکی هستند و ابلیس مجموعه شیاطین است و شیاطین، خودشان انواعی دارند و همه شان عبارتند از مترفان و مستکبران جهان انسانی، جهان نامرییان و جهان های دیگر، چون خداوند قرآن راه هم برای ما و هم برای نامرییان وحی کرده، یکی از دریافت های من این بود که نامرییان در همین وحی نبوت خاتم -و در سیاره های دیگر وحی ندارند جز همین قرآن. این استنباط من است. وقتی ما قرآن می خوانیم، تمام نامرییان جهان که در سیارات دیگری هستند و در سیاره ما، همه را آنها یاد می گیرند. آن هم از مقطعی از نزول قرآن اتفاق افتاد و در قرآن پیدام کردم. آخر یک سوره و اول سوره بعدی است که خداوند جن و انس را خطاب می کند.

کیهان فرهنگی: پس نامرییان هم مثل ما پیامبرانی داشته اند و پس از پیامبر خاتم حضرت رسول (ص) برای آنها هم پیامبر دیگری نخواهد آمد.
استاد فارسی: درست است. ما هم دیگر پیامبری نداریم و باید با همین قرآن مسلمان شویم و انقلاب ایجاد کنیم. علاوه بر این، می دانید که سیاره ما تنها سیاره آدم نیست، هزاران سیاره قبل از ما بوده، در قیامت این سیاره، محیط زیست اش از بین می رود، یعنی هیچ موجود زنده ای نخواهد داشت و آخرین افراد که به زندگی برزخی متحول می شوند، بلافاصله انتقال به جهنم و بهشت برزخی و اعراف برزخی، به عالم بعدی، به قیامت تحول پیدا می کنند و این تحول با تحول فیزیکی جهان همراه است. زمین ما سرد می شود و دریاها خشک می شوند چون اینجا دیگر محیط زیست ندارد. آدم ندارد و همه مرده اند و بلافاصله حالت برزخی گرفتند. برابر بعضی سوره ها، اینها سه دسته می شوند، دو دسته بهشتی اند، یکی بهشت متقیان که به سیاره دیگری منتقل می شوند که محیط زیست دارد، بهشت جسمانی دارد -ولی نه از نوع جسمی که در این محیط است، بلکه بایک بعد فوق طبیعی -ولی آن عده ای که در اعراف بودند، بلافاصله ملائکه می شوند.

کیهان فرهنگی: استاد! در حال حاضر به چه کاری مشغول هستید؟

استاد فارسی: در حال حاضر من بیشتر وقتم در شمال و به تنهایی و تفکر و مطالعه می گذرد. بیشتر کتاب هایم هم آنجاست. بیشتر آثارم را صبح، سپیده دم به یاد می آورم یعنی اگر واقعاً تجربه ای، الهامی و دریافتی هست، از آن چه در حد من است، در همان لحظات و دقایق و ساعت ها است، اینها راده ها و صدها بار مشاهده کرده ام، من پنجاه سال است که با تفاسیر سروکار دارم. نزدیک پنجاه سال است که با نهج البلاغه بوده ام، و به بسیاری از تفاسیر حاشیه زده ام و روی آنها کار کرده ام، ولی مطالب آثار جدیدم را در سال های اخیر دریافته ام.

معرفی کتاب گفتارهای آیت الله شفیعی نماینده مجلس خبرگان در جمع فضلا و روحانیون خوزستان



تلخیص، بخش هایی از این علم که بدون ثمره فقهی است، تأکید می کند. نماینده مردم خوزستان در مجلس خبرگان در گفتار پایانی هم به چالش ها آسیب های دروس خارج می پردازد و نکاتی را به عنوان حاصل تجربیات و راهنمایی برای طلاب و روحانیون جوان بیان می کند. از طولانی شدن برخی دروس خارج انتقاد می کند و پیشنهاد می کند که در اینجا باید استاد را قانع به حذف تحقیقات غیر لازم نمود و یا اینکه درس را در محضر استاد دیگری ادامه داد.

منطقه جهرم و پیرامون را در دست می گیرد و سیره او را با مبارزه با ظلم و ستم خوانین محلی، حکومت پهلوی، بهائیت و حزب توده ادامه می دهد که نویسنده مواردی از آنها را در این کتاب ذکر می کند.

گفتنی است این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۷۳ از سوی انتشارات دارالحکمه قم منتشر شده و نسخه ای از آن توسط جناب آقای احمد باقریان به کتابخانه بعثت اهدا شده است.

برگرفته و نه فقط دولتمردان و حکام آنها راه، بلکه اندیشمندان و روشنفکران، احزاب سیاسی و حتی انقلابیین را به اسارت خود درآورده است. وی در پایان، پیشنهاداتی برای رهایی از غریزدگی ارائه می دهد.

این کتاب بیش از آن که یک تحقیق علمی و فرهنگی کلاسیک درباره تمدن غرب باشد، یک جنبش افشاگرانه و انتقادی بر ضد توطئه های بین المللی است که در پرتو سکوت حکام کشورهای عربی، میلیونها انسان را قربانی خود ساخته است. ضرورت یک انقلاب فراگیر سیاسی و فرهنگی و آگاهی بخشی بر ضد سیستم جهانی حاکم بر بشریت معاصر، مهمترین نتیجه ای است که مخاطب از تحلیل های نویسنده می گیرد. این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۶۲ ترجمه شده و اکنون با تجدید نظر و اصلاحات، چاپ چهارم آن در ۳۳۰ صفحه، تیراژ ۳۰۰۰ نسخه و قیمت ۳۷۰۰۰ ریال به همت انتشارات معصومین علیهم السلام روانه بازار شده است.

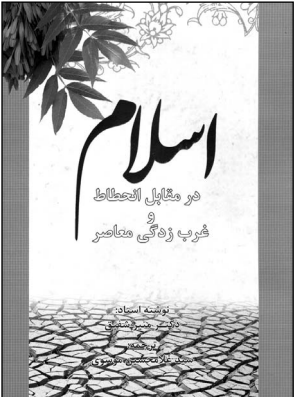
عوام زدگی از آسیب های جدی روحانیت برمی شمارد. دفتر دوم، هم شامل سه سخنرانی است که سخنرانی اول مقدمه درس خارج و سخنرانی دوم مقدمه درس اصول ایشان در آغاز سال تحصیلی جدید حوزه ها در سال ۱۳۸۸ است و بخش اعظم آن هم سخنرانی مفصلی است که چالش ها و فراز و نشیب دروس خارج در حوزه های علمیه را بررسی کرده است.

ایشان که از شاگردان برجسته امام(ره) و آیت الله خویی است، در این گفتارها، توجه ویژه ای به فقه می دهد و از اهمیت و جایگاه فقه فراوان سخن می گوید و معتقد است که حل اساسی مشکلات جامعه بشری در خود فقه است و لذا ایشان بر ضرورت نوگرایی و نوآوری در فقه تأکید می کند و می گوید فقه باید پویا و جوشان باشد. باید همراه زمان و مکان، بلکه پیشاپیش آنها گام بردارد. در گفتار دوم، به معرفی مکتب های اصولی در حوزه های علمیه و علل تقابل و تعارض آنها پژوهش می شود ولی بر حذف و

معرفی کتاب سلاله پاکان

عبدالحسین لاری، عالم مجاهد منطقه جنوب کشور و از شاگردان حضرات آیات سید ابوالحسن اصفهانی و محمدحسین غروی (مشهور به کمپانی) است که از این دو عالم برجسته هم، اجازه اجتهاد داشته است. نویسنده با قلم روانش، در ابتدا ضمن برشمردن اسم و نسب و والدین و اساتید و فرزندان ایشان، به خصوصیات اخلاقی ایشان می پردازد. این مجاهد ناشناخته، پس از رحلت پدر بزرگوارش، رهبری مردم

معرفی کتاب اسلام در مقابل انحطاط و غرب زدگی

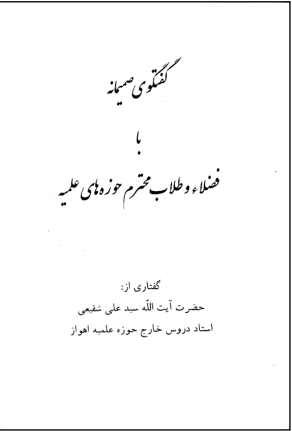
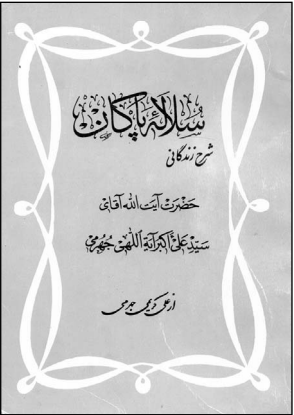


وابسته به غرب را ذکر می کند.

پس از استعمار مستقیم هم عنوان فصل سوم کتاب است که در آن به راهکارهای جلوگیری از تفرقه و تجزیه گرایی، غرب زدگی و وابستگی ارائه می شود و فصل پایانی کتاب هم اسلام در مقابل فرهنگ و تمدن غرب است که در آن به ضرورت توجه جوامع اسلامی و مسلمانان به وحدت عقیده و عمل و شکست غرب گرایی سخن می گوید. نویسنده در پایان کتاب از بحرانی می گوید که جهان اسلام و عرب را در

مختلف آموزشی در حوزه، اهمیت درس خارج و وضعیت کنونی درس خارج در حوزه های علمیه و اختلاف مبانی و تفاوت شیوه های بزرگان (از جمله آیت الله بروجردی، آیت الله حکیم، آیت الله خویی و امام خمینی) می پردازد و در ادامه به علم اصول و وضعیت کنونی آن می پردازد و خواستار حذف زوائد علم اصول می شود..

بخش دوم هم متن سخنرانی ایشان در ششمین اجلاسیه مشترک جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و علمای مناطق دیگر در خرداد ۱۳۸۷ در قم است. محور اصلی این بخش، تفصیل پیشنهادات سه گانه مقام معظم رهبری درباره حوزه های علمیه است که به مناسبت ملیس شدن جمعی از طلاب خوزستان ایراد کرده اند. پیشنهادات ایشان به ترتیب، توصیه و تأکید به درس و بحث و جدیت در فراگیری علم و دانش، تقوی و ومعنویت و زهد و سوم این که در صحنه بودن، آگاه و بیدار بودن بود. معظم له در انتها به آسیب شناسی روحانیت می پردازد و بی برنامه گی و



گفتارهای آیت الله سید علی شفیعی، استاد دروس خارج حوزه علمیه اهواز و نماینده مردم خوزستان در مجلس خبرگان در جمع فضلا و روحانیون خوزستان در دو دفتر، تحت عنوان گفتگوی صمیمانه با فضلا و طلاب محترم حوزه های علمیه منتشر شد.

دفتر اول این مجموعه، شامل دو سخنرانی است که بخش اول آن، سخنرانی در آغاز دروس خارج و استدلالی فقه و اصول سال ۱۳۸۶ است. استاد در این بخش به سطوح

"سلاله پاکان" نوشته آیت الله علی کریمی جهرمی است که به شرح زندگانی و سیره اخلاقی و عملی مرحوم آیت الله سید علی اکبر آیت اللهی جهرمی می پردازد. نویسنده کتاب که از اساتید برجسته دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم است در این کتاب قصد شناساندن این عالم وارسته را به جامعه دینی و علمی و به خصوص جوانان دارد.

آیت الله آیت اللهی فرزند آیت الله

کتاب اسلام، در مقابل انحطاط و غرب زدگی معاصر نوشته دکتر منیر شفیق و ترجمه حجت الاسلام سید غلامحسین موسوی (از علمای مبارز افغانی و تحصیل کرده حوزه نجف اشرف و قم) به چاپ چهارم رسید. مترجم این کتاب را به مبارزان نستوه سنگر مقاومت جنوب لبنان و رهبر آن سیدحسن نصرالله و همزمان مجاهد و پیروزمند حزب الله، یعنی حماس و جهاد اسلامی اهدا می کند و به جای مقدمه چهار گفتار از امام خمینی(ره)، رهبر معظم انقلاب، شیخ سعید شعبان (رهبر فقید جنبش توحید اسلامی لبنان) و دکتر شیخ علی جمعه، مفتی اعظم مصر می آورد که در ضرورت وحدت مسلمین، سخنرانی و فتوای وحدت طلبانه داشته اند.

نویسنده کتاب یک چهره برجسته فلسطینی است که نامش در سرزمین های اشغالی در میان رزمندگان فلسطینی و در بین نسل روشنفکر جهان عرب معروف است.

خواهر امام موسی صدر:

سید حسن نصرالله، شایسته ترین جانشین امام موسی صدر

فرانسه رفت.

اگر صدر برگردد...

خواهر امام صدر با اشاره به شخصیت آرام عاقل و خوش صحبت برادرش تأکید کرد: اگر ایشان الان برمی گشت، همین خط مقاومت را ادامه می داد چرا که معتقد بود شیعیان لبنان به خصوص شیعیان جبل عامل به عنوان قدیمی ترین شیعیان نیاز به کمک دارند به همین خاطر در روستاهای دور افتاده لبنان به دنبال شیعیان می گشت و با کمک وی بود که شیعیان ادامه تحصیل دادند و به مقامات عالیه دست یافته اند.

وی با اشاره به اینکه مردم از جان و دل امام صدر را دوست دارند، تصریح کرد: در تمامی نقاط لبنان عکس ایشان وجود دارد و مردم دروزی، سنی یا حتی مسیحی با دیدن من ناگهان از برادرم صحبت می کنند و این نشان از نفوذ وی در دل و جان تمامی لبنانی ها دارد. شعار ایشان در درجه اول انسان سازی بود و واگذاری مسؤولیت به انسان ها در در مرحله دوم قرار داشت.

سوء استفاده ها از جایگاه و مقام امام

موسی صدر

ربابه صدر با اشاره به سوء استفاده عده ای از جایگاه امام صدر ادامه داد: یک شخص نامه ای به خط او آورده بود و متأسفانه با بی شرمی تمام در وسط متن نامه چیزی را که خودش می خواست اضافه کرده بود؛ حتی کسانی بودند که قبلاً هیچ کاره بودند ولی با انتساب خود به امام موسی صدر الآن همه کاره شدند و کسانی هم هستند که در مجالس به دروغ چیزهایی را از امام صدر نقل می کنند که قلب ما را به درد می آورد.

وضعیت امل و مجلس اعلای شیعی

فعلی

خواهر موسی صدر افزود: گروه امل با وجود دسیسه هایی که علیه آن صورت گرفت و حتی وارد جنگ هم شده بود ولی نسبت به مجلس اعلای شیعی فعال تر است و الان جوانان پاک و خوبی هم در این گروه هستند و با وجود ناپدید شدن رهبر این گروه همچنان مقاوم در برابر اسرائیل ایستاده است و به نظر کمیت این گروه همچنان مورد تأیید امام صدر است.

ایران پشتیبان تمامی شیعیان است

وی با اشاره به نقش ایران در پیروزی مقاومت تأکید کرد: ایران نقش مهم معنوی در

وی تصریح کرد: برخی از تحلیل گران سیاسی معتقدند که او به خاطر فعالیت های مفید خود در به پیروزی رسیدن انقلاب نبایستی زنده می ماند. وی همیشه با امام مکاتبه می کرد و از نامه هایی که در چمدان وی در ایتالیا پیدا شد می توان فهمید چقدر در کنار امام در پیروزی انقلاب نقش داشت. صدر ادامه داد: چون چمدان امام موسی را دزدیده و به ایتالیا رفته بودند، مقامات لیبی شایعه کردند که آنها به ایتالیا رفتند و در چمدانش نامه هایی وجود داشت که نشان می داد او با امام در ارتباط بود و در آن زمان حسن بکر یک تاجر سرشناس رابط و نامه رسان آنها بود و کسی هم به وی شک نمی کرد. وی در جواب سؤالی مبنی بر محتوای نامه ها با تأمل زیاد گفت: امام موسی در به راه افتادن حمام خون در تظاهرات ایران علیه شاه ابراز تأسف کرده بود و گفته بود برای رهایی از مرد کثیفی مثل شاه چاره ای جز ادامه راه پیمایی ها نیست.

حضور در نشست اتحادیه عرب در

لیبی

ربابه صدر گفت: ما اصلاً نمی خواستیم لبنان در نشست سران عرب در شهر سرت لیبی شرکت کند چرا که بررسی پرونده امام موسی صدر در دستور کار این نشست نبود. وی افزود با تشکر از رییس جمهور، رییس مجلس و نخست وزیر لبنان تأکید کرد: حضور لبنان در سطوح بالا کاملاً بی فایده بود حتی در ابتدا مقامات عالیه لبنان با مطرح کردن این موضوع از حضور نیافتن لبنان در این نشست خبر داده بودند.

وی با ابراز گله مندی تصریح کرد: ما همیشه در پیگیری قضیه امام موسی صدر تنها بودیم فقط ما خانواده صدر پی گیر این پرونده بودیم، گویی فقط ما مسؤولیم و بس. به همین خاطر کار بررسی این پرونده به کندی پیش می رفت و حتی کاملاً متوقف می شد. وی در پیوند با قضیه پیگیری نکردن پرونده امام موسی صدر از سوی مسئولان لبنانی و غیر لبنان گفت: مدتی پیش سرهنگ قذافی یک خانم خبرنگار لبنانی را بازداشت کرد و به خاطر مسیحی بودنش، فرانسه و مقامات لبنانی تمام تلاش های خود را به کار گرفتند و بالاخره با فرستادن یک وزیر لبنانی به لیبی این خبرنگار را آزاد کردند که وی نیز پس از آزادی بدون توجه به لبنان مستقیماً به

دفتر آیت الله سیستانی تایید قمه زنی از سوی ایشان را

تکذیب کرد

پایگاه خبری راصد عربستان نوشت: دفتر آیت الله سید علی سیستانی در نجف اشرف با صدور بیانیه ای رسمی تایید قمه زنی از سوی این مرجع شیعیان را در مراسم عزاداری امام حسین (ع) تکذیب کرد. به گزارش ایرنا، راصد افزود: دفتر آیت الله سیستانی در نیمه ماه آوریل جاری تکذیبیه ای به همراه یکی از کتابهای شیخ عبدالعظیم المهادی البحرانی را برای وی فرستاد. در این کتاب به نقل از آیت الله سیستانی، نظریاتی در باب تایید قمه زنی در مراسم عزاداری امام حسین ذکر شده بود.

دفتر آیت الله سیستانی، نظریات موجود در این کتاب را داستانی ساختگی و دروغین توصیف کرد. بنابر گزارش، شیخ البحرانی که بشدت از قمه زنی طرفداری می کند در کتاب چرا قمه زنی کنیم؟ به نقل از آیت الله سیستانی، اقدام به این کار را تایید و آن را از بزرگترین شعائر حسینی برشمرده است. راصد تصریح کرد: در بیانیه دفتر آیت الله سیستانی در پاسخ به اظهارات منسوب به مرجع شیعیان آمده است که وی به هیچ وجه مطالب نسبت داده از سوی شیخ البحرانی را بیان نکرده است. در این نامه که به مهر دفتر آیت الله سیستانی در نجف اشرف ممهور است، نسبت به دروغ بستن و افترا به مراجع تقلید با اهداف معین که براحتی از سوی برخی صورت می گیرد، ابراز شگفتی شده است.

ربابه صدر خواهر امام موسی صدر جانشین واقعی برادرش را سید حسن نصرالله خواند و گفت: او مردی خدایی که تقوای او بی نهایت و رهرو راستین امام صدر است. امام موسی صدر کیست؟ چرا به رغم گذشت بیش از ۳۰ سال از ناپدید شدنش در لیبی که به دعوت سرهنگ معمر قذافی راهی این کشور شد، عشق به او همچنان فروزان است و کمتر میدان و خیابانی در لبنان وجود دارد که در آن تصویر امام موسی صدر و یا نام وی را نتوان مشاهده کرد؟ چه کسانی مدعی جانشینی او هستند؟

قطعا پاسخ به این پرسش ها در یک گزارش و یا مقاله نمی گنجد، اما اگر کسی بخواهد پاسخ این سوالات و سوال های دیگر را از باب آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید بیاید باید دوری راه را تا جنوبی ترین شهر لبنان در نزدیک مرز فلسطین اشغالی (صور) به خود هموار کند و با ربابه صدر که در آنجا مشغول تیم نوازی کودکان پدر و یا مادر از دست داده در جنگ های اسرائیل علیه لبنان است، ملاقات کند.

مؤسسه خیریه و آموزشی امام صدر در جنوب لبنان، گویی قطعه ای از لبنان است که هنوز عطر پاک و صفای امام موسی را می توان در آنجا استشمام کرد.

نام موسی صدر آن چنان با لبنان گره خورده که بسیاری فراموش کرده اند او و اجدادش در ایران متولد شدند و ایرانی هستند. او در اواخر سال ۱۳۳۸ به توصیه آیت الله بروجردی و بنابر وصیت آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین رهبر متوفای شیعیان به عنوان جانشین آن مرحوم، سرزمین مادری خود را به سوی لبنان ترک کرد و نه تنها رهبر مقتدر شیعیان این کشور شد بلکه با ایجاد وحدت میان مسیحیان و مسلمانان توانست بر قلوب تمامی مردم این کشور حکومت کند.

با ربابه صدر در ایام فاطمیه در مؤسسه امام صدر در شهر صور مصاحبه کردم. تیمماتی در این مؤسسه مرا به سوی دفتر سیده ربابه راهنمایی کردند، گل سرخی داخل یک لیوان کوچک روی میزش و تصویر زیبایی از برادرش که بر پشت سرش قرار داشت، بیش از سایر وسایل دفتر کارش خودنمایی می کرد. سوالات زیادی در ذهن برای پرسیدن از وی وجود داشت ولی ترجیح دادم از نحوه ربودن امام موسی صدر آغاز کنم.

جزئیات ربوده شدن امام موسی

وی درباره جزئیات ربوده شدن امام موسی گفت : چون اسرائیل از اجرای قطعنامه ۴۲۵ شورای امنیت و عقب نشینی از مناطق مرزی سر باز زده بود، امام موسی صدر وظیفه خود می دانست که اوضاع بحرانی لبنان و عمق خطر تهدید کننده جنوب لبنان را به اطلاع رهبران کشورهای عربی برساند به همین منظور در الجزایر با هواری بومدین رئیس جمهور اسبق الجزایر گفت و گو کرد. بومدین در پایان این ملاقات که بسیار صمیمانه بود، گفته بود: خواهش می کنم سفری هم به لیبی داشته باشید. چون قذافی اخبار ناصحیحی از جنگ لبنان دارد.

خواهر امام موسی افزود: برادرم این دعوت را پذیرفت ولی در مورد تعیین زمان سفر با تأمل برخورد کرد و حدود یک ماه بعد به کاردار لیبی اطلاع داد که مایل است سفر در تاریخ ۲۵/۱۹۷۸ انجام شود و ناگزیر به ترک لیبی پیش از ۷/۹/۷۹ است تا بتواند به همسر بیمارارش که در حال درمان در فرانسه است، رسیدگی کند.



پیروزی مقاومت داشت و بدون ایران پیروزی مقاومت امکان نداشت دیدار سه جانبه اخیر دمشق و مانورهای ایران با تجهیزات پیشرفته نظامی بسیار مهم بوده و هست ما معتقدیم ایران پشتیبان تمامی شیعیان جهان است.

آخرین پیگیری های حقوقی پرونده

ربابه صدر تصریح کرد: اخیراً یک گروه ایتالیایی به شکل مستقل پرونده امام موسی صدر را پی گیری می کند و با ما هیچ همکاری ندارد ولی ما چند سال پیش پی گیری این پرونده را شروع کردیم. آنقدر این موضوع بزرگ و مهم بود که وکلای شیعه کنار کشیدند و وکلای مسیحی مارونی این کار را برعهده گرفتند و به رغم تهدیدات مکرر قذافی به جدیت مشغول فعالیت هستند حتی طبق حکم قضات فرانسوی قذافی نیز به خاطر اقدامات تروریستی از مصونیت دیپلماتیک در منصب ریاست جمهوری برخوردار نیست و وکلای مانیز از همین موضوع استفاده کرده و علیه او و ۱۱ تن دیگر درخواست جلب داده اند.

وضعیت خانواده امام موسی

وی گفت: با وجود اینکه ۴۰ سالی از ایران خارج شدم به خاطر وابستگی زیاد به کار این مؤسسه توانایی ترک آن را ندارم تا به ایران برگردم و در حال حاضر خانواده خودم و خانواده امام موسی صدر از بازماندگان خانواده صدر در لبنان هستیم.

آخرین ناگفته

وی با اشاره به توطئه داخلی و خارجی در ربودن امام صدر تأکید کرد: اگر من این افراد را که در ربودن ایشان نقش داشتند، رسوا می کردم بار دیگر جنگ دیگری در لبنان شروع می شد، به همین خاطر سکوت کردم ولی این موضوعات را خواهم نوشت تا بعد از من این افراد که برخی از آنها هنوز زنده هستند، رسوا شوند.

منبع: ایرنا

مجموعه سایت های مرکز :

سایت مرکز بررسی های اسلامی
www.iscq.ir

سایت استاد خسرو شاهی
www.khosroshahi.org

سایت سید جمال الدین اسدآبادی:
www.mosleheshargh.com

سایت تحلیلی - خبری بعثت
www.besatonline.com

بعثت

نشریه مرکز بررسی های اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:
سید هادی خسرو شاهی

سر دبیر:
سید محمود خسرو شاهی

دفتر مرکزی:
قم: خیابان شهدا (صفائیة) نبش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: سپهر

پست الکترونیکی:
Besatonline@gmail.com